



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

طیب و خبیث از دیدگاه قرآن کریم

(رساله ماستری)

محصله: شهلا "فیضی"

استاد راهنما: دکتور عبدالباری "حمیدی"

سال: ۱۴۰۱ هـ. ش - ۱۴۴۴ هـ. ق



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

برنامه ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

طیب و خبیث از دیدگاه قرآن کریم

(رساله ماستری)

محصله: شهلا "فیضی"

استاد رهنما: دکتور عبدالباري "حمیدی"

سال: ۱۴۰۱ هـ. ش - ۱۴۴۴ هـ. ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

تصدیق نامه

محترمه شهلا بنت صلاح الدین ID: SH-MST-97-448 محصل دور چهارم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: طیب و خبیث از دیدگاه قرآن کریم به روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۱/۹/۲۰ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۰ (نمره به عدد) نود پورک (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور عبدالوهاب حسام	عضو هیات	
۲	استاد شکرالله مخلص	عضو هیات	
۳	دکتور عبدالباری حمیدی	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	



معاون علمی

آمر بورده ماستری

اهداء

این رساله را قبل از همه به خانوادهٔ محترم ام که باهدایات و رهنمود های شان مسیر روشن را
برایم ترسیم نمودند، اهداء مینمایم.

و در قدم بعدی به استادان محترم ام که همیشه مصروف تعلیم و تربیه فرزندان وطن بوده اند،
و از هیچ نوع قربانی در عرصه دعوت، تبلیغ، آموزش، و پرورش فرزندان وطن دریغ نورزیده
اند.

و هم چنان برای تمام محصلین پوهنئی شرعیات خاصتا محصلین دیپارتمنت تفسیر و حدیث
پوهنتون خصوصی سلام نیز این رساله را اهداء مینمایم.

سپاسگزاری

در آغاز الله - سبحانه و تعالی- را سپاس گزارم که بنده را لایق علم و تعلیم دیده و توفیق عنایت فرمود تا مرحله ماستری را به اتمام رسانیده و این رساله را تحریر نمایم. سپس جا دارد که سپاسگزاری نمایم از وزارت تحصیلات عالی و پوهنتون خصوصی سلام که در هم آهنگی با این وزارت زمینه تحصیل ماستری را در کشور فراهم نموده تا جوانان کشور در بخش علوم و فنون پیشرفت و ترقی داشته باشند.

و هم چنان سپاسگزاری مینمایم از استادان پوهنتون خصوصی سلام و بورد ماستری این پوهنتون.

هم چنان طوری که آشکار است تهیه و تدوین یک اثر علمی بدون همکاری و رهنمایی اساتید بزرگوار و دانشمند ممکن نیست؛ بناء جا دارد تا از زحمات و همکاری های همه جانبه استاد رهنمای خویش دکتور عبد الباری حمیدی که با رهنمایی دلسوزانه ایشان این رساله تدوین گردیده است اظهار سپاس و امتنان مینمایم.

هم چنان از مناقشین محترم که زحمت مطالعه، و تقییم این رساله را پذیرفتند تشکری می نمایم، و از الله متعال استدعا مینمایم تا تمام استادان را در حفظ و امان خود داشته و توفیق خدمت بیشتر را نصیب شان گرداند.

و در نهایت اظهار سپاس و امتنان مینمایم از والدین و فامیل بزرگوارم خاصتا برادرهای مهربانم که بنده را در عرصه مادی و معنوی تا پایان دوره ماستری کمک، همکاری و تشویق نمودند.

خلاصه بحث

موضوع تیزس بنده طوریکه در عنوان تذکر رفته است " طیب وخبیث در قرآن کریم " می باشد. واین دو واژه - طیب وخبیث - چنان دو امر مهمی اند که تمام امور انسانها، بخصوص سعادت و نیک بختی آنها در دنیا آخرت به آن دو گره خورده اند؛ لذا شناخت طیب وخبیث و فرقی میان آن دو یک امر ضروری می باشد.

طیب وخبیث دو واژه اند که اولی در قرآن کریم به معنی جید، پاک، و حلال و دومی به معنی پلید، نجس و حرام بکار رفته است.

هم چنان طیب دارای انواع زیادی می باشد که همه چیزهای پاک و حلال را چه انسانها باشند، یا خوردنیها، مال و ثروت، اماکن، اقوال، افعال، بلکه عموم مخلوقات را شامل میگردد که الله متعال استفاده از آنها را در قرآن کریم مجاز دانسته است، و هیچ نوع ممانعتی در استفاده نمودن از آنها وجود نداشته و انسانها میتوانند از هر نوع اشیای طیب مطابق به احکام آیات قرآن کریم و احادیث رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - استفاده نمایند، در حالیکه در مورد خبیث قضیه برعکس است.

هم چنان خبیث دارای انواع زیادی بوده، مانند: خبائث از نوع مردم، خوردنیها، مال و ثروت، اماکن، اقوال، افعال، و عموم مخلوقاتی که قرآن کریم آنها را مردود شمرده و استفاده از آنها را ممنوع و حرام قرار داده است.

و نیز فراموش نباید کرد که الله - عزوجل - در بیان اشیای خبیث و طیب اسلوب و شیوه های مختلفی را به کار برده است، چنانچه که اشیای طیب را با اسالیب چون امر، نهی، نفی، استفهام، وعد، مدح، و ضرب المثل بیان داشته است، و در مقابل خبائث را نیز با عین اسالیب مانند: امر، نهی، نفی؛ ضرب المثل، ذم، استفهام، وعد، و وعید بیان داشته است. هم چنان الله - متعال - آثار مرتب بر روی آوردن بر طبیات و خود داری از خبائث را نیز ذکر نموده و اینکه استفاده از طبیات و اجتناب و خوداری از خبائث چه پیامد های را در دنیا و آخرت با خود دارد.

بنابراین ضرورت است هر انسان به حقیقت طیب وخبیث پی برده و آن را در حیاتش عملی نماید، بالخصوص در عصر فعلی که روابط اجتماعی میان انسانها بسیار نزدیک شده است.

ناگفته نماند که بحث و تحقیق پیرامون موضوع طیب وخبیث بر اساس روش تفسیر موضوعی صورت گرفته است که اهمیت این تحقیق را نشان میدهد.

نتیجه مهم دیگر این است که خداوند متعال در قرآن کریم آثار و حکمت‌های استفاده از اشیای طیب را بیان نموده است، و آن اینکه روی آوردن به اشیای طیب باعث فلاح، رستگاری، عزت، وبرکت در دنیا گردیده و هم چنان سبب داخل شدن بهشت در آخرت می‌گردد. و برعکس روی آوردن به خبیث و خبائث سبب زیان و بدبختی انسان در دنیا و آخرت می‌گردد.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
اهمیت موضوع	۱
سبب اختیار موضوع:	۲
سوال اصلی تحقیق:	۲
روش تحقیق:	۳
پیشینه تحقیق در موضوع:	۳
اهداف تحقیق:	۴
مشکلات تحقیق:	۴

فصل اول

کلیات و مفاهیم

مبحث اول: مفهوم طیب در لغت و شرع	۶
مطلب اول: مفهوم طیب در لغت:	۶
مطلب دوم: مفهوم طیب در شرع:	۶
مطلب سوم: علاقه میان مفهوم لغوی و شرعی طیب:	۷
مبحث دوم: مفهوم خبیث در لغت و شرع:	۸
مطلب اول: مفهوم خبیث در لغت:	۸
مطلب دوم: مفهوم خبیث در شرع	۹
مطلب سوم: علاقه میان مفهوم لغوی و شرعی خبیث:	۱۰
مبحث سوم: اهمیت شناخت طیب و خبیث	۱۱
مطلب اول: اهمیت شناخت طیب	۱۱
مطلب دوم: اهمیت شناخت خبیث	۱۳

فصل دوم

مفهوم خبیث و طیب، اطلاقات و مرادفات آنها در قرآن کریم

مبحث اول: مفهوم طیب و خبیث و اطلاقات آنها در قرآن کریم	۱۶
مطلب اول: مفهوم طیب و اطلاقات آن در قرآن کریم	۱۶
مطلب دوم: مفهوم خبیث و اطلاقات آن در قرآن کریم	۱۹
مبحث دوم: الفاظ و کلمات مرادف یا شبیه طیب و خبیث	۲۱
مطلب اول: الفاظ و کلمات مرادف و شبیه طیب	۲۱
مطلب دوم: الفاظ و کلمات مرادف یا شبیه خبیث	۲۴

فصل سوم

انواع طیب در قرآن کریم و اسلوب ترغیب به آنها با بیان آثار مرتبه بر آنها

۲۸	مبحث اول: انواع طیب در قرآن کریم.....
۲۸	مطلب اول: طیب از نوع مردم.....
۳۱	مطلب دوم: طیب از نوع خوردنی ها.....
۳۴	مطلب سوم: طیب از نوع مال و ثروت.....
۳۷	مطلب چهارم: طیب از نوع اماکن.....
۳۹	مطلب پنجم: طیب از نوع اقوال.....
۴۱	مطلب ششم: طیب از نوع افعال.....
۴۱	مطلب هفتم: طیب از عموم مخلوقات.....
۴۳	مبحث دوم: اسالیب و شیوه های ترغیب به طیب.....
۴۳	مطلب اول: اسلوب امر.....
۴۴	مطلب دوم: اسلوب نهی.....
۴۵	مطلب سوم: اسلوب نفی.....
۴۶	مطلب چهارم: اسلوب استفهام.....
۴۶	مطلب پنجم: اسلوب وعد.....
۴۸	مطلب ششم: اسلوب مدح.....
۴۹	مطلب هفتم: اسلوب ضرب المثل.....
۵۰	مبحث سوم: آثار مرتبه بر روی آوردن به طیب.....
۵۰	مطلب اول: آثار دنیوی طیب.....
۵۴	مطلب دوم: آثار اخروی روی آوردن به طیب در قرآن کریم.....

فصل چهارم

انواع خبیث در قرآن کریم و اسلوب تحذیر از آنها با بیان آثار مرتبه بر آنها

۵۸	مبحث اول: انواع خبیث در قرآن کریم.....
۵۸	مطلب اول: خبیث از نوع مردم.....
۶۰	مطلب دوم: خبیث از نوع اموال.....
۶۴	مطلب سوم: خبیث از نوع خوردنی ها.....
۶۸	مطلب چهارم: خبیث از نوع اماکن.....
۷۰	مطلب پنجم: خبیث از نوع اقوال.....
۷۱	مطلب ششم: خبیث از نوع اعمال.....
۷۲	مطلب هفتم: خبیث از عموم مخلوقات.....

۷۴	مبحث دوم: اسلوب قرآن کریم در تحذیر از خبیث
۷۴	مطلب اول: اسلوب امر
۷۵	مطلب دوم: اسلوب نهی
۷۷	مطلب سوم: اسلوب نفی
۷۷	مطلب چهارم: اسلوب ضرب المثل
۷۸	مطلب پنجم: اسلوب ذم
۷۸	مطلب ششم: اسلوب استفهام
۷۹	مطلب هفتم: اسلوب وعد
۸۰	مطلب هشتم: اسلوب وعید
۸۲	مبحث سوم: آثار مرتب بر روی آوردن به خبیث
۸۲	مطلب اول: آثار دنیوی بر روی آوردن به خبیث
۸۴	مطلب دوم: آثار اخروی بر روی آوردن به خبیث
۸۶	نتیجه گیری
۸۸	پشنهادات
۸۹	فهرست آیات قرآن کریم
۹۴	فهرست احادیث
۹۶	فهرست اعلام
۹۷	فهرست منابع
۱۰۲	Summary

مقدمه

الحمد لله الذي أحلّ لعباده الطيبات وحرّم عليهم الخبائث، والصلاة والسلام على رسوله محمد بن عبد الله وسائر اخوانه الذين خاطبهم الله ربهم بقوله: {يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ}¹

در این شکی وجود ندارد که قرآن کریم معجزه جاویدان، ابدی، و منبع هدایت بشری میباشد و الله - متعال - با نزول این کتاب مقدس بر تمام انسانها منت گذاشته خاصتا برای مسلمانها؛ زیرا که در عالم هستی دو پدیده وجود دارند که عبارت اند از خیر و شر که قرآن کریم همواره بسوی خیر رهنمائی نموده و به استفاده از آن و عمل کردن به آن دستور داده و بر عکس از پدیده دومی که شر است منع نموده و به خود داری از آن دستور داده است.

اسلام با داشتن این منبع قوی یعنی قرآن کریم میتواند به تمام ابعاد زنده گی انسانها مانند: بعد جسمی، روحی، مادی، معنوی، فردی، اجتماعی، دنیوی، و اخروی پاسخ دهد بناء احکام مربوط به طیب و خبیث را در آیات قرآن کریم بیان داشته است تا مؤمنان و پیروان قرآن به همه آنها تعارف حاصل نموده و شناخت از آنها داشته باشند؛ زیرا که شناخت این دو پدیده مهم (طیب و خبیث) و استفاده نمودن از طیبیات، و خود داری کردن از خبائث باعث عزت، سربلندی و کامیابی انسانهای مؤمن و مسلمان در دنیا و آخرت میگردد.

بناء تحقیق در مورد این موضوع ضرورت جامعه میباشد پس از همین جهت لازم دانستم تا این موضوع را انتخاب نموده و در مورد آن تحقیق نمایم که این تحقیق موضوعی بوده، موضوعات آن در پرتو آیات قرآن کریم و احادیث رسول اکرم - صلی الله علیه و سلم - تنظیم گردیده است.

اهمیت موضوع

چنانچه که هویدا است طیب و خبیث دو امر مهم اند در زنده گی مسلمانها بناء مسلمانها برای شناخت این دو امر مهم (طیب و خبیث) در تمام ابعاد زنده گی شان ضرورت دارند بالخصوص در عصر کنونی که مردم کمتر به شناخت اشیا از لحاظ طیب بودن یا خبیث بودن اهتمام مینمایند پس اهمیت موضوع قرار ذیل است:

¹ -سوره مؤنون، آیت: ۵۱

- ۱- اینکه موضوع متعلق به قرآن کریم میباشد دارای اهمیت خاص است.
- ۲- استفاده از اشیای طیب و روی آوردن به آنها باعث کامیابی انسان در دنیا و آخرت میگردد.
- ۳- استفاده از خبائث و روی آوردن به آنها باعث هلاکت و ذلیل شدن انسانها در دنیا و آخرت میگردد.
- ۴- در تمام جوامع بالخصوص جوامع اسلامی فرق میان این دو امر (طیب و خبیث) و اینکه الله- متعال- طیبات را حلال و خبائث را حرام دانسته مهم بوده و دارای اهمیت میباشد.

سبب اختیار موضوع:

چنانچه آشکار است اینکه موضوع (طیب و خبیث) از دیدگاه قرآن کریم خیلی مهم است، و از جانب دیگر مردم هم کمتر به آن اهتمام مینمایند بناء لازم دیدم تا این موضوع را از منظر قرآن کریم م تحقیق نمایم. پس اسباب اختیار موضوع از این قرار اند.

- ۱- علاقه مندی خودم نسبت به موضوع
- ۲- بیان این دو امر مهم (طیب و خبیث) از دیدگاه قرآن کریم.
- ۳- اینکه اکثریت مردم کمتر به فرق میان این دو یعنی طیب و خبیث میپردازند.
- ۴- معرفی طیبات با بیان اثرات مفید آن در پرتو آیات قرآن کریم.
- ۵- معرفی خبائث با بیان اثرات مضر آن در پرتو آیات قرآن کریم.

سوال اصلی تحقیق:

- ۱- در آیات قرآن کریم طیب و خبیث چگونه بیان گردیده است؟

سوالات فرعی تحقیق:

- ۱- مفهوم طیب و خبیث در لغت و شرع چیست؟
- ۲- مفاهیم طیب و خبیث و مرادفات آنها در قرآن کریم کدامها اند؟
- ۳- طیب و خبیث در قرآن کریم به چند نوع میباشند؟
- ۴- قرآن کریم اشیای طیب و خبیث را به کدام اسلوب یا شیوه بیان نموده است؟
- ۵- آثار مرتبه بر روی آوردن به طیبات و خبائث کدام ها اند؟

روش تحقیق:

۱- قسمی که واضح است موضوعی را که من برای بحث انتخاب کرده ام ضرورت به مطالعه موضوعی دارد؛ بناء آیاتی را که به طیب و خبیث تعلق دارند به بحث و تفسیر قرار داده ام. پس روشی را که در این تحقیق بکار برده ام مشابه به بحث موضوعی است که طیب و خبیث را در قرآن کریم مورد بررسی و تحقیق قرار داده ام و کوشش نموده ام جهت غنی سازی این رساله علمی از منابع و مراجع معتبر دیگر نیز استفاده نمایم.

۲- روش تحقیق من در تهیه این رساله اکثراً کتابخانه‌ی بی بوده و از منابع معتبر عربی و برخی تفاسیر فارسی استفاده نموده ام.

۳- موضوع ابتداء به چهار فصل تقسیم گردیده که هر فصل به مباحث، و هر مبحث به مطالب تقسیم گردیده است .

۴- در ترجمه آیات از تفسیر نور تالیف دوکتور مصطفی خرم دل و همچنان از ترجمه فارسی تیسیر الکریم الرحمن، تالیف شیخ عبد الرحمن بن ناصر سعدی استفاده نموده ام.

۵ - اعلام غیر مشهور را معرفی نموده ام.

۶ - احادیث نبوی را از کتاب معتبر حدیث تخریح نموده و در مورد احادیث غیر صحیحین سعی نموده ام تا درجه و مرتبه حدیث را از لحاظ صحت و ضعف بیان کنم.

۷- نتیجه گیری بحث در آخر و خلاصه بحث در آغاز ذکر گردیده است.

۸- فهرست آیات، فهرست احادیث، فهرست اعلام ، فهرست مراجع و مصادر مطابق با ترتیب حروف الفباء در آخر ترتیب گردیده است.

پیشینه تحقیق در موضوع:

در مورد پیشینه تحقیق باید گفت که خاص به عنوان طیب و خبیث از دیدگاه قرآن کریم که بحث شده باشد تحقیقی را به زبان ملی کشور از سوی هیچکس صورت نگرفته است. این نکته سبب شد تا این عنوان را برای رساله خود انتخاب و به امریت کمیته ماستری تفسیر و حدیث پوهنتون سلام تقدیم کنم.

اما قابل ذکر است اینکه در این عنوان دورساله به زبان عربی تحریر گردیده که عبارت است از طیب و خبیث فی ضوء القرآن الکریم رساله ماستری میباشد و توسط عبد العزیز بن محمد بن صالح الربعی تحریر گردیده و بنده نیز از این رساله استفاده اندکی نموده ام و هم چنان رساله

دکتورا است تحت عنوان الطیب والخبیث دراسته ومصطلحته که توسط علی یوسف تحریر گردیده است.

باید گفت اینکه تفاوت بین این رساله و رساله الطیب والخبیث فی ضو القرآن الکریم این است که بنده تنها آیاتی را انتخاب نموده ام که در آنها لفظ طیب ویا خبیث بیان گردیده از مرادفات صرف نظر نموده ام ولی در آن رساله بر علاوه آیات مرتبط به طیب وخبیث آیاتی را که اشاره به موضوع داشته اند نیز انتخاب گردیده است.

در مورد ضرورت تحقیق باید گفت که امت اسلامی این را میدانند که الله - متعال - همه موجودات را خلق کرده که از آن جمله بعضی طیب و بعضی خبیث اند که امت باید به هر دو پدیده کاملاً تعارف حاصل کرده و فرق میان هر دو را بدانند تا از طیبات استفاده کرده و از خبائث اجتناب نمایند.

اهداف تحقیق:

اهداف تحقیق عبارت اند از:

- ۱- خدمت برای کتاب الله و دین اسلام .
- ۲- بیان اشیای طیب از قرآن کریم با چگونگی طرز بیان آنها و هم چنان ذکر پیامدهای آنها
- ۳- بیان اشیای خبیث از قرآن کریم با چگونگی طرز بیان آنها و هم ذکر پیامدهای آنها.

مشکلات تحقیق:

امور ذیل را میتوان به عنوان مشکلات تحقیق طرح کرد:

- ۱ - عدم آگاهی اکثریت مردم از واژه های طیب و خبیث.
- ۱ - بی تفاوتی اکثریت مردم در برابر طیب و خبیث.
- ۲ - عدم آگاهی اکثریت مردم از آثار و پیامدهای طیب و خبیث.
- ۳ - روی آوردن یکتعداد مردم به خبائث.

فصل اول

کلیات و مفاهیم

مبحث اول: مفهوم طیب در لغت و شرع

مطلب اول: مفهوم طیب در لغت

مطلب دوم: مفهوم طیب در شرع

مطلب سوم: علاقه میان مفهوم لغوی و شرعی طیب

مبحث دوم: مفهوم خبیث در لغت و شرع

مطلب اول: مفهوم خبیث در لغت

مطلب دوم: مفهوم خبیث در شرع

مطلب سوم: علاقه میان مفهوم لغوی و شرعی خبیث

مبحث سوم: اهمیت شناخت طیب و خبیث

مطلب اول: اهمیت شناخت طیب

مطلب دوم: اهمیت شناخت اشیاى خبیث

فصل اول

کلیات و مفاهیم

مبحث اول: مفهوم طیب در لغت و شرع

مطلب اول: مفهوم طیب در لغت:

طیب در لغت: طیب مصدر است به معنی خوش شدن، خوشبو شدن، خوش مزه شدن که از ماده (ط، یا، ویا) است که یک اصل واحد بوده و دلالت میکند به آنچه که خلاف یا برعکس خبیث باشد.

طیب هم چنان به مفهوم حلال، عفیف، طاهر و نظیف، و مؤمن نیز آمده است که ضد خبیث بوده که به مفهوم طاهر، و هم چنان طیب به مفهوم پاک و پاکیزه، نیکو و بهترین چیز نیز میباشد پس بنابر تعاریفی که اهل لغت برای لفظ طیب بیان داشته اند میتوان گفت که طیب در لغت به مفهوم پاک از هر نوع آلوده گی یا پلیدی ظاهری و باطنی میباشد.

مطلب دوم: مفهوم طیب در شرع:

شریعت اسلام یک شریعت جامع و کامل است و قرآن کریم اولین مصدر معتبر در این شریعت میباشد، که به تمام ابعاد زنده گی بشری در دنیا و آخرت توجه و اهتمام خاص مبذول داشته و هیچ امری از امور زنده گی انسانها از آن مستثنی نشده است. پس طیبات و نحوه استفاده از آن یک اصل پذیرفته شده در شریعت اند که طیب در شرع به مفاهیم مختلف دلالت میکند.

مفهوم طیب در شرع: اصل طیب در شرع به چیزی گفته می شود که نفس و حواس از آن لذت ببرد و الله - متعال - آن را حلال دانسته و خوردن آن را نیز روا دانسته است.

به عبارت دیگر طیب آن است که نفسهای سالم آن را خوب یا پسندیده بیندازد و در نزد الله خوب، درست یا پسندیده باشد و علم نیز به درستی و پسندیده بودن آن شاهد باشد.

و هم چنان طیب به مفهوم ملائم یا نرم که غیر اذیت کننده باشد نیز دلالت میکند مثلاً: وقتی گفته شود باد طیب، مقصد از آن باد ملائمی است که خوشایند باشد.^۱

۱ - دیده شود: المفردات فی غریب القرآن ج ۱، ص ۵۲۷، ص ۷۷۰ / موسوعة فقه القلوب محمد بن ابراهیم بن عبدالله التویجری الناشر بیت الأفكار الدولية، طبع: اول (۱۴۳۰هـ - ۲۰۰۹م) ج ۱۱، ص ۵۶ / لسان العرب مؤلف محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین ابن منظور الانصاری الرویفی ناشر: دار صادر بیروت، طبع: اول، ج ۱، ص ۵۶۳ / لطائف الاشارات ج ۱ ص ۶۲۴، ۱ تفسیر الراغب الأصفهانی أبو القاسم الحسین بن محمد

پس بنا بر تعاریفی که برای مفهوم طیب در شرع بیان گردید بصورت کل میتوان گفت که مفهوم طیب در شرع عبارت است از آنچه که در نزد الله پسندیده بوده و نصوص شرع دال بر طیب بودن آن باشد، و نفس، حواس از آن لذت ببرد، و نیز شرع مطهر آنرا حلال دانسته باشد.

مطلب سوم: علاقه میان مفهوم لغوی و شرعی طیب:

از خلال مطالعه بحث و تحقیق در مورد علاقه و ارتباط میان مفاهیم لغوی و شرعی طیب دانسته میشود که علاقه یا ارتباط میان مفهوم لغوی و شرعی طیب علاقه نزدیک است یعنی در نتیجه بررسی کتب لغت و تفاسیر قرآن کریم مفهومی را که اهل لغت و مفسرین برای کلمه طیب ذکر نموده اند متقارب بوده و تقریباً با هم یکسان میباشند. پس این خود بیان کننده علاقه نزدیک بین مفهوم لغوی و شرعی کلمه طیب است؛ زیرا مفهومی را که مفسرین با استدلال بر آیات کلام الله برای لفظ طیب بیان میدارند با آن مفهومی که اهل لغت برای این لفظ وضع کرده اند تقریباً همسان بوده و فرقی میان آنها وجود ندارد.

بطور مثال الله - سبحانه و تعالی- میفرماید: **وَلَا تَتَّبِعُوا الْخَيْبَ بِالطَّيِّبِ** «و اموال ناپاک و بد خود را با اموال پاک و خوب یتیمان جابجا نکنید»

علامه ناصر السعدی^۲ در تفسیرش تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر الملام المنان در مورد لفظ طیب مینویسد که لفظ طیب در این آیت به مفهوم حلال است^۳

در حالیکه در کتاب المفردات فی غریب القرآن نیز لفظ طیب در این آیت به مفهوم حلال میباشد^۴

المعروف بالراغب الأصفهانی (المتوفی: ۵۰۲هـ) تحقیق ودراسة: د. محمد عبد العزيز بسيوني الناشر: كلية الآداب - جامعة طنطا الطبعة الأولى: ۱۴۲۰ هـ .

۱-سوره النساء آیت ۲

۲ - السعدی: یشخ ابو عبد الله عبد الرحمن بن ناصر السعدی الناصری التیمی، سال تولد: ۱۸۸۹م سال وفات: ۱۹۵۶م آثار مشهور وی ارشاد اولی البصائر والألیاب لمعرفة الفقه بأقرب الطرق وأیسر الأسباب، الدرّة المختصره فی محاسن الإسلام، (ar.m.wikipedia.org)

۳ - ج ۱، ص ۱۶۳

۴ - ج ۱، ص ۲۷۳

مبحث دوم: مفهوم خبیث در لغت و شرع:

مطلب اول: مفهوم خبیث در لغت:

علامه ابن فارس 'میگوید: « الخاء والباء والثاء أصل واحد يدلُّ على خلاف الطَّيِّب. يقال خبيثٌ، أي ليس بطيِّبٍ » ۲.

یعنی خبیث از ماده خا، با، و یا ترکیب یافته است که همه یک اصل واحد اند، ودلالات میکند به هر آنچه که خلاف طیب باشد.

در فرهنگ معین آمده است: خبیث، یعنی پلید، ناپاک، بد سیرت که جمعش خبائث است ۳. و یا به عبارت دیگر خبیث در لغت خدع (فریب کاری) چنانچه عرب در استعمالات خود می گویند: « خُبْتُ على فلان: مكربه، واستعمل معه الحيلة والخداع». یعنی با فلان مکاره گری، حيله گری، و فریب کاری را انجام داد. و همچنان خبیث در لغت به معنای کافر، حرام، ردی، مکروه، و هر چیزی که فاسد و باطل باشد نیز دلالت میکند، و خبیث در لغت به مفعوم ناپاک و نجس نیز میباشد ۴.

۱- ابن فارس، ابو الحسين احمد بن فارس بن زكريا بن حبيب، نحوی، لغوی، ادیب، شاعر و یکی از چهره‌های درخشان ادب عربی در سده‌ی ۴ ق می‌باشد. سال و محل تولد او به درستی روشن نیست؛ اما ظاهراً در یکی از روستاهای قزوین به دنیا آمده است. نخستین آگاهی ما درباره‌ی زندگی او از آغاز تحصیلات اوست. وی در قزوین نزد پدرش زکریا بن فارس که فقیهی شافعی مذهب و دانشمندی اهل لغت و ادب بود، دانش آموخت و چندی بعد از ایشان کتاب اصلاح المنطق ابن سکیت را روایت کرد. در موارد دیگری نیز از پدر خود روایت کرده است. از آثار مشهور او: المجمل فی اللغة، المذکر و المونث، مقاله فی اسماء اعضاء الانسان یا خلق الانسان، مقاله کلا و ما جاء منها فی کتاب الله، مقایس اللغة یا معجم مقایس اللغة می باشد. رجوع شود به: وفيات الأعيان (۱/ ۱۱۸)، معجم الأدباء ۴: ۸۰ و انباه الرواة ۱: ۹۲ و نزهة الألباء: ۲۱۹ و بغية الوعاة: ۱۵۳، الأعلام للزركلي (۱/ ۱۹۳)

۲- معجم مقایس اللغة (۲/ ۱۹۴)

۳- فرهنگ معین (۲/ ۳۳۴)

۴- العین مؤلف ابو عبد الرحمن: خليل بن احمد بن عمرو بن تميم الفراهيدي الازدي الیحمدي، ج ۱، ص ۳۱۹، مقایس اللغة ج ۲، ص ۱۹۴، موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم ج ۱، ص ۳۷۳، معجم اللغة العربية المعاصرة ج ۱، ص ۶۰۵، لطائف الإشارات ج ۱، ص ۶۲۴، لسان العرب، تألیف: ابن منظور، محمد بن مكرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الانصاري الرويفعی ج ۱، ص ۵۶۳

مطلب دوم: مفهوم خبیث در شرع

شناخت اشیای خبیث یکی از اهداف اساسی دین مبین اسلام و رسالت محمد - صلی الله علیه وسلم - از طریق وحی است به غرض اینکه انسانها با معرفت و شناسایی اشیای خبیث از حقیقت آنها پی برده و پرهیز نمایند. و برای درک مفهوم خبیث مناسب است تا در قدم اول از مفهوم شرعی آن آگاه شویم که در زمینه اقوال برخی علماء را ذکر می‌کنم:

۱ - علامه کفوی^۱، و مناوی^۲ - رحمهما الله در تعریف خبیث گفته اند: «الخبیث: ما یکره رداءة و خسة محسوسا أو معقولا وذلك یتناول الباطل في الاعتقاد والكذب في المقال، والقبح في الأفعال»^۳

یعنی خبیث آن است که به خاطر زشتی و ناپسند بودنش خبیث و مکروه پنداشته شود، برابر است که آن عمل و کار زشت امر محسوس باشد و یا معقول که شامل اعتقاد باطل، سخن دروغ، و اعمال زشت را شامل می‌گردد.

۲ - امام راغب اصبهانی^۴ رحمه الله می‌گوید: «الْخُبْثُ وَالْخَبِيثُ: ما یکره رداءة و خساسة، محسوسا كان أو معقولا، وأصله: الرديء الدخلة^۵، وذلك یتناول الباطل في الاعتقاد، والكذب في المقال، والقبيح في الفعال، قال عز وجل: { وَبَحَرَمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ }^۶ أي: ما لا یوافق النفس من المحظورات، وقوله تعالى: { وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغُرَيَّةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ }^۷ فكناية عن إتيان الرجال. وقال تعالى: { ما كان الله ليدر المؤمنین علی ما أنتم علیه حتى یميز الخبیث من الطیب }^۸ أي: الأعمال الخبیثة من الأعمال الصالحة، والنفس الخبیثة من النفوس الرکیة»^۹.

۱ - او: أبو البقاء أيوب بن موسى حسینی کفوی است، که در زمان خود یکی از قاضیان برجسته مذهب حنفی به شمار میرفت که مدت زیادی در کفه ترکیه منصب قضاوت را به دوش داشت. او از علاوه از وطن اصلی اش در بیت المقدس و بغداد نیز زندگی کرد، بالآخره به استانبول برگشت و در همانجا وفات نمود. او علاوه از کلیات که اثر مشهور وی است تالیفاتی نیز به زبان ترکی داشت. دیده شود: أعلام زرکلی (۲/ ۳۸) هدیة العارفین از بغدادی، ص: ۲۲۹ وایضاح المکنون: اسماعیل بغدادی ۲: ۳۸۰.

۲ - او محمد عبد الرؤوف بن تاج العارفین ابن علی بن زین العابدین مناوی نام دارد که در زمانش از علمای بزرگ در دین و فنون دیگر محسوب می‌شد. بیشتر عمرش را در تالیف و تحقیق سپری کرد. تولدش در سال: ۹۵۲ هـ و وفاتش در سال ۱۰۳۱ هـ به وقوع پیوست. الأعلام للزرکلی (۶/ ۲۰۴) ۹۵۲ - ۱۰۳۱ هـ

۳ - التوقیف علی مهمات التعاریف لابن الأعلام للزرکلی (۲/ ۳۸)

۴ - ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل، معروف به راغب اصفهانی (درگذشته ۵۰۲ قمری) لغت‌شناس و از ادیبان و حکیمان اهل اصفهان بود..

۵ - الدخلة: البطانة الداخلة.

۶ - الأعراف آیت ۱۵۷

۷ - الأنبياء آیت ۷۴

۸ - آل عمران آیت ۱۷۹

۹ - المفردات في غريب القرآن (ص: ۲۷۲)

یعنی خبیث چیزی است که بخاطر زشتی و ناپسندی و مکروه بودنش چنین نامیده شده، خواه کراهت حسی و ظاهری داشته باشد یا کراهت معنوی و عقلی.

پس واژه- خبث- اعتقاد باطل، سخن دروغ و افعال زشت را در بر میگیرد. وبه عبارت دیگر خبیث یعنی پلیدی در اندیشه و عمل را گویند.

خداوند متعال می فرماید: { وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ }^۱ یعنی: پلیدیها و آنچه را که جنبه ممنوعیت دارد و موافق خواهش طبع و نفس نیست، و در آیه: { وَ نَجِّنَاهُ مِنَ الْفُرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ }^۲

{**تعلم الخبائث**} در آیه فوق کنایه از مردانی است که عمل زشت انجام می دادند. و این آیه مربوط به نجات لوط علیه السلام از شهری است که به زشتی ها و تباهی های جنسی آلوده بودند که می فرماید: {**أنهم كانوا قوم سوء فاسقین**} یعنی گروه تبهکار و فاسق بودند که از فرمان حق سرپیچی کردند.^۳

پس خبیث به تمام چیزهای آلوده یا ملوث و پلیدی گفته میشود که در شرع هر نوع استفاده نمودن از آن ممنوع باشد؛ زیرا استفاده نمودن از اشیای خبیث باعث آلوده گی و ملوث شدن جامعه به انواع نجاست ها میگردد.

مطلب سوم: علاقه میان مفهوم لغوی و شرعی خبیث:

طوری که در مطلب ماقبل درموردعلاقه میان مفهوم لغوی وشرعی طیب بیان گردید در این مطلب نیز علاقه بین معنی لغوی وشرعی خبیث نیز یک علاقه بسیار نزدیک است زیرا که کدام فرقی بین معنی لغوی که اهل لغت برای خبیث بیان نموده اند با معنی که در شرع برای لفظ خبیث وضع گردیده است دیده نمی شود بلکه هر دو(معنی لغوی وشرعی) تقریباً یکسان بوده وباهم متقارب اند؛ زیرا مفهومی را که اهل لغت برای معنی لغوی لفظ خبیث وضع نموده اند با استدلال بر آیات از کلام الله ونصوص معتبر شرعی است.

بطور مثال از جمله مفاهیمی که لفظ خبیث به آنها اطلاق میشود یکی هم لفظ منافق است که هم در کتب لغت وهم در کتب تفاسیر خبیث به مفهوم منافق دلالت میکند طوری که الله -متعال- میفرماید:

۱-سوره الاعراف آیت ۱۵۷

۲-سوره الانبیاء آیت ۷۴

۳- ترجمه مفردات قرآن ص: ۶۸۹.

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ^۱ «این گونه نبوده است که خداوند شمارا به حالی که هستید رها کند بلکه خداوند پاک را از ناپاک جدا میسازد»
لفظ خبیث در این قول الله-عزوجل-به مفهوم منافق میباشد^۲

در حالیکه در کتاب معجم اللغة العربية المعاصرة نیز کلمه خبیث به مفهوم منافق میباشد^۳

مبحث سوم: اهمیت شناخت طیب و خبیث

قسمیکه میدانیم اهمیت هر چیز را از موضوع آن دانسته میشود، پس شناخت طیب و خبیث از دیدگاه قرآن کریم دارای اهمیت زیادی میباشد؛ زیرا که شناخت صحیح طیبات و خبائث و نحوه استفاده از آنها مطابق به دستورات قرآن کریم از مهمترین اصول حیات بشری میباشد بناء اهتمام به طیبات و خبائث استفاده از آنها مطابق به احکام شرع باعث پاکی جسم و روح انسانها میگردد. پس اهمیت شناخت طیب را بطور فشرده میتوان قرار ذیل خلاصه نمود:

مطلب اول: اهمیت شناخت طیب

پس اهمیت شناخت طیب را بطور فشرده میتوان قرار ذیل خلاصه نمود:

۱- شناخت اشیای طیب و پاک از دیدگاه قرآن کریم دارای اهمیت خاص میباشد زیرا که این موضوع متعلق و مرتبط به قرآن کریم بوده که این خود دلیل بر اهمیت آن میباشد.

۲- از خلال آیات قرآن کریم و بحث پیرامون اشیای طیب میتوان پی برد به اینکه تمام چیزهای طیب حلال بوده و الله - متعال - در این کتاب مقدس استفاده از آنها را جایز و مباح قرار داده است.

۳- معرفت با اشیای طیب و شناخت آنها در جامعه باعث میگردد انسانها اشیای طیب را به اطمینان قلبی و خاطر راحت استفاده نمایند.

۴- و همچنان شناخت طیبات یا اشیای حلال و پسندیده در حیات انسانها امری است مهم از همین جهت است که الله - متعال - آن را نیز از طریق وحی بر محمد - صلی الله علیه وسلم - بر بنده گانش بیان نموده طوری که فرموده است: (يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا) ۴.

۱-سوره آل عمران آیت ۱۷۹

۲-تفسیر نور ص ۲۵۳

۳-ج ۱، ص ۶۰۵

۴-سوره المؤمنون: ۵۱

«گفتیم ای پیامبران بخورید از چیزهای پاکیزه و کار نیکو انجام دهید»

در تفسیر المیسر در مورد این آیت ذکر گردیده است: اینکه خداوند - متعال - میفرماید ای پیامبر از چیزهای پاکیزه بخورید و اعمال صالح را انجام دهید؛ زیرا که هیچ چیز از من پنهان نیست و به آنچه انجام می‌دهید آگاه ام. اما مفهوم آیه عام است که هم پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و هم پیروانش را شامل است، یعنی این آیه دلیل است بر اینکه خوردن و استفاده نمودن از اشیای حلال و پاک باعث توفیق انسان به انجام اعمال صالح می‌گردد، و هم چنان عاقبت حرام بسیار زشت بوده حتی باعث رد دعاء می‌گردد.^۱

و به همین ترتیب آیه دیگری نیز بیان کننده اهمیت اشیای طیب می‌باشد که خداوند متعال حلال ساختن طیبات را یکی از اوصاف پیامبرش قرار داده فرموده است: (الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ)^۲

«آنانی که از این رسول الله، پیامبر امی (درس نا خوانده) پیروی میکنند و صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است نوشته می‌ابند، آنها را به کارهای خوب و پسندیده فرمان می‌دهد و از زشتی‌ها و کارهای ناپسند باز شان می‌دارد، و پاکیزه‌ها را برای ایشان حلال می‌گرداند.»

۵- طیبات و استفاده نمودن از آنها مطابق احکام قرآن کریم باعث صلاح، فلاح و رستگاری انسان در دنیا و آخرت می‌گردد، طوریکه الله متعال فرموده است: (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)^۳

«هرکس چه زن و چه مرد کار شایسته انجام دهد و مومن باشد بدو در این دنیا زنده گی پاکیزه و خوشایندی می‌بخشیم و در آن دنیا پاداش کارهای خوب و عالی آنان را بر طبق بهترین کارهای شان خواهیم داد»

۶ شناخت طیبات و کار برد آن در حیات باعث تحکیم و تقویت روابط، اعتماد، احترام، رضامندی، فرح و خوشی نسبت به یکدیگر در میان انسانها می‌گردد.

۷- اشیای طیب شناخت و معرفت آنها در بین انسانها از چنان اهمیت برخوردار است که باعث حفظ و نگهداشت جامعه از هرگونه پلیدی و نجاست می‌گردد.

۱- التفسیر المیسر ج ۱ ص ۳۴۵

۲- سورة الاعراف: ۱۵۷

۳- سورة النحل: ۹۷

۸- معرفت با اشیای طیب و بیان اهمیت آن امری است از جانب الله - متعال- که باعث سلامت جسمی و روحی انسانها می‌گردد.

مطلب دوم: اهمیت شناخت خبیث

قسمیکه در مورد اهمیت شناخت اشیای طیب بیان گردید اهمیت شناخت هرچیز از موضوع آن هویدا می‌گردد، پس در بیان اهمیت شناخت اشیای خبیث نیز میتوان گفت که شناخت این اشیا دارای اهمیت زیادی میباشد؛ زیرا علاوه از طبیات خبائث هم در قرآن کریم بیان گردیده و خود داری نمودن از آنها مطابق دستورات الهی و جیبه هر فرد مسلمان میباشد. بناء اهمیت شناخت اشیای خبیث بطور خلاصه از این قرار است.

۱- اینکه قرآن کریم علاوه از اشیای طیب، اشیای خبیث را نیز بیان نموده و این موضوع به نسبت اینکه متعلق و مرتبط به قرآن کریم میباشد.

۲- اشیای خبیث و اهمیت معرفت آنها بر می‌گردد به آیات کلام الله زیرا که قرآن عظیم الشان در آیات متعدد اشیای خبیث را با ذکر پیامد های ناگوار آن بیان نموده است.

۳- استفاده نمودن از اشیای خبیث و مراعات نکردن اوامر الله - متعال - در این مورد باعث شقاوت، رذالت و بد بختی انسانها در دنیا و آخرت می‌گردد. از همین جهت است که شناخت اشیای خبیث و معرفت با آنها و خود داری نمودن از هر نوع استفاده آنها بحثی است مهم که باید از استفاده آنها اجتناب صورت گیرد.

۴- اشیای خبیث و عدم اهتمام به آنها باعث عداوت، کینه دوزی، و عدم اعتماد در میان مردم می‌گردد. بناء الله- سبحانه و تعالی- جهت معرفت بیشتر اشیای خبیث و بیان پیامدهای ناگوار آنها در دنیا و آخرت اشیای خبیث را در آیات قرآن کریم بیان نموده تا باشد که انسانها به اهمیت شناخت آنها پی برده و از آغوشته شدن به آنها خود داری نمایند. بطور مثال: شراب از جمله خبیث ترین نوشیدنی ها است، و قمار هم از خبیث ترین اعمال و کارها. بناء الله- متعال- با بیان حکم صریح آنها را منع نموده است اما در صورت نوشیدن شراب و انجام عمل قمار انسان مرتکب گناه بزرگ شده طوری که قرآن کریم در این مورد میفرماید: (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ)^۱

« میپرسند ای محمد ترا از شراب و قمار بگو در هر دو گناه بزرگ است.»

۱- سوره البقره: ۲۱۹

پس الله - متعال - خبر داد که گناه شراب و قمار و زینانی که از این کارها ناشی میشود از قبیل از دست دادن عقل، دشمنی و کینه از فایده که آنها به گمان خود از آن میبرند از قبیل بدست آوردن مال از راه تجارت شراب و بدست آوردن مال بوسیله قمار و لذت بردن به هنگام انجام این دوکار بیشتر و بزرگتر است.

۵- نوع دیگری از جمله اشیای خبیث و معرفت با آنها و خود داری نمودن از آنها دارای چنان اهمیتی است که الله-متعال- خود داری نمودن از آنها را سبب فلاح و رستگاری دانسته طوری که میفرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) ۱

«ای کسانی که ایمان آورده اید همانا شراب قمار بتها و تیر های فالگیری پلید اند و از کارهای شیطان میباشند پس از آنها بپرهیزید تا رستگار شوید»

۶- شراب یکی از پلیدی ها و خبائثی است که عقل را زایل و مال را ضایع میسازد و انسان را به حرص و حرام خوری تشویق میکند تا از راه حرام پول بدست آورده و در این راه مردود و خبیث به مصرف برساند.

۱- سوره المائده: ۹۰

فصل دوم

مفهوم خبیث و طیب و مرادفات آنها در قرآن کریم

مبحث اول: مفهوم طیب و خبیث در قرآن کریم

مطلب اول: مفهوم طیب در قرآن کریم

مطلب دوم: مفهوم خبیث در قرآن کریم

مبحث دوم: الفاظ و کلمات مرادف یا شبیه طیب و خبیث

مطلب اول: الفاظ و کلمات مرادف و شبیه طیب

مطلب دوم: الفاظ و کلمات مرادف یا شبیه خبیث

فصل دوم

مفهوم خبیث و طیب، اطلاقات و مرادفات آنها در قرآن کریم

مبحث اول: مفهوم طیب و خبیث و اطلاقات آنها در قرآن کریم

چنانچه که در فصل اول مفهوم طیب و خبیث در لغت و شرع و همچنان علاقه میان مفاهیم لغوی و شرعی طیب و خبیث بیان گردید، اینک در این فصل میپردازیم به بیان مفهوم طیب و خبیث در قرآن کریم .

مطلب اول: مفهوم طیب و اطلاقات آن در قرآن کریم

لفظ طیب در آیات متعدد و در سوره های مختلف قرآن کریم ذکر گردیده که دلالت به مفهوم حلال، پاک، مؤمن و عفیف مینماید.

الف/ طیب به معنای حلال و خوب:

هر چیزی را که خداوند - متعال - در قرآن کریم طیب گفته باشد به آن حلال نیز اطلاق میشود، طوری که الله متعال میفرماید: (وَلَا تَنْبَذُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ) ۱
«و مال ناپاک را که عبارت از خوردن مال حلال یتیم به ناحق است به جای مال حلال که در آن گناه و اشکالی نیست قرار ندهید.»

مقصد از کلمه طیب در آیت فوق حلال و جید میباشد. ۲

و این لفظ در احادیث رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - نیز به مفهوم حلال بکار برده شده است. چنانچه از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:
« مَنْ تَصَدَّقَ بِعَدْلِ تَمْرَةٍ مِنْ كَسْبِ طَيِّبٍ، وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِلَّا الطَّيِّبَ فَإِنَّ اللَّهَ يَقْبَلُهَا بِيَمِينِهِ، ثُمَّ يُرَبِّبُهَا لِصَاحِبِهَا، كَمَا يُرَبِّي أَحَدَكُمْ فَلَوْهُ حَتَّى تَكُونَ مِثْلَ الْجَبَلِ » ۳.

۱- سوره النساء، آیه ۲

۲- أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير ج ۱ ص ۴۳۴

۳- صحيح البخاري ص ۱۱۱، كتاب الزكاة، باب: الصدقة من كسب طيب ... ، حديث رقم ۱۴۱۰، وصحيح مسلم ص ۸۳۸، كتاب الزكاة، باب قبول الصدقة من الكسب الطيب، حديث رقم ۲۳۴۳ .

" کسیکه قیمت یک خرمائی را از کسب حلال صدقه دهد، و خداوند جز حلال و پاک را نمی پذیرد، همانا خداوند او را به دست راستش پذیرفته و آنرا برای صاحبش پرورش می دهد، چنانچه یکی از شما گرهء اسب خود را پرورش می دهد تا اینکه مثل کوه بزرگ می شود.

ب/ طیب به معنای پاک:

در قرآن کریم کلمه طیب به مفهوم پاک نیز اطلاق میگردد، طوریکه الله- متعال- میفرماید:
(يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ) ۱

« از تو میپرسند که چه چیز از خوردنی ها و نوشیدنی ها برآنان حلال شده است؟ بگو: برای شما چیزهای پاکیزه حلال شده است.»

و در آیه دیگر نیز میفرماید: (وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ) ۲ «و پاکیزه هارا برای شان حلال مینماید» پس بعضی از علما در تفسیر آیه میگویند: طیب به چیزهای گفته میشود که الله- متعال- حکم به حلال بودن آنان نموده و برای بدن و دین مفید واقع شوند. ۳

ج/ طیب به معنای مؤمن:

طیب در قرآن کریم به مفهوم مؤمن نیز به کار رفته است، طوریکه الله - متعال - می فرماید:
(مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ) ۴.

" این گونه نبوده است که خداوند شمارا به حالی که هستید رها کند بلکه خداوند پاک را از ناپاک جدا میسازد".

پس طیب در این آیت اینگونه بیان گردیده است: (الطَّيِّبِ: من طهرت نفسه بالإيمان والعمل الصالح). یعنی طیب کسی است که با ایمان آوردن و انجام اعمال صالح نفسش را پاک گردانده علامه عبد الرحمن بن ناصر سعدی میگوید: یعنی حکمت الهی چنین نبوده است که مؤمنان را با اختلاط و عدم تمیزی که شما برآن هستید رها کند بلکه الله - متعال - مؤمن را از منافق و صادق را از کاذب جدا میسازد^۱

۱- سوره المائده: آیت ۴

۲- سوره الاعراف: آیت ۱۵۷

۳- تفسیر القرآن العظیم مؤلف: عمادالدین بن عمر بن کثیر البصری دمشقی، محقق سامی بن محمد سلامه ناشر دارطیبة للنشر والتوزیع. ج ۳، ص ۴۴۸،

۴- سوره آل عمران: آیت ۱۷۹

۵- آیسر التفاسیر ج ۱ ص ۴۱۵

۶- تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان ص، ۱۵۸

د/ طیب به معنای عقیف و پاک دامن:

در قرآن کریم طیب به مفهوم عقیف و پاک دامن نیز آمده است، طوریکه الله متعال فرموده است: (وَ الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ) ۱

وزنان پاک متعلق به مردان پاک اند، و مردان پاک متعلق به زنان پاک.

مقصد از طیبات در آیت فوق عفاف و زنان پاک دامن اند. ۲

شیخ عبد اللطیف^۳ صاحب اوضح التفاسیر میگوید: مراد از (وَ الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ) عفاف اند و جواز ندارد که ازدواج کند مرد عقیف مگر با زن عقیفه مثل خودش، وزن عقیفه مگر با مرد عقیف مثل خودش، و این طریقه پذیرفته شده است برای نفسهای پاک و صاحب فضیلت. ۴

ه/ طیب (طوبی) به معنای مژده و خبر خوش:

در قرآن کریم طیب به مفهوم طوبی مژده و خبر خوش نیز آمده است، چنانچه الله متعال فرموده است: (الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ) ۵

«آن کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته میکنند خوشا به حال ایشان و چه جایگاه زیبایی دارند».

در تفسیر کلمه طوبی در این آیت دو قول ذکر شده است.

۱ - طوبی درختی است در بهشت.

۲ - اهل لغت میگویند که طوبی مصدر طاب است مانند بشری و زلفی پس معنی یا هدف آن طوری است که گفته میشود خوشا بحالت خوب انجام دادی. ۶

و شیخ عبداللطیف در تفسیر این آیه نیز میگوید: طوبی به معنی بهترین و نیکوترین است. ۷

۱ - سوره النور: آیه ۲۶

۲ - الجامع لأحكام القرآن ج، ۱۲ ص ۲۱۱

۳ - محمد محمد عبد اللطیف بن خطیب در سالهای (۱۳۱۸-۱۴۰۲ه) و (۱۹۰۰-۱۹۸۱م) زنده گی میکرد در قاهره بدنی آمد و در آنجا وفات نمود مؤلفات مشهور وی: الفرقان فی جمع و تدوین القرآن، المرأة فی شتی العصور

۴ - اوضح التفاسیر ج ۱، ص ۴۲۶ الناشر: المكتبة المصرية ومكتبتها: طبع: ششم، رمضان ۱۳۸۳ هـ.

۵ - سوره الرعد: ۲۹

۶ - مفاتیح الغیب = التفسیر الكبير المؤلف أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الرازي ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت طبع: سوم - ۱۴۲۰ هـ ج ۱۹، ص ۴۰

۷ - همان منبع ج ۱ ص ۳۰۱

واین کلمه در حدیث رسول - صلی الله علیه وسلم - نیز دلالت به معنی خوش خبری مینماید: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُسْرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ « طُوبَى لِمَنْ وَجَدَ فِي صَحِيفَتِهِ اسْتِغْفَارًا كَثِيرًا » ۱

از عبد الله بن بسر - رضی الله عنه - روایت است که گفت: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: مژده باد کسی را که در روز قیامت استغفار زیاد را در نامه اعمالش بیابد.

در این حدیث لفظ طوبی از طیب گرفته شده و دلالت به مفهوم مژده، بشارت و خوش خبری میکند.

مطلب دوم: مفهوم خبیث و اطلاقات آن در قرآن کریم

لفظ خبیث در قرآن کریم در سوره های مختلف ذکر گردیده که دلالت به مفاهیم

مختلف مانند: حرام، ناپاک (پلید)، کافر، مینماید

الف/ خبیث به معنای حرام:

خبیث به معنای حرام، طوریکه الله - متعال - در وصف پیامبرش فرموده است: (وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ

الْخَبَائِثَ) ۲

«و برای ایشان نا پاکیزه ها را حرام میکند»

مراد از خبائث در آیت فوق همه چیزهای حرام است، مانند: گوشت خوک، خود مورده، خون

مسفوح، و سایر خوراکه ها و نوشیدنی ها حرام. ۳ گرچند در مورد مصداق اصلی خبائث در

اینجا سه نظر وجود دارد:

۱ - خبائث یعنی تمام چیزهای حرام.

۲- خبائث چیز های اند که عرب ها آن ها را خبیث مینداشتند و از آنها نمیخوردند، مانند: مارها

و سایر حشرات.

۳- مراد از خبائث همان چیزهای حرامی است که آن را حلال میدانستند مانند: خود مورده،

خون، و گوشت خوک. ۴

ب/ خبیث به معنی کفر و کافر: طوریکه الله متعال فرموده است: (قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ) ۵

۱- سنن ابن ماجه باب ۵۷ ح، ۳۱۱۸، البانی در صحیح وضعیف سنن ابن ماجه حدیث را صحیح دانسته است.

۲ - سوره الاعراف: آیت ۱۵۷

۳ - اوضح التفاسیر ج ۱ ص، ۲۰۱

۴ - زاد المسیر فی علم التفسیر المؤلف: جمال الدین ابو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد الجوزی، محقق:

عبد الرزاق المهدي، ناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، طبع: اول - ۱۴۲۲ هـ ج ۲، ص ۱۶۱

۵- سوره المائده آیت: ۱۰۰

« بگو ای پیامبر! خبیث و طیب برابر نیست»

ابو بکر بن العربی ۱ و علامه عبد الرحمن بن ناصر السعدی میگویند: مراد از این خبیث و طیب کافر و مؤمن است، و اهل ایمان با اهل کفر برابر نیستند، و اهل بهشت با اهل جهنم برابر نیست پس در این فرموده الله- متعال- لفظ خبیث کنایه از کافر است ۲.

وهم چنان در آیه دیگر نیز لفظ خبیث دلالت به مفهوم کفر مینماید، طوری که الله متعال فرموده است: (وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ) ۳

«وسخن بد به درخت بدی می ماند»

مقصد از کلمه خبیثه انسان های کافر و آلوده، سخن کفر و شرک، گفتار زشت و نادرست می باشد. ۴

ابوسعود در تفسیرش مینویسد: کلمه خبیثه هر نوع کلام کفری و ادعای آن و دروغ پنداشتن حق و سایر کلمات قبیح و زشت میباشد. ۶

پس کلام خبیثه چون کفر و شرک چنان خبیث اند که به درخت حنظل تشبیه گردیده اند و آن درختی است که نه ذایقه خوش دارد و نه بوی.

۱ - ابن العربی: محمد بن عبد الله، ابن العربی الاندلسی الاشبیلی المالکی، صاحب التصانیف، سال تولد: ۴۶۸ آثار مشهور وی عارضة الاحوذی فی شرح جامع الترمذی، کوکب الحدیث والمسلسلات، و کتاب الانصاف فی الفقه، و کتاب أمهات المسائل، و کتاب نزهة الناظر، و کتاب ستر العورة، المحصول فی الاصول، حسم الداء فی الکلام علی حدیث السوءاء، و کتاب ترتیب الرحلة للترغیب فی الملة، الفقه الاصغر. سیر اعلام النبلاء، (ص ۱۹۸)

۲ - احکام القرآن لابن العربی محقق: محمد عبدالقادر عطا، ناشر دارالکتب العلمیه، (۱۴۲۴هـ-۲۰۰۳م) طبع سوم ج ۳، ص ۳۶۰، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان ص، ۷۰۳

۳ - سوره ابراهیم، آیت: ۲۶

۴ - تفسیر نور المؤلف د: مصطفی خرم دل، تاریخ نشر: حوت (۱۳۹۴ شمسی جمادی الاول ۱۴۳۷ هجری). ص ۲۵۸

۵ - ابو سعود: محمد بن محمد بن مصطفی العمادی، سال تولد: (۸۹۸هـ-۱۴۹۳ م) و سال وفات: (۹۸۲هـ، ۱۵۷۴ م) آثار مشهور: کتب الجواب مرارا فی يوم واحد علی ألف رقة (تحفة الطلاب، رسالة فی المسح علی الخفین، رسالة فی مسائل الوقوف، تسجيل الاوقاف، قصة هاروت وماروت (الاعلام للزرکلی ص ۵۹)

۶ - إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم ج ۴ ص ۳۲، ناشر کتاب خانه ریاض، محقق: عبد القادر احمد

مبحث دوم: الفاظ و کلمات مرادف یا شبیه طیب و خبیث

الفاظ و کلمه های مرادف به الفاظ و کلمه های اطلاق میگردند که در معنی یکسان بوده و در شکل و نوشته باهم متفاوت باشند بناء الفاضی هستند که مرادف و شبیه الفاظ طیب و خبیث نیز میباشد طوری در مطالب زیر بیان میگردد.

مطلب اول: الفاظ و کلمات مرادف و شبیه طیب

در قرآن کریم الفاظ و کلماتی ذکر شده اند که مرادف و شبیه کلمه طیب اند که عبارت اند از: طهر، زکات، حسن، و خیر.

۱ - کلمه طهر:

کلمه طهر مرادف لفظ طیب بوده و در قرآن کریم آیات زیادی است که در آن ها کلمه طهر ذکر شده طوری که الله - متعال - میفرماید: (وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) ۱

«مژده بده کسانی را که ایمان آورده اند و کردار نیکو انجام داده اند اینکه ایشان را است باغهای بهشتی که در زیر درختان آن رود ها روان است هر گاه بعضی از میوه های آنها بدیشان اعطاء شود گویند: پیشتر این نصیب مان گشته بود و هم سان آن را آورده اند چه چنین میوه های در جنس و شکل یکی بوده ولی طعم و مزه جداد گانه دارند و در آنجا همسران پاک و بی عیبی داشته و در آنجا جاویدان خواهند ماند».

مُطَهَّرَةٌ یعنی پاکیزه از عیوب زنان دنیا از قبیل حیض و نفاس. ۲

بناء این لفظ در آیات و سوره های دیگر از قرآن کریم نیز ذکر گردیده است ، مانند: (آیت های، ۱۲۵، ۲۲۲، ۲۳ سوره بقره)، و (آیت های ۱۵، ۴۲، ۵۵ سوره آل عمران)، (آیت ۵۷ سوره النساء)، (آیت های ۶، ۴۱ سوره مائده)، (آیت ۸۲ سوره اعراف)، (آیت های ۱۰۳، ۱۰۸ سوره توبه)، (آیت ۷۸ سوره هود)، (آیت ۲۶ سوره الحج)، (آیت ۴۸ سوره الفرقان)، (آیت ۵۶ سوره النمل)، (آیت ۵۳ سوره الأحزاب)، (آیت ۱۲ سوره مجادله) (آیت ۲۱ سوره الانسان)،

۱ - سوره البقره آیت: ۲۵

۲ - تفسیر النور ص ۱۵

(آیت ۱۴ سوره عبس)، (بیت ۷۲ سوره الواقعة)، (آیت ۲ البینة) (آیت ۵۶ سوره نمل)، (آیت ۳۳ سوره الأحزاب).

2 - کلمه زکات:

کلمه زکات نیز در قرآن کریم در آیات متعدد ذکر شده که مرادف و مشابه لفظ طیب بوده و دلالت به پاکی مینماید، همانگونه که الله - عزوجل - در مورد اخذ و فلسفه آن می فرماید: (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ) ۱

«ای پیامبر از اموال آنانی که در صدد کاهش بدی ها و افزایش نیکی های خویش میباشند زکات بگیر تا بدین وسیله ایشان را از رذائل اخلاقی و گناهان و تنگ چشمی پاک داری».

شیخ عبد الرحمن بن ناصر سعدی میگوید: کلمه تزکیهم در این قول الله - عزوجل - دلالت به مفهوم پاکی که مرادف کلمه طیب است میکند.

پس منظور از این لفظ (تزکیهم) همان تطهیر یا پاکی از گناهان و اخلاق رذیله می باشد ۲.

و این لفظ در آیات دیگر از قرآن کریم نیز ذکر گردیده که عبارت اند از: (آیتهای ۲۱، ۲۸، ۳۰ سوره نور)، (آیت ۹ سوره شمس)، (آیت ۳۲ سوره نجم)، (آیت ۴۹ سوره نساء) ۱۵۱، ۱۲۹، ۱۷۴، ۲۳۲، ۸۳، ۴۳ سوره بقره)، (آیت های ۷۷، ۱۶۴ سوره آل عمران)، (آیت ۲ سوره جمعه)، (آیت ۷۶ طه)، (آیت ۱۸ فاطر)، (آیت ۱۴ الأعلى)، (آیت ۱۸ سوره نازعات)، (آیت ۱۸ سوره الليل) (۱۹، ۷۴ الکهف)، (آیت ۱۹ سوره مریم)، (آیتهای ۳، ۴ عبس).

۳ - کلمه حسن:

این لفظ در قرآن کریم نیز ذکر شده که مشابه لفظ طیب میباشد طوری که الله-متعال- میفرماید:

{وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ} ۳

«وسر انجام نیک (تلاش گران در راه حق) در پیشگاه الله است».

ابوبکر جزایری میگوید: حسن المآب: همان جایگاه خوب و محل خوبی است که باعث خوشی و سعادت میگردد ۴.

و این لفظ در آیت های دیگر از قرآن کریم نیز ذکر گردیده مانند: (آیت های ۳۷، ۱۴۸، ۱۴، ۱۹۵ آل عمران) (آیت، ۶۹ سوره النساء)

۱ - سوره التوبة آیت: ۱۰۳

۲ - تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان ص، ۳۵۰

۳ - سوره آل عمران: ۱۴

۴ - ایسر التفاسیر ج ۱ ص ۳۹۳

4 - کلمه خیر:

کلمه خیر نیز مرادف یا مشابه لفظ طیب است، طوریکه الله متعال که میفرماید: (قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ) ۱

«آیا برآنید که چیزی پست تر را جانشین چیزی بهتر سازید؟»

پس خیر در این آیت به معنی عالی ترین و بهترین می باشد. ۲

هم چنان این لفظ نیز در آیات و سوره های دیگر قرآن کریم نیز ذکر گردیده مانند: (آیت‌های: ۵۴، ۶۱، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۸۴، ۱۹۷، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۶۳، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۸۰، سوره البقره)، (آیت های ۳۰، ۵۴، ۱۱۰، ۱۵، ۲۶، ۱۰۴، ۱۱۵، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱۷۸، ۱۹۸ سوره آل عمران)، آیت های ۲۵، ۵۹، ۷۷، ۱۱۴، ۱۲۷، ۱۲۸ سوره نساء)، آیت ۱۱۴ سوره مائده)، (آیت های ۱۷، ۳۲، ۵۷، سوره انعام)، آیت های ۱۲، ۲۶، ۸۵، ۸۲، ۸۷، ۸۹، ۱۵۵، ۱۶۹، ۱۸۸، سوره اعراف)، (آیت‌های ۱۹، ۳۰ سوره الانفال)، (آیت های ۳، ۴۱، ۶۱، سوره التوبة)، (آیت های ۱۱، ۵۸، ۱۰۷، ۱۰۹ سوره یونس)، (آیت های ۸۴، ۸۶، سوره هود)، (آیت های ۳۹، ۵۷، ۵۹، ۶۴، ۸۰، ۱۰۹ سوره یوسف)، (آیت های ۳۰، ۷۶، ۹۵، ۱۲۶ سوره نحل)، (آیت های ۱۱، ۴۵، سوره الاسراء)، (آیت های ۴۴، ۴۶، ۹۵، سوره الکهف)، (آیت های ۷۳، ۷۶، سوره مریم)، (آیت های ۷۳، ۳۱ سوره طه)، (آیت های ۴۵، ۸۹ سوره الانبیاء)، (آیت های ۱۱، ۳۰، ۳۶، ۵۸، ۷۷، سوره الحج)، (آیت های ۲۹، ۷۲، ۱۰۹، ۱۱۸ سوره المؤمنون)، (آیت های ۱۱، ۲۷، ۶۰ سوره نور)، (آیت های ۱۵، ۲۴ سوره الفرقان)، (آیت های ۲۶، ۵۹، ۸۹، سوره النمل)، (آیت های ۲۴، ۲۶، ۸۰، ۸۴ سوره القصص)، (آیت ۱۶ سوره العنکبوت)، (آیت ۳۹ سوره الروم)، (آیت ۱۹ سوره الاحزاب)، (آیت ۳۹ سوره سبأ)، (آیت ۶۲ سوره الصافات)، (آیت های ۳۲، ۷۶ سوره ص)، (آیت های ۴۰، ۴۹ سوره فصلت)، (آیت ۳۶ سوره الشوری)، (آیت های ۳۲، ۵۲، ۵۸ سوره الزخرف)، (آیت ۳۷ سوره دخان)، (آیت ۲۵ سوره ق)، (آیت ۱۲ سوره مجادله)، (آیت ۱۱ سوره الصف)، (آیت ۹، ۱۱ سوره الجمعة)، (آیت ۲ سوره قلم)، (آیت ۲۱ سوره معارج)، (آیت ۲۰ سوره مزمل)، (آیت ۱۷ سوره الاعلی)، (آیت ۴ سوره الضحی)، (آیت ۷ سوره البینة)، (آیت ۸ سوره العاديات) ۳.

۱- سوره البقره آیت: ۶۱

۲- الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز المؤلف علی بن أحمد بن محمد بن علی الإمام أبو الحسن الواحدی النیسابوری، الناشر دار اقلم دمشق، طبع اول (۱۴۱۵هـ-۱۹۹۵م) ج ۱ ص ۱۹

۳- المعجم المفهرس لالفاظ قرآن کریم ص ۲۳۷-۲۳۹

مطلب دوم: الفاظ و کلمات مرادف یا شبیه خبیث

در قرآن کریم الفاظ و کلماتی وجود دارند که دلالت به مفهوم مرادف یا شبیه خبیث (ناپاک، پلید) می نمایند که آن کلمات عبارت اند از:

فحش و فاحشه:

و این لفظ در قرآن کریم مرادف لفظ خبیث است، طوری که الله- عزوجل- میفرماید: (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا) ۱

« ای پیامبر(بگوامت خود را) چون طلاق دادن زنان را اراده کنید پس ایشانرا در اول عده ایشان طلاق دهید و عده را شمار کنید و از خدا و پروردگار خویش بترسید ایشان را از خانه های ایشان بیرون مکنید و باید که ایشان بیرون نروند مگر آنکه کاربی حیایی آشکارا بعمل آورند و این حدها مقرر کرده خداست و هر که از حد های خدا تجاوز کند پس بر نفس خویش ستم کرده تو نمیدانی شاید که خدا بعد از طلاق کاری را به وجود بیاورد».

مقصد از فاحشه مبینة در این آیت: (إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ) عمل قبیح زنا است. ۲

و این لفظ در آیات دیگری از سوره های قرآن کریم هم ذکر گردیده که عبارت اند از:

(آیت های ۱۶۹، ۲۶۸ سوره بقره)، (آیت های ۱۵، ۱۹، ۲۲، ۲۵ سوره نساء)، (آیت ۱۳۵ سوره آل عمران)، (آیت های ۳۳، ۲۸، ۸۰ سوره الأعراف)، (آیت ۳۲ سوره الإسراء)، (آیت ۱۹ سوره النور)، (آیت ۵۴ سوره النمل)، (آیت های ۴۵، ۲۸ سوره العنکبوت)، (آیت ۳۰ سوره الأحزاب)، (آیت ۵۱ سوره الأنعام)، (آیت ۳۷ سوره الشوری)، (آیت ۳۲ سوره النجم).

نجس:

کلمه دیگری که در قرآن کریم دلالت به مفهوم مرادف یا شبیه کلمه خبیث می نماید کلمه نجس است، و این کلمه یک مرتبه در قرآن کریم ذکر گردیده آن هم در بیان صفات مشرکین طوریکه الله -تعالی- می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ) ۳

۱- سوره الطلاق آیت: ۱

۲- أَوْضَحَ التَّفَاسِيرِ ج ۱ ص ۶۹۳

۳-سوره التوبة آیت: ۲۸

«ای مومنان بی گمان مشرکان پلید اند پس نباید به مسجد الحرام نزدیک شوند و اگر شما از فقر میترسید بدانید که خداوند اگر بخواهد شما را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد بی گمان خداوند دانا و حکیم است»

اکثر اهل علم گفته اند: مشرکان از حج و عمره و داخل شدن در مسجد الحرام منع شده اند و علت منع شدن ایشان هم همانا نجاست باطنی ایشان که آن عبارت از شرک است میباشد.

علامه عبد الرحمن سعدی میگوید: هدف از نجاست در این قول الله عزوجل پلیدی و خبائث مشرکین است در عقیده و عمل ایشان. و اینکه کدام نجاست بدتر از آن است که به الله شریک قرار داده شود چیزی که نه نفع رسانده میتواند و نه ضرر، و نه ایشان را بی نیاز ساخته میتواند^۱.
شیخ عبداللطیف میگوید: مشرکین ظاهر و باطن شان خبیث بوده و با پلیدی ها آلوده اند زیرا که آنها نه غسل میکنند و نه بدن خود را پاک نگه میدارند، همیشه با نجاست و پلیدی ها ملوث اند و از آنها اجتناب نمینمایند^۲.

کلمة سوء:

هر بدی را که انسان در دنیا و آخرت به آن مقابل میگردد سوء گفته میشود و این لفظ در قرآن کریم دلالت به مفهوم بد یا زشت دارد، و مرادف لفظ خبیث است، طوریکه الله متعال میفرماید: (إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا)^۳

«بی گمان خداوند توبه کسانی را می پذیرد که از روی نادانی کار زشت را انجام مید دهند سپس زود توبه میکنند و خداوند توبه شانرا میپذیرد و خداوند دانا و با حکمت است»

شیخ ابوبکر الجزایری میگوید: سوء دلالت میکند در این آیه به آنچه که بد باشد برای انسان که مراد از آن در این جا تمام بدی ها میباشد^۴.

و هم چنان آیات دیگری که این لفظ در آن بیان گردیده عبارت اند از: (آیت های ۴۹، ۱۶۹ سوره البقره)، (آیت های ۳۰، ۱۷۴ سوره آل عمران)، (آیت های ۱۷، ۱۴۸، ۱۴۹ سوره النساء)، (آیت های ۷۳، ۱۴۱، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۸۸ سوره الأعراف)

۱- تیسیر الکلام الرحمن فی تفسیر کلام المنان ص ۳۳۳

۲- اوضح التفاسیر ج ۱ ص ۲۲۶

۳- سوره النساء آیت: ۱۷

۴- ایسر التفاسیر ج ۱ ص ۴۴۹

رجس:

این واژه نیز از واژه های است که قرآن کریم آنرا در بیان اشیاء ویا اعمال خبیث بکار برده است والله -متعال- به اجتناب از آن حکم نموده، همانگونه که می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) ۱
«ای کسانی که ایمان آورده این شراب، قیمار، تیر های فالگیری پلید اند واز کارهای شیطان میباشند پس از آنها بپرهیزید تا رستگار شوید»

واین لفظ در آیت های دیگری از سوره ها نیز ذکر گردیده است مانند: (آیت های ۱۲۵، ۱۴۵ سوره الانعام)، (آیت ۷۱سوره الاعراف)، (آیت ۹۵سوره التوبة)، (آیه ۱۰۰سوره یونس)، (آیت ۳۰ سوره الحج)، (آیت ۳۳سوره الاحزاب) ۲.

۱- سوره المائده آیت: ۹۰

۲ - المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، ص، ۴۰۶.

فصل سوم

انواع طیب در قرآن کریم و اسلوب ترغیب به آنها با بیان آثار مرتبه بر آنها

مبحث اول: انواع طیب در قرآن کریم

مطلب اول: طیب از نوع مردم

مطلب دوم: طیب از نوع خوردنی ها

مطلب سوم: طیب از نوع مال و ثروت

مطلب چهارم: طیب از نوع اماکن

مطلب پنجم: طیب از نوع اقوال

مطلب ششم: طیب از نوع افعال

مطلب هفتم: طیب از عموم مخلوقات

مبحث دوم: اسالیب و شیوه های ترغیب به طیب

مطلب اول: اسلوب امر

مطلب دوم: اسلوب نهی

مطلب سوم: اسلوب نفی

مطلب چهارم: اسلوب استفهام

مطلب پنجم: اسلوب وعد

مطلب ششم: اسلوب مدح

مطلب هفتم: اسلوب ضرب المثل

مبحث سوم: آثار مرتب بر روی آوردن به طیب

مطلب اول: آثار دنیوی طیب

مطلب دوم: آثار اخروی روی آوردن به طیب در قرآن کریم

فصل سوم

انواع طیب در قرآن کریم و اسلوب ترغیب به آنها با بیان آثار مرتبه بر آنها

مبحث اول: انواع طیب در قرآن کریم

همانگونه که در فصل اول و دوم مفاهیم لغوی و شرعی طیب و خبیث و همچنان مفاهیم طیب و خبیث و مرادفات آنها در قرآن کریم بیان گردید، در این فصل میپردازیم به بحث در مورد انواع طیب یا اینکه به کدام نوع از اشیاء در قرآن کریم طیب اطلاق میگردد؟ بنا بر این انواع طیب در قرآن کریم عبارت اند از:

مطلب اول: طیب از نوع مردم

بدون شک الله - متعال - خلق کننده تمام مردم در روی زمین است، بناء بعضی از آنها را الله - متعال - افراد و مردمانی را در قرآن کریم طیب یا از طیبین معرفی نموده که این مردمان طیب همواره در جستجوی رضایت الله - عزوجل - میباشند، و اوامر و دستورات الله را بجا می آورند، و از آنچه که الله متعال منع نموده خودداری مینمایند، طوریکه گفته شده است: (والطیب من الانسان من تعری من نجاسة الجهل والفسق وقبائح الاعمال وتحلی بالعلم والايمان ومحاسن الاعمال) ۱.

«انسان طیب یا مرد خوب کسی است که از نجات و آلودگی جهل و فسق، و اعمال زشت بدور بوده و با زیور علم و ایمان و اعمال نیک آراسته باشد. پس مردمان طیب در قرآن کریم عبارت اند از:

اول: مؤمنان

الله-متعال- در قرآن عظیم الشان مردمان طیب یعنی مؤمنان را از مردمان خبیث مستثنی نموده و آنها را جدا از هم دیگر میداند، طوری که خداوند متعال تفکیک مؤمنان را از منافقان یکی از سنت های ثابت خود بر شمرده فرموده است { مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ } ۲.

(ای مؤمنان! سنت) خدا بر این نبوده است که مؤمنان را به همان صورتی که شما هستید (و مؤمن با منافق آمیزه یکدیگر شده است و مسلمان از نامسلمان جدا نگشته است) به حال خود

۱- المفردات فی غریب القرآن ج ۱ ص ۳۰۹

۲- سوره آل عمران، آیت: ۱۷۹.

واگذارد . بلکه خداوند (با محک سختیها و دشواریها و فرازها و نشیبهای زندگی ، از جمله جهاد ، منافق (ناپاک را از (مؤمن) پاک جدا می سازد .

و در جای دیگر فرموده است: { لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعاً فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ }^۱ .

(این شکست در دنیا و عذاب در آخرت همه به خاطر آن است که) تا خداوند ناپاک را از پاک جدا سازد و برخی از ناپاکان را بر برخی دیگر بیفزاید و جملگی ایشان را روی هم انباشته کند و آن گاه به دوزخشان بیندازد . آنان (در دنیا و آخرت) زیانکارند .

مراد از طیب همان مومنانی اند که به الله و رسولش ایمان آورده و الله - متعال - ایشان را در بهشت مسکن گزین میسازد.^۲

و در آیه دیگر از کافر به فاسق تعبیر کرده فرموده است: (أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ)^۳

« آیا کسی که مومن بوده است همچون کسی است که فاسق بوده است؟ نه هرگز این دو برابر نیستند ».

یعنی آنکه به الله ایمان بیاورد، به آنچه که الله امر نموده از آن اطاعت نماید، و از آنچه منع نموده اجتناب نماید، هر گز مانند کسی نیست که از اوامر الله سر کشی مینماید بلکه بین آنها فرق و تفاوت زیادی وجود دارد، و جزای این دو گروه هم چنان یکسان نمیشود.^۴

دوم: مردان وزنان عقیف و پاک دامن

هم چنان در قرآن کریم بر مردان وزنان عقیف و پاک دامن واژه طیب را به کار برده شده است، و همین زنان و مردان پاک دامن را به علت طیب و پاک بودن شان شایسته یکدیگر قرار داده فرموده است: { الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ }^۵ .

^۱ - سوره الانفال آیت: ۳۷

^۲ - جامع البیان فی تأویل القرآن ، تالیف: محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی، أبو جعفر الطبری المحقق: أحمد محمد شاکر، الناشر مؤسسة الرسالة، الطبع: الأولى (۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م). ج ۱۳، ص ۵۳۴

^۳ - سوره السجده آیت: ۱۸

^۴ - المختصر فی تفسیر القرآن الکریم، تصنیف: جماعة من علماء التفسیر، إشراف: مرکز تفسیر للدراسات القرآنية الطبع: الثالثة، ۱۴۳۶ هـ، ج ۱ ص ۴۱۶

^۵ - سوره النور آیت: ۲۶

ترجمه: زنان خبیث و ناپاک از آن مردان خبیث و ناپاکند! و مردان ناپاک نیز تعلق به زنان ناپاک دارند، اینان از نسبت‌های ناروایی که به آنها داده می‌شود مبرا هستند، و برای آنها آمرزش (الهی) و روزی پر ارزش است.

آیه فوق در شأن عایشه - رضی الله عنها - نازل شده، هنگامیکه منافقان به او بهتان بستند الله متعال در مورد عفت و پاکی او آیاتی را نازل فرمود و دران خاطر نشان کرد که پیامبر پاک است، پس شایسته او زن پاک باید پاک باشد؛ زیرا الله متعال هیچگاه نمیخواهد در نکاح و عصمت او زنی باشد که شایسته گی همسری با او را نداشته باشد. و نا گفته نماند که طیبین و طیبیات در این آیت مخصوص زنان و مردان نبوده بلکه طیبیات همه سخنان و اعمال، و زنان پاکیزه را دربر گیرد، و طیبین هم همه انسانهای پاک و نیک سیرت و متدین را شامل می‌شود پس در این صورت معنی آیه چنین می‌شود که پاکان از آن پاکان اند. و به همین سبب است که زنان پاکدامن به سخنان خوب و اعمال نیک و مردان خوب تمایل دارند^۱.

سوم: ذریه و فرزندان پاک

گاهی منظور از طیب فرزندان پاک است، طوری که در این دعای ذکریا علیه السلام آمده است که در دعا و نیایش پیش خداوند گفته بود: (هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ)^۲

« بدان هنگام (که ذکریا - علیه السلام- آن همه مرحمت و محبت خدا را در حق مریم-علیها السلام- دید خاشعانه در عبادت گاه به پا خاست و رو بسوی آسمان کرد و) پروردگار خویش را به فریاد خواند و گفت: پروردگارا (هر چند که خود پیرم و همسرم نازا) فرزند شایسته ای از جانب (لطف و کرم) خویش به من اعطاء فرما بیگمان تو شونده»

پس مقصد از ذریه طیبه در این جا ذریه پاک و صالح است^۳.

چهارم: زنان طیبه

نوع دیگری از مردم طیب در روی زمین زنان طیبه و پاک است که الله -متعال- نکاح نمودن با آنها را مجاز دانسته و از نکاح با زنان خبیثه منع نموده اتس: (فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً)^۴

۱- تفسیر ازهر البیان ج ۶ ص ۱۱۱

۲ - سوره آل عمران آیت: ۳۸

۳ - زاد المیسر فی علم التفسیر ج ۱ ص ۲۷۸

۴ - سوره النساء آیت: ۳

« با زنان دیگری که برای شما حلالند و دوست دارید با دو یا سه یا چهار ازدواج کنید اگر هم می‌ترسید که نتوانید میان زنان دادگری را مراعات دارید به یک زن اکتفاء کنید.»

مراد از (فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ) زنان طیبه و پاک اند. ۱

پس نکاح کنید آن زنانی را که برای شما حلال اند. «مَا طَابَ لَكُمْ» اشاره به آن است که نکاح زنان خبیثه مانند مشرکه و فاجره حلال نیستند. ۲

و هم چنان (فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ) دلیل است بر اینکه الله -متعال- از نکاح نمودن با زنان خبیثه مشرکه فاجره منع مینماید طوری که آیه دیگر از قرآن عظیم الشان نیز دال بر این مطلب است: (وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ) ۳

« و با زنان مشرک ازدواج نکنید مگر اینکه ایمان بیاورند» ۴

اما آنچه که بطور خلاصه با استدلال بر نصوص قرآن کریم میتوان در مورد مردمان طیب متذکر شد این است که مردمان طیب به الله ایمان آورده و از ملوث شدن با کفر، فسق و فجور و هر نوع اعمال خبیث خود داری مینمایند، از آنچه که الله امر نموده اطاعت و از آنچه منع نموده پرهیز مینمایند، از همین جهت است که الله -متعال- مردمان طیب (مردان طیب و زنان طیبه) را مناسب هم دانسته زیرا که طبع انسانهای طیب این چنین بوده که به چیز های طیب همانند خود شان علاقه مند اند بناء در انتخاب همسر به طریق اولی ترجیح میدهند تا از مردمان طیب باشد.

و به عبارت دیگر میتوان گفت که این آیات به بیان اصل از اصول حیات اجتماعی دلالت میکند ؛ زیرا که مردمان طیب بهترین مردمان اند که الله -متعال- خود آنها را توصف نموده است و زنان طیبه نیز این چنین اند.

مطلب دوم: طیب از نوع خوردنی ها

قسمی که تذکر داده شد شریعت اسلامی شریعت کامل است که هیچ امری در روی زمین از آن مستثنی نشده بالخصوص مسئله خوراک انسانها که الله -متعال- بنده گانش را دستور به استفاده

۱- الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ص ۲۵۲

۲- از هر البیان ج ۲ ص ۲۹۵

۳- سوره البقره آیت: ۲۲۱

۴- تیسیر الکلام الرحمن فی تفسیر کلام المنان ص ۱۶۳

از خوراک و خوردنی های حلال میدهد. انسان ها باید به آنچه که میخورند دقت و توجه داشته باشند، چنانچه که خداوند -متعال- میفرماید: (فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ. ۱) «انسان باید به غذای خویش بنگرد و در باره آن بندیشد(که چگونه برای او ما آنرا فراهم کرده ایم و در ساختمان مواد غذای و اجزای حیات بخش آن چه دقت، مهارت، و ظرافت بکار برده ایم)»

همچنان علاوه بر اینکه الله- متعال- دستور به دقت نمودن در مواد خوراکی میدهد قرآن کریم امر به خوردن از خوراکه حلال را نموده فرموده است: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا) ۲

«ای مردم از آنچه که خدا در روی زمین حلال و پاکیزه آفریده بخورید».

پس حلال و طیب آن است که الله ورسولش آن را حلال گفته باشد که در آن نه شبهه حرام باشد، نه گناه و نه حق غیر به آن تعلق داشته باشد^۳.

شارع حکیم علاوه بر اینکه بر حلال بودن غذا امر نموده هم چنان به خود داری از هر نوع اسراف در خوردنی ها و آشامیدنی ها توصیه نموده فرموده است: (وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ) ۴

«بخورید و بنوشید و اسراف نکنید و الله مسرفان را دوست نمیدارد».

یعنی در هر حال باید اعتدال را مراعات نمود؛ زیرا اسراف در خوردن برای صحت مضر است، و اسراف در مال به فقر می انجامد، و اسراف در دین به غلو و انحراف می کشاند بناء الله-متعال- به خوردن و نوشیدن از راه حلال حکم نموده و اسراف و زیاده روی را در خوردن و نوش با الفاظ شدید تقبیح نموده است، برابر است که اسراف متعلق به فرد باشد یا به اجتماع. اما متأسفانه امروز حتی حلال خوران چنان در اسراف غرق شده اند که اصلاً به اسراف نمودن شان اهمی نماند، چنانچه محافل عروسی ها یکی از نمونه های آن اسرافاتی است که در جوامع صورت میگیرد، و مردم غرق در این اسراف اند بناء بر مسلمانها لازم است تا از این اسراف و رقابت بی مورد خود داری نموده تا رضایت الله-متعال- را حاصل نمایند زیرا اسراف نمودن مواد خوراکه باعث خراب شدن مواد خوراکه گردیده بناء لازم به یاد آوری است اینکه باوجود استفاده از خوراکه های حلال شریعت اسلامی انسان را از هر نوع تصرف خانثانه در غذاها، خراب کردن مواد غذایی، آلوده کردن غذاها، مواد خوب و بد را باهم مخلوط

۱- سوره عبس آیه ۲۴

۲- سوره البقره آیت ۱۶۸

۳- تفسیر ازهر البیان ج ۱ ص ۵۶۶

۴- سوره الاعراف آیت: ۳۱

کردن برای سود جوی شخصی، گران فروشی و ظلم و ستم بر مردم باز داشته ونهی می نماید و آنرا از زشتی و پلیدیها دانسته طوری قرآن کریم در این مورد نیز میفرماید: (كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْعَمُوا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى) ۱

«از پاکیزه ها آنچه که برای شما روزی دادیم بخورید و در آن سر کشی نکنید که خشم من بر شما وارد میشود و کسی که خشم من بر او وارد شود قطعا نابود است»

پس الله - عزوجل- چنین دستور داده که ناسپاسی اسراف و طغیان نکنید؛ زیرا که نتیجه آن خشم من است، و هر که خشم من بروی واقع شود البته هلاک خواهد شد.

از همین لحاظ است که قرآن کریم در آیه دیگر نیز تأکید دارد بر اینکه خوراکه های انسانها باید حلال و پاک باشد چه از لحاظ ظاهری و چه از لحاظ معنوی.

چنانچه که در این مورد آیه دیگری از قرآن کریم بر پاک بودن یا حلال بودن غذا تأکید نموده میفرماید: (فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ) ۲

«پس اکنون یک نفر از خودتان را با این سکه های که دارید به شهر بفرستید و باید بنگرد کدام یک از غذا ها پاکیزه تر است پس روزی و طعامی از آن برای شما بیاورد».

و چنین تأکید شاید بدان خاطر کردند که بیشتر ساکنان آن شهر برای طواغیت و بنان ذبح میکردند و یا اینکه بیشتر اموال شان اموال غصب بود؛ لذا به پاک بودن و طیب بودن غذای که برای شان آورده میشد تأکید نمودند. از این آیات دانسته میشود که انسانها باید بطور کلی از همه زشتی ها و پلیدی ها دوری کنند و از غذای حلال استفاده کنند.

آنچه که از آیات قرآن کریم دانسته شد همه دلالت میکند بر اینکه انسانها باید از خوراک یا غذای حلال استفاده کنند نه از خوراکه های که آن را از راههای نامشروع مانند غبن، دزدی، اختلاس، احتکار، و رشوت حاصل نموده استفاده نمایند .

و هم چنان پیامبر- اسلام- صلی الله علیه وسلم- نیز در مورد غذا و تغذیه انسانها توصیه های نموده تا مسلمانها در هنگام استفاده نمودن از مواد غذایی به آن عمل نمایند از موارد که رسول اکرم-صلی الله علیه وسلم- به آن اهتمام نموده عبارت از ذبح حیوانات است بخاطر استفاده از گوشت آنها که حیوان ابتدا باید حلال گوشت باشند و دیگر اینکه حیوان باید به طریقه شرعی ذبح شود طوری در حدیثی رافع بن خدیج می گوید: قُلْتُ لِلنَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - إِنَّا نُلْقِي الْعِدْوَةَ غَدًا وَلَيْسَ مَعَنَا مُدَى فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - مَا أَنْهَرَ الدَّمَ وَذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَكُلُوا.

۱- سوره طه آیت: ۸۱

۲- سوره الکهف آیت: ۱۹

من به رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- گفتم: ما فردا با دشمن مقابل میشویم و همراهی ما کاردی برای ذبح کردن حیوانات نمیباشد. رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- فرمود وقتی که جاری شد خون حیوان ویاد شد برآن نام الله پس بخورید از آن. ۱

بگونه خلاصه باید بیان داشت که به تاسی از آیات قرآن -عظیم الشان- درمورد غذای طیب باید انسانها در استفاده و بهره برداری از خوراکی های شان دقت و توجه آن چنانی را داشته باشند که قرآن به آن دستور میدهد؛ زیراکه استفاده از غذای طیب از جمله اهداف قرآن و شریعت است، و بر آن تاکید دارد تا انسانها از همان خوراکی های استفاده کنند که در قرآن کریم طیب نامیده شده و هم جنبه تغذیوی و صحتی دارند.

مطلب سوم: طیب از نوع مال و ثروت

در این شکی نیست که اسلام و قرآن برای هر چیزی در روی زمین طریقه مشروع را بیان نموده که از آن جمله یکی هم کسب مال و حاصل نمودن ثروت است که اسلام همیشه در بدست آوردن مال تشویق و ترغیب میکند، و جایز نمیداند برای انسان ها مگر مال حلال و طیب را که از طریق عمل پسندیده در شریعت بدست آمده باشد. و الله -متعال- برای اینکه انسانها مال حلال را بدست آورند بیع را حلال دانسته فرموده است: (وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ) ۲

«و حال آنکه خداوند خرید و فروش را حلال کرده»

پس اموال طیب و حلال در قرآن کریم عبارت اند از:

مال غنیمت:

در تعریف مال غنیمت گفته شده است: « الغنیمة ما أخذ عنوة بالغلبة والحرب » ۳

غنیمت مالی است که بعد از پیروزی در جنگ به زور گرفته میشود. و گرفتن و استفاده کردن از این مال بعد از پیروزی در جهاد بر مسلمانان مباح و جایز میباشد، و این نوعی از منت و نعمت است که الله -متعال- بر بنده گانش عطا کرده است. چنانچه که میفرماید: (فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا) ۴

«اکنون از آن چیزی که از فدیة اسیران بدست آورده اید حلال و پاکیزه بخورید»

۱- صحیح البخاری، کتاب الذبائح والصيد، باب: ما نهر الدم والقصب والمروة ح، ۵۵۴۳

۲- البقره آیت: ۲۷۵

۳- الناسخ والمنسوخ للنحاس المؤلف أبو جعفر النَّحَّاس أحمد بن محمد بن إسماعيل بن يونس المرادي النحوي الناشر: منشورات محمد علي بيضون، دار الكتب العلمية، بيروت، طبع: الأولى، ۱۴۲۱ هـ. ج، ۲، ص ۱۱۵

۴- الانفال آیت: ۶۹

محمد علی صابونی^۱ در تفسیر این آیه منویسد: اینکه مقصد از این قول الله-متعال- این است که ای گروه مجاهدین بخورید و استفاده کنید از آن مالی که آن را بعد از جنگ با دشمنان تان از آنها بدست آورده اید، آن مال حلال و پاگیزه است برای شما زیرا که ثمره پاک ترین عمل تان که جهاد خود شما است میباشد است.^۲

ظاهر آیت مقتضی آن است که مال غنیمت همه برای مستحقین آن اختصاص دارد، و همه در آن حق مساوی دارند اما در این آیت نحوه تقسیم آن را مشخص کرده شده است که الله متعال خمس آن را به خودش اختصاص داده فرموده است: (وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ حُصَّةً) ^۳

«بدانید هر غنیمتی که بدست آورده اید یک پنجم آن از آن خدا است»^۴

چنانچه باوجودیکه الله-سبحانه- غنایم را بر بنده گانش حلال گردانید اما در مورد چگونگی تقسیمات آن میفرماید: (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ) ^۵

«از تو درباره غنایم میپرسند و میگویند که غنایم جنگ بدر چگونه تقسیم میگردد و به چه کسی تعلق میگیرد؟ بگو غنایم از آن خدا و پیغمبر است (و پیغمبر به فرمان خدا تقسیم آن را به عهده میگیرد)»

علامه عبد الرحمن بن ناصر سعدی میگوید: انفال اموال کفار است که الله -متعال- به عنوان غنیمت استفاده از آن را برای این امت مباح قرار داده است. یعنی این آیات در مورد داستان جنگ بدر و اولین غنیمت بزرگی که از اموال مشرکان نصیب مسلمانان گردید نازل شد، پس میان بعضی از مسلمانان در مورد آن اختلاف افتاد بنابر این در مورد آن از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- پرسیدند پس خداوند این آیات را نازل کرد: ای پیامبر از تو در مورد غنایم جنگی میپرسند چگونه بر چه کسانی تقسیم شود؟ بگو به آنان که غنایم جنگی از آن خدا و پیامبر است، و آن را هر جا که بخواهند میگذارند و شما نمیتوانید نسبت به حکم خدا و پیامبرش اعتراض بکنید،

^۱ - شیخ محمد علی صابونی از برگزیده ترین علمای سلفی اهل سنت و شخصیت برگزیده جهان اسلام است و در سال ۱۹۳۰ تولد گردیده و در سال ۲۰۲۱ وفات نموده است آثار مشهور وی عبارت اند از صفوة التفاسیر، الموارث فی الشریعه الاسلامیه، من الكنوز السنه، روایع البیان فی تفسیر آیات الاحکام...

^۲ - صفوة التفاسیر المؤلف محمد علی الصابونی، الناشر، دار الصابونی للطباعة والنشر والتوزیع - القاهرة طبع: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م. ج ۱ ص، ۴۷۸

^۳ - سوره الانفال آیت: ۴۱

^۴ - الجامع الأحكام القرآن ج ۸ ص ۵۱

^۵ - الانفال آیت: ۱

بلکه بر شما لازم است که حکم و داوری خدا و پیامبرش را گردن نهید و به آن خوشنود و تسلیم فرمان آنان باشید. ۱

پس بنابه دلایل قرآن مال غنیمت از اموال طیب بوده و استفاده نمودن از آن پس از پیروزی در جنگ با کفار برای مسلمانان جایز میباشد. و در این مورد حدیث از رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- نیز بیان کننده اهمیت مال غنیمت میباشد که در آن پیامبر صلی الله علیه وسلم حلال بودن مال غنیمت را یکی از خصوصیت های خودش قرار داده فرموده است: «أعطيت خمسا لم يعطهن أحد قبلي: نصرت بالرعب مسيرة شهر، وجعلت لي الأرض مسجدا وطهورا، فأیما رجل من أمتي أدركته الصلاة فليصل، وأحلت لي المغنم ولم تحل لأحد قبلي، وأعطيت الشفاعة، وكان النبي يبعث إلى قومه خاصة وبعثت إلى الناس عامة». ۲

" پنج چیز به من داده شده که به هیچ پیامبری قبل از من داده نشده است ، به مسافت یک ماه سفر ، با انداختن ترس و رعب در قلب دشمنان بر آنان پیروز گشته ام ، و زمین برای من محل خواندن نماز و خاک آن برای کسی که آب نیابد وسیله ای برای تیمم است ، پس هر شخصی از امت من که وقت نمازش فرا رسید (در هر کجا و در هر وضعیتی که باشد) نمازش را بخواند ، و غنیمت جنگی برای من حلال است ، در صورتی که برای هیچ کس قبل از من حلال نبوده است، و در گذشته هر پیامبری فقط برای قوم خود برانگیخته می شد در صورتی که من برای تمامی مردمان برانگیخته شده ام .

مهرزنان:

مهر زنان که آن را از شوهران شان مستحق میشوند نیز از جمله اموال طیب بوده و شریعت حکم به حلال بودن آن مینماید: طوری که قرآن کریم بیان کننده مطلب است:

(وَأْتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً) ۳

«ومهریه های زنان را بعنوان هدیه خالصانه و فریضه خدایانه بپردازید»

پس اگر با رضایت خاطر چیزی از مهریه خودا برای شما بخشیدند آنرا دریافت دارید حلال و گوارا مصرف کنید.

۱ - تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان ص ۳۱۵

۲ - صحیح البخاری کتاب التیمم، باب: قول الله -تعالی- فلم تجدوا ماء فتیمموا صعیدا طیباً ح، ۳۳۵

۳ - سوره النساء آیت: ۴

مهر زن یک عطیه الهی است که به منظور بلند بردن مقام زن و نقش آنها در جامعه بشری مشروع گردیده است، اگر هنگام عقد نکاح از مهر نام برده شود یا نشود مهر بر شوهر لازم است، مهر از نکاح هرگز انفکاک پذیر نیست. اما با وجود اینکه مهر برای زنان از اموال طیب بوده و استفاده و اخذ آن حق زنان است لکن در صورتی که زن مهر خود را با رضایت کامل بدون جبر و اکراه برای شوهر میبخشد شوهر میتواند از آن استفاده کند زیرا که در استفاده آن ممانعت وجود ندارد که قرآن کریم در این مورد میفرماید: (فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا) ۱

«پس اگر با رضایت خاطر چیزی از مهریه خود را برای شما بخشیدند آنرا دریافت دارید حلال و گوارا مصرف کنید»

مفهوم (طبن لکم) این است که زنان مهریه خود را به رضایت و طیب خاطر به شما ببخشند که از کلمه (طاب) گرفته شده است به معنی دل پسند بودن.

(هنیئا) بمعنای خوشگوار.

(مریئا) خوش مزه و خوش هضم. یعنی در صورت گذشت زنان از بخشی از مهرشان شوهران در برابر آنچه که زنان شان به آنان بخشیده اند نه در حال و نه در آینده کدام بازپرسی نخواهد شد. ۲

مطلب چهارم: طیب از نوع اماکن

از جمله نعمات دیگر الله- عزوجل- عبارت از اماکن طیبیه است که این اماکن در شریعت اسلامی دارای اهمیت خاص میباشد و الله- متعال- بعضی از اماکن را بر بعضی چنان فضیلت داده است که زمین های آن برای کشت و زراعت مناسب بوده و کشت و زراعت آنها به امر پروردگار حاصل خوب میدهد. و این اماکن طیبیه را میتوان به دو دسته تقسیم نمود: یک اماکن طیبیه در دنیا که قرآن کریم از آنها به عنوان بلد طیب یاد نموده است.

دوم اماکن طیبیه در آخرت که قرآن عظیم الشان از آنها به عنوان مساکن طیبیه یاد نموده است، و این اماکن عبارت اند از:

۱- سوره النساء آیت: ۴
۲- تفسیر ازهر البیان ج ۲ ص ۲۹۹-۳۰۰

بلد (سرزمین) طیب:

خلقت زمین یکی از قدرت های الله- متعال- است که انسانها در آن زنده گی میکنند ودر آن نیز تفاوتهای وجود دارد که متشکل از بحر ها و خشکه، کوهها و سطوح هموار میباشد اما با وجود این تفاوتها در زمین بعضی از نقاط آن نسبت به بعضی دارای برتری و فضیلت است، یعنی در بعضی از قسمتهای زمین کشت و زراعت که منبع حیات انسانها است به آسانی و سهولت صورت گرفته، ودر بعضی از قسمتها این کار دشوار وحتی نا ممکن میباشد، واز همین جهت است که الله -متعال- این نعمت داده شده خود را برای انسانها نیز معرفی نموده فرموده است:

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۱

«زمین خوب و دارای خاک مرغوب گیاه آن به فرمان پروردگارش میروید.»

مراد از (وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ) آن سرزمین زمین خوبی است که خاک آن مرغوب بوده و برای زراعت مساعد باشد که در صورت زراعت از آن حاصل برداری خوب شود. واین مثالی است برای قلب مؤمن که وقتی به قرآن ایمان بیاورد و آنرا بشنود از آن مستفید شده ودر عمل کردش تأثیر خوبی به وجود میآورد. ۲

ویکی از سرزمین ها و شهرهای خوب شهر و سرزمین مدینه منوره است که پیامبر صلی الله علیه وسلم نام آن طابه گذاشته است، طوریکه در حدیث ابو حمیدی ساعدی آمده است که گفته است: أَقْبَلْنَا مَعَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - مِنْ تَبُوكَ حَتَّى أَشْرَفْنَا عَلَى الْمَدِينَةِ، فَقَالَ: (هَذِهِ طَابَةٌ) ۳.

" همراه رسول الله -صلی الله علیه وسلم- از تبوک بر گشتیم هنگامی که به مدینه نزدیک شدیم، رسول الله- صلی الله علیه وسلم- فرمود: این مدینه سر زمین پاکی است

مساکن طيبة (بهشت):

علاوه از مکانهای طیب در دنیا، قرآن کریم مکان طیب در آخرت را نیز معرفی نموده که همانا بهشت برین است، وقرآن کریم از آن به عنوان مساکن طيبة یاد کرده و دست یابی به آن مساکن را کامیابی بزرگ خوانده است، طوریکه الله متعال فرموده است: (وَمَسَاكِنٌ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) ۴

۱- سوره الاعراف آیت: ۵۸

۲- الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز ص ۳۹۸

۳- صحیح البخاری/۶۶۲/۲/ ۱۷۷۳

۴- سوره التوبة آیت: ۷۲

«ومسکن های پاکی را در بهشت جاویدان بدانان و عده داده است که جای گاه ماندگار همیشه گی وزنده گی سر مدی است. از همه مهمتر خداوند خوشنودی خود را بدیشان و عده داده است که خوشنودی خدا بالا تر از همه چیز است که پیروزی بزرگ همین است»

مراد از این مساکن طیبه در جنت همان قصرها، باغها، سائر اماکن پاک و پاکیزه است که اصلا چیزی از آلوده گی و پلیدی در آنجا وجود ندارد. ۱ طوری که در آیه دیگری نیز الله- عزوجل-

ميفر مايد: (وَمَسَاكِنٌ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) ۲

«وشمارا در منازل و خانه های خوبی جای میدهد که در باغهای بهشت جاویدان مانده گار واقع شده اند پیروزی و رستگاری بزرگ همین است».

(وَمَسَاكِنٌ طَيِّبَةً) خانه های خوب مراد قصر های مجلل و کاخ های زیبا دلربا است. ۳

بنابر آنچه از آیات قرآن کریم در مورد اماکن طیب بیان گردید قابل ذکر است که اماکن طیب چه در دنیا چه در آخرت باعث نشاط و خوشی انسانها گردیده و انسانها در آن اماکن که قرآن کریم آنرا طیب نامیده خویشتن را مسرور و شادمان حس میکنند؛ زیرا اماکن طیب در دنیا همان کشت زار های خوبی اند که برای انسانها از تمام جهات مفید واقع شده و هر نوع استفاده سودمند را از آن میبرند، و در آخرت اماکن طیب جنتها است که نائل شدن به آن باعث کامیابی و یا فلاح انسانها میگردد.

مطلب پنجم: طیب از نوع اقوال

در قرآن عظیم الشان آنچه که باعث اعتماد یک انسان در میان مردم و بلند رفتن مقام و منزلت وی در نزد الله-متعال- میگردد عبارت است از روی آوردن به کلام طیب یا سخنان خوب و پاک و بدور از هر نوع غش و فریب است، طوریکه الله متعال فرموده است: (مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يُبُورُ) ۴

«هر کس عزت و قدرت میخواهد آن را از خدا بخواهد؛ چرا که هر چه عزت و قدرت است در دست خدا است، راه وصول به عزت و قدرت هم گفتار و کردار نیک است گفتار پاکیزه بسوی خدا اوج میگیرد، و گوینده خود را پرواز میدهد و خدا کردار پسندیده را بالا میبرد، و انجام دهنده

۱- التحرير والتنوير ج ۱۰ ص ۲۶۴ المؤلف محمد الطاهر بن محمد الشاذلي بن عبد القادر بن محمد عاشور، ناشر: الدار التونسية للنشر - تونس.

۲- سوره الصف آیت: ۱۲

۳- تفسیر نور ص ۲۴۷۶

۴- سوره فاطر: ۱۰

اش را والا میگرداند، کسانی که نقشه سوء میکشند، ونیرنگ هارا به راه می اندازند عذاب سختی دارند ونقشه ها ونیرنگ های شان نقش بر آب وتباه میشود»

لذا اگر کسی خواسته باشد که عزیز باشد پس باید بسوی الله -تعالی- رجوع کند، از شرع او پیروی نماید، در صلاح خود وصلاح دیگران بکوشد، به رسول اقتداء نموده وسنت او را مشعل زنده گی خود قرار دهد، همان است که دردنیاء و آخرت عزیز میشود ورنه جز ذلت ورسوای چیزی سهم او نخواهد بود؛ چرا که عزت از صفات الهی است وبه این اساس الله متعال این ویژه گی را تنها نصیب کسانی میگرداند که درمسیر او حرکت کنند وراه و رسم کفری وشرکی را کنار بگذارند، وایمان واقعی را در زنده گی خود پیاده کنند.

بعد از بیان مصدر اصلی عزت، اسباب حصول عزت را یاد آور میشود که عبارت از عبادات قولی وفعلی میباشد.

مراد از (الْكَلِمُ الطَّيِّبُ) در آیه فوق کلمه حق است که شامل کلمه توحید، قرائت قرآن، دعوت بسوی حق، صلاح واصلح، منع از ضلال وفساد، منع از کارهای گوناگونی که درقرآن وحدیث ممنوع قرار گرفته است.

از جمله کلم طیب: سبحان الله، والحمدلله، ولا إلا الله، والله اکبر» است. وبه همین ترتیب همه عبادات قولی کلم الطیب اند.

ومراد از عمل صالح هر عملی است که در آن اخلاص ومطابقت با سنت پیغمبر-صلی الله علیه وسلم-باشد مانند: نماز روزه، حج، زکات، مواسات فقراء، جهاد، حمایه از مظلوم، مبارزه با ظالم وغیره. وهر کلمه پاک ناشی از عقیده پاک بسوی پرور دگار عروج میکند وگوینده آن به اوج عزت وسربلندی ومقام قرب الهی میرسد. ۱

وپيامبر-صلی الله علیه وسلم- نیز سخن نیکو را نوعی از صدقه دانسته طوری که فرموده است: « الكلمة الطيبة صدقة » ۲

یعنی کلمه طيبة (سخن نیکو) نوعی از صدقه است.

پس با استدلال بر آیات واحادیث فوق میتوان گفت که اقوال طیب وپسندیده چنان ارزش وجایگاهی دارد که باعث عزت سربلندی ومقام والای انسان گردیده برخی از اقوال مانند انکار سبب محو گناهان میگردد.

۱ - تفسیر از هر البیان ج ۵ ص ۶۶-۶۷

۲ - صحیح البخاری، کتاب الادب: باب طیب الکلام ح، ۷۸

هم چنان ثمره دیگری سخن نیکو و شایسته این است که قول طیب باعث به میان آمدن اعتماد و باورمندی میان انسانها گردیده و هر نوع خصومت و دشمنی، فتنه، و فساد را از میان انسانها از بین میبرد.

مطلب ششم: طیب از نوع افعال

افعال طیب به آن افعالی گفته میشوند که در شریعت اسلامی قبول شده و دستور به انجام دادن آن داده باشد، و به عبارت دیگر افعال طیب آن دسته از افعالی اند که سبب فلاح و رستگاری انسان در دنیا و آخرت میگردند، و به عبارت دیگر منظور از افعال طیب همان اعمال صالح و نیکی اند که قرآن به انجام دادن آن ترغیب داده است، طوری که الله متعال فرموده است: (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) ۱

«هرکس چه مرد و چه زن کارهای شایسته انجام دهد و مؤمن باشد بدو در این دنیا زنده گی پاکیزه و خوشایندی میبخشیم و در آن دنیا پاداش کارهای خوب و متوسط و عالی آنان را بر طبق بهترین کارهای شان خواهیم داد»

با استدلال بر آیت فوق افعال طیب و انجام دادن آن باعث اجر و پاداش عظیم برای بنده در نزد الله-متعال- میگردد؛ زیرا که افعال طیب باعث سعادت و راحتی بنده در دنیا و آخرت میگردد، خاصاً آنگاه که انگیزه افعال طیب و انجام دادن آن از ایمان سر چشمه گرفته باشد؛ زیرا زمانی که سبب انجام دادن افعال طیب ایمان شخص و رضایت الله -متعال- باشد اینجاست که افعال از تظاهر خالی می باشد.

مطلب هفتم: طیب از عموم مخلوقات

در خلقت عالم هستی چنانچه که اکثریت طیبیات به معرفی گرفته شد بعضی از موجودات طیب بطور عام نیز وجود دارند که در زنده گی انسانها این موجودات دارای ارزش بوده و در حالت ضروریات انسانها به آن حاجت مبرم دارند که عبارت اند از:

باد طیب:

باد ها از جمله موجوداتی اند که به قدرت الله میوزند که در اثر وزیدن آنها کشتی ها به سمت خود حرکت می کنند، و این وزیدن آنها موجب خوشحالی انسانها میگردد، طوری که الله متعال

۱- سوره النحل آیت: ۹۷

فرستادن اینگونه باد ها را از نشانه های قدرت خویش بر شمرده فرموده است: (هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهَمْ بَرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا) ۱

«واوست که شمارا در خشکی ودر یا راه میبرد وامکان سیر وحرکت در قاره ها وآب هارا برای شما میسر میکند چه بسا هنگامیکه در کشتی ها قرار میگیرید وکشتی ها با باد موافق سر نشینان را آرام آرام بسوی مقصد حرکت میدهند وسر نشینان بدان شاد مان میگردند.»

مقصد از «رِيحٍ طَيِّبَةٍ» همانا باد خفیف وملائم بوده که اذیت کننده وشدید نباشد. ۲

امام نسفی^۳ میگوید: باد طیب همان بادی است که نه بسیار قوی باشد ونه ضعیف بلکه ملائم وغیر اذیت کننده باشد. ۴

امام رازی در تفسیر آیت نیز میگوید: ۵: وزمانیکه این باد میوزد وباعث حرکات کشتی ها شده وانسان هارا به منزل مقصود میرساند پس این حالتی است که به انسانها خوشی های فراوان به بار میآورد. ۶.

منظور از آیه مبارکه فوق این است که الله -متعالم- به فضل ومرحمت خود به بندگانش قدرت سیر وحرکت را درخشکه داده، برابر است که این سیر وحرکت بصورت پیاده باشد ویا سواره، وهمچنان در بحر ها هم برای انسان توانایی وقدرت حرکت کردن را به وسیله کشتی ها داده است والله -متعالم- حفظ ورعایت میکند بنده گانش را حتی زمانی که در کشتی ها میباشند، وبرای ایشان باد های نرم وملائم میوزد، و به وسیله آن بطرف مقصد وهدفی که دارند حرکت میکنند در حالیکه خوشحال وخوشبخت اند. ۷

پس بطور خلاصه میتوان گفت که باد طیب نیز از موجودات الله - عزوجل- بوده وبه امر الله میوزد، واین باد های ملائم باعث خوشی ونشاط انسانها میگردد؛ زیرا با وزیدن این باد کشتی

۱- سوره یونس آیت: ۲۲

۲- تیسیر الکلام الرحمن فی تفسیر کلام المنان ص ۳۶۱

۳- حافظ الدین ابو البرکات عبد الله بن احمد بن محمود النسفی از اهل ایدج بوده آثار مشهور وی مدارک التنزیل وحقائق التأویل،کنز الدقائق فی الفقه،المنار فی اصول فقه،وکشف الاسراء(الاعلام للزرکلی ج، ۴، ص، ۶۷)

۴- مدارک التنزیل وحقائق التأویل للنسفی، ج ۲، ص ۱۴

۵- الرازی: ابو عبد الله محمد بن عمر بن الحسین بن الحسن بن علی القرشی التیمی البکری الطبرستانی الرازی، مشهور فخرالدین میباشد. ولد بالری خامس عشر شهر رمضان سنة أربع وأربعین وخمسائة للهجرة(مناهج المفسرین ص، ۱۴۵)

۶- مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر) الناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت، طبع سوم (۱۴۲۰هـ) ج ۱۷ ص ۲۳۲

۷- أیسر التفاسیر ص ۱۳۸۷

ها حرکت کرده و با حرکات کثی ها انسانها به منازل مقصود میرسند، و این حالتی است که انسانها خوشی های فراوان را تجربه کرده و خود را خوش بخت احساس مینمایند.

مبحث دوم: اسالیب و شیوه های ترغیب به طیب

اسالیب جمع اسلوب است و اسلوب در لغت به معنی طریقه و روش میباشد.^۱

پس قرآن کریم در ذکر طبیات و بیان آنها اسلوب و روش های مختلفی دارد که عبارت اند از:

مطلب اول: اسلوب امر

کلمه امر در قرآن کریم به معانی زیادی دلالت میکند که یکی از آن جمله طلب انجام فعل و ضد نهی میباشد، طوری که قرآن کریم در این مورد میفرماید: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ)^۲

«هر آینه خدا به نیکو کاری و عطا کردن به خویشاوندان می فرماید و از بی حیایی و کار ناپسندیده و تجاوز و تعدی باز میدارد، شمارا پند میدهد تا باشد که شما پند پذیر شوید.»

لکن قابل تذکر است که مطلب اصلی ما بیان شیوه قرآن کریم در ترغیب به طیب و استفاده نمودن از آنها به روش امر میباشد که در این مورد صیغه های زیادی وجود دارد از جمله امر به خوردن و استفاده نمودن از طبیات و اشیای پاک و حلال: (كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ)^۳

در آیه مذکور «كلوا» فعل امر است اما در اینجا افاده ایجاب را نه بلکه افاده اباحت را میکند.^۴ یعنی مفهوم آیت طوری است که بدیشان گفتیم از این روزی های پاکیزه که بدون رنج بشما داده ایم بخورید.^۵

شبهه این صیغه در آیت دیگر نیز آمده است که فرموده است: (وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا)^۶

«و از نعمت های پاک و حلال که خداوند به شما روزی داده است بخورید»

۱- لسان العرب ج ۱ ص ۱

۲- سوره النحل آیت ۹۰

۳- سوره طه آیه ۸۱

۴- مفاتیح الغیب ج ۲ ص ۸۳

۵- تفسیر نور ص ۱۲۵۳

۶- سوره المائده آیت: ۸۸

اینجا هم: «کلوا» فعل امر است، و ظاهراً افاده وجوب را میکند اما مقصد از آن در این جا اباحت و تحلیل است ۱.

مقصد از امر در این آیت مباح بودن استفاده از چیزهای پاک و طیب است؛ زیرا این خواست یا طلب الله است از بنده گانش که از خوراکی های یا رزق حلال که برای ایشان مباح بوده بخورند ۲

مطلب دوم: اسلوب نهی

نهی در لغت به معنی ضد امر است. ۳

و در اصطلاح نهی عبارت است از طلب دوری یا خود داری نمودن از انجام فعل بطریق استعلاء.

و اینکه قرآن کریم در این اسلوب (نهی) نیز بنده گانش را مخاطب قرار داده که از اشیای حلال نباشد استفاده نکنند، مثل این آیه مبارکه: (وَأْتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا) ۴

«وبه یتیمان اموال شان را بدهید و نا پاک را به پاکیزه بدل نکنید و اموال شان را به هم آورده به اموال خویش مخورید هر آئینه این گناه بزرگ است»

«وَلَا تَتَّبِعُوا» فعل مضارع مجزوم به لا ناهیه است. ۵ ، وَلَا تَتَّبِعُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ، یعنی مال ناپاک را که عبارت از خوردن مال یتیم به ناحق است بجای مال حلال که در آن گناه و اشکالی نیست قرار ندهید.

(وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ) یعنی که مال های آنان را با اموال خود نخورید در این جا تذکر داده شده است که خوردن مال آنها برای کسی که خداوند او را بی نیاز نموده و روزی وی را تأمین نموده بسیار زشت و گناه میباشد. پس هر کس جرأت کرد و مال آنها را همراه با مال خود بخورد گناه بزرگی را مرتکب شده است.

۱- مفاتیح الغیب ج ۱۲، ص، ۴۱۸

۲- زهرة التفاسیر المؤلف محمد بن أحمد بن مصطفى بن أحمد المعروف بأبي زهرة، ناشر: دارالفکر العربیة. ج ۹ ص ۴۷۶۲

۳- تاج العروس من جوامع القاموس المؤلف محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسینی أبو الفیض الملقب بمرتضی الذبیدی تحقیق مجموعة من المحققین، ناشر دارالهدایة. ج ۱ ص ۱۴۸

۴- سورة النساء آیت: ۲

۵- إعراب القرآن الکریم مؤلف أحمد عبید الدعاس- أحمد محمد حمیدان - إسماعیل محمود القاسم، ناشر: دار المنیر و دار الفارابی - دمشق، طبع: الأولى، ۱۴۲۵ هـ. ج ۱ ص ۱۸۳

از جمله مصادیق استبدال «خبیث به طیب» این است که سر پرست یتیم مال ارزشمند و خوب وی را برای خود بگیرد، و مال بی ارزش و نا مرغوب خود را به جای مال وی بگذارد^۱.
و این مطلب در این آیت دیگر نیز تذکر رفته که فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ) ۲

«ای مومنان چیزهای پاکیزه ای را که خداوند برای شما حلال کرده است بر خود حرام نکنید»
شیخ اکرام الدین بدخشانی میگوید^۳: پس نظر به این آیه خداند -متعال- منع مینماید از حرام قرار دادن اشیای حلال چنانچه که در این آیه الله -متعال- مومنان را مخاطب قرار داده میگوید که ای مومنان چیزهای پاکیزه را که الله برای شما حلال گردانیده است بر خود حرام مگردانید که این عمل نهایت زشت و از قسم شرک و اعمال مشرکین است.^۴

مطلب سوم: اسلوب نفی

نفی عبارت است از جدا کردن یک چیز از چیز دیگر طوری که الله -عزوجل- مساوی و برابر بودن اشیای طیب را با خبیث نفی میکند، و آنها را بنابر اصول نفی از هم دیگر جدا دانسته است؛ زیرا که بین اشیای طیب و خبیث هیچ نوع برابری و مساوات وجود ندارد. همانگونه که الله-متعال- میفرماید: (قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ) ۵
«ای پیامبر به مردم بگو ناپاک و پاک و حلال و حرام مساوی نیستند هر چند که فراوانی ناپاک و حرام شمارا به شگفت اندازد».

در این آیه کلمه «لا» نافیه است و «یستوی» فعل مضارع^۶

تفسیر میسر در مورد این آیت بیان میدارد: هرگز برابر و یکسان نیست اشیای طیب و خبیث، هر چیزی که باشد انسانها باشند مانند: مومن، علما، فرمانبرداران، یا اینکه اموال باشند مانند: اموال حلال یعنی هر چیزی که دارای صفت طیب باشد با چیزی که موصوف به صفت خبیث باشند، برابری کرده نمیتوانند.^۷

۱- تیسیر الکلام الرحمن فی تفسیر کلام المنان ص ۴۱۳

۲- سوره المائده آیت: ۸۷

۳- محمد اکرام الدین فرزند ملا محمد قربان فرزند ملا عصمت الله متولد سال ۱۳۰۰ه ش/۱۹۲۱م

۴- تفسیر ازهر البیان ج ۳ ص ۹۱-۹۲

۵- سوره المائده آیت: ۱۰۰

۶- اعراب القرآن الکریم ج ۱ ص ۲۷۹

۷- ج ۱ ص ۱۲۴

مطلب چهارم: اسلوب استفهام

استفهام در لغت به معنی طلب فهم است در مورد یک چیز مجهول. خداوند-متعال- در قرآن کریم برای توضیح مطالب و موضوعات مبهم از روش سوال و جواب نیز استفاده نموده است، چنانچه که الله متعال فرموده است: (يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ) ۱
«از تو میپرسند که چه چیز از خوردنی ها و نوشیدنی ها بر آنان حلال شده است بگو بر شما چیزهای پاکیزه حلال شده است»

تفسیر تیسیر الکلام الرحمن فی تفسیر الکلام المنان میدارد که الله- عزوجل- به پیامبرش محمد- صلی الله علیه وسلم- میگوید از تو میپرسند یعنی از تو سوال میکنند که چه چیز برای آنها حلال است از خوردنی ها (طعام)؟ بگو: حلال است برای شان هر آنچه که برای بدن مفید واقع شود، و دارای طعم لذیذ بوده و در آن ضرری برای بدن و عقل نهفته نباشد. ۲.

و این اسلوب در آیت دیگری نیز بکار رفته که خداوند متعال فرموده است: (أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ) ۳
« آیا ندیدی خدا مثال سخن پاکیزه را چگونه زد مانند درخت پاکیزه که ریشه اش استوار باشد و شاخه اش در آسمان »

و این استفهام، استفهام انکاری است زیرا که حرف استفهام بالای حرف نفی «لم» داخل شده و مقصد از این نفی اثبات است به این معنی که آیا تو دیدی؟ و این نوع اثبات دلالت میکند به توجه و تنبیه بنده گان به نظر کردن به آن، یعنی کلمه طیبه به شجره طیبه بدین معنی که خداوند- متعال- کیفیت و حالت کلمه طیبه را به شجره طیبه مثال داده که اصل (جذور آن در زمین) و فرع آن در آسمانها امتداد پیدا میکند. ۴

مطلب پنجم: اسلوب وعد

وعد نیز از جمله روشهای است که در قرآن کریم به کار رفته و الله -متعال- برای آنانی که اعمال صالح انجام میدهند به خیر و عده میدهد، و آنانی را که از انجام اعمال صالح سرکشی مینمایند به شر و عده میدهد، پس وعد در قرآن کریم از اسالیبی است که هم برای شر بکار برده میشود و هم برای خیر، طوری که قرآن کریم در این مورد میفرماید: (وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ

۱- سوره المائده آیت: ۴

۲- ص ۲۲۱

۳- سوره ابراهیم آیت: ۲۴

۴- زهرة التفاسیر ج ۸ ص ۴۰۲۰

وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنْ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ^۱

«خداوند به مردان و زنان مومن بهشت را وعده داده است که در زیر کاخ ها و درختهای آن جویبار ها روان است و جاویدانه در آن میمانند و مسکن های پاکی را در بهشت جاویدان بدانان وعده داده است که جای ماندگار همیشه گی و زنده گی سر مدی است از همه مهمتر خداوند خوشنودی خود را بدی شان وعده داده است که خوشنودی خدا بالا تر از هر چیز است پیروزی بزرگ همین است»

پس الله-متعال- بنده گانش را در این آیت به دونوع رحمت وعده داده است.

نوع اول:

بیان نعمت های مادی است (وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ) «الله مردان و زنان مومن را باغهای وعده داده است که می رود از زیر(کاخ ها و درختانش)نهرها» (خَالِدِينَ فِيهَا)جاویدانه اند در آنجا یعنی این نعمت نعمت موقتی و فنا پذیر نیست بلکه زنده گی و نعمتها و مکانها عالی شان همه جاویدانی است.

و در حدیث بخاری روایت است که پیامبر-صلی الله علیه وسلم- فرمودند: (جنتان من فضة أنيتهما وما فيهما وجنتان من ذهب أنيتهما وما فيهما وما بين القوم وبين أن ينظروا إلى ربهم إلا رداء الكبر على وجهه في جنة عدن)^۲

«دو بهشت است که ظروف آن با همه چیزهای که در آن است همه از نقره است و دو بهشت است که ظروف آن با همه چیزهای که در آن است همه از طلا است و میان بهشتیان در جنت عدن و رویت پرورد گار شان جز ردای کبریا که بر وجه پروردگار است چیز دیگری مانع نیست»

نوع دوم: بیان نعمت های معنوی است (وَرِضْوَانٌ مِنْ اللَّهِ أَكْبَرُ) «و خوشنودی الله از همه بزرگتر است» هیچ نعمتی از نعمت های آن جهان به نعمت رضوان الهی برابر نیست بلکه رضای الهی از همه نعمت ها بزرگتر است. و به همین ترتیب الله سبحانه و تعالی بعد از بیان نعمتها مادی و معنوی میگوید (ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) «این پیروزی بزرگ است»^۳

۱- سوره التوبة آیت ۷۲

۲- صحیح البخاری کتاب الإیمان باب رؤية المؤمنین فی الآخرة ربهم حدیث ۴۶۶

۳- تفسیر ازهر البیان ج ۴ ص ۲۷۳-۲۴۰

مطلب ششم: اسلوب مدح

مدح نیز از جمله روشهای است که در قرآن کریم که الله-متعال- بعضی از اشیای طیب را مورد مدح قرار داده است، و این مدح خود دلالت به اهمیت شناخت اشیای طیب نموده و آنها را واضح تر بیان مینماید. چنانچه که الله- سبحانه و تعالی- پیامبرش را مدح نموده میفرماید:

(وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ) ۱

«تو دارای خوی سترگ (یعنی صفات پسندیده و اخلاق حمیده) هستی»

و به همین ترتیب خداوند-متعال- در مورد اخلاق حمیده عایشه -رضی الله عنها- و برائت وی از عمل قبیح که منافقان ایشان را به آن متهم ساخته بودند نیز آیه را نازل فرمود که آیه متذکره بر علاوه اینکه برائت عایشه- رضی الله عنها- را ثابت کرده و اخلاق حمیده او را مورد مدح ستایش قرار داده اما حکم آن شامل تمام زنان میگردد. چه قسمی قرآن عظیم الشان میفرماید:

(وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ) ۲

«وزنان پاک لایق به مردان پاک هستند و مردان پاک لایق به زنان پاک هستند این جماعت از آنچه مردم میگویند بری هستند».

یعنی مرد و سخن و کار پاک، مناسب و لایق زن پاک میباشد. این کلمه عام است هیچ استثنایی ندارد و مطلب مهم این است که پیامبران بویژه پیامبران اولوالعزم بخصوص سرور پیامبران محمد- صلی الله علیه وسلم- که برترین و پاکیزه ترین همه انسانها است سزاوار این است که منکوحه اش پاک باشد. بنا براین تهمت زدن به عایشه-رضی الله عنها- در حقیقت تهمت به پیامبر- صلی الله علیه وسلم- است، و هدف منافقین از این تهمت و بهتان خود پیامبر-صلی الله علیه وسلم- بود. پس برای اثبات پاکی عایشه -رضی الله عنها- همین کافی است که همسر پیامبر-صلی الله علیه وسلم- است. و دانسته میشود که عایشه -رضی الله عنها- حتما از این امر زشت پاک و پاکیزه بوده است در حالیکه او از آن معالم ایمانی بر خوردار است که صدیقه زنان، و برترین و عالی ترین و پاک ترین آنان است محبوب پیامبر-صلی الله علیه وسلم- که در بستر و لحاف هیچ زنی جز عایشه به پیامبر-صلی الله علیه وسلم- وحی نازل نشده است. پس این را به صراحت بیان کرد تا برای باطل گرایان جای سخنی باقی نماند و مجالی برای شک و تردید نباشد و باز فرمود: (أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ)

«اینان از آنچه میگویند منزه هستند»

۱- سوره قلم آیت: ۴

۲- سوره النور آیت: ۲۶

در اصل اشاره به عایشه رضی الله عنها - است و به تبع ایشان تمام زنان مومن و پاک دامن را نیز در بر میگیرد.

{ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ } آنان از آمرزش فراوانی برخوردار هستند آمرزشی که همه گناهان آنان را فرا میگیرد و در بهشت از جانب پروردگار بزرگوار روزی نیک و ارزشمندی برخوردار خواهد شد. ۱

پس عایشه رضی الله عنها - این را افتخار میدانست که الله - متعال - او را به پاکی یاد کرد و به پاکی مدح و ستایش نموده و وعده داد که سزاور مغفرت و بهترین رزق در بهشت است. ۲

مطلب هفتم: اسلوب ضرب المثل

بیان مثال یک ضرب المثل یکی از شیوه های مهم قرآن کریم برای تعلیم است؛ زیرا بیان یک مسئله به وسیله مثال بسیار تاثیر گذار بوده و به آسانی در دلها نفوذ میکند. اهمیت مثال به حدی زیاد است که گاهی بیان یک مثال کوتاه ما را از آوردن استدلال های پیچیده بی نیاز میسازد، و نیز برای تمام مردم قابل فهم بوده ، هرکس به اندازه فهم خودش از آن استفاده میکند چنانچه که الله-متعال - میفرماید: (وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ) ۳

«ما در این قرآن برای مردمان هرگونه مثالی را که بیدارکننده بوده و به زنده گی شان مربوط است، بیان کرده ایم».

و هم چنان آیه دیگر نیز بیان کننده این مطلب است. (وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ) ۴

«و این مثالها را برای مردم میزنیم و جز دانشوران در آنها تعقل نمیکنند»

پس الله- متعال - اشیا ی طیب را نیز به گونه مثال بیان نموده طوری که میفرماید: (أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ) ۵
«آیا ندیدی خدا مثال سخن پاکیزه را چگونه زد مانند درخت پاکیزه که ریشه اش استوار باشد و شاخه اش در آسمان»

۱- تیسیر الکلام الرحمن فی تفسیر الکلام المنان ص ۵۶۳

۲- تفسیر الجلالین المؤلف جلال الدین محمد بن أحمد المحلی و جلال الدین عبد الرحمن بن ابي بكر السيوطي، ناشر: دار الحديث القاهرة طبع: الأولى. ص ۶۱

۳- سوره الروم آیت: ۵۸

۴- سوره العنكبوت آیت: ۴۳

۵- سوره ابراهيم آیت: ۲۴

آیا ندانسته و ندیده اید که خداوند چگونه مثال میزند: سخن خوب را که عبارت است از (لا إله إلا الله) است همچون درخت خوب (خرما) است. (أَصْلُهَا ثَابِتٌ) یعنی ریشه اش در زمین استوار است (وَفَرَعُهَا فِي السَّمَاءِ) و شاخه اش در آسمان و فضاء پخش شده است، و این درخت همواره فوائد زیادی برای مردم دارد (تُؤْتِي أَكْثَرَهَا حِينِ بِإِذْنِ رَبِّهَا) .

«در هر زمانه میوه خود را به حکم پروردگارش میدهد» پس درخت ایمان این چنین ریشه اش در قلب مؤمن استوار است آنرا میشناسد و به آن باور دارد و شاخه درخت ایمان که سخن خوب و عمل صالح اخلاق پسندیده و آداب نیکو است همواره در آسمان است و کارها و گفتارهای که درخت ایمان ببار میآورد و مؤمن و دیگران از آن بهره مند میشوند بسوی خدا بالا میرود»^۱

مبحث سوم: آثار مرتبه بر روی آوردن به طیب

مطلب اول: آثار دنیوی طیب

یکی از افتخارات بزرگی که الله-متعالی- به انسانها در دنیا داده است، و نشانه برتری او نسبت به سایر موجودات میباشد عبارت است از استفاده از طبیات و آثار مرتب بر روی آوردن بر آنها میباشد؛ زیرا که استفاده از طبیات باعث رضامندی الله- عزوجل- گردیده و انسانها را در تمام عرصه های زنده گی شان خوشنود میسازد.

بناء آثار مرتب به روی آوردن به طیب از این قرار است:

۱- روی آوردن به طیب باعث به وجود آمدن حیات طیبه میگردد:

از جمله نعماتی که الله- متعالی- برای انسانها بر روی آوردن به طبیات اعطا میکند عبارت است از حیات طیبه است و این حیات طیبه را الله- متعالی- در برابر ایمان و انجام اعمال نیکو وعده داده است، پس حیات طیبه عبارت است از زنده گی اولیا الله است که عاری از هرگونه چیز های که نا خوشایند است میباشد، و یا به عبارت دیگر حیات طیبه حیاتی است پاک از هرگونه نابودی، کمبودی، ناکامی، و بیم میباشد چنانچه که این واژه (حیة طیبیة) یک مرتبه در قرآن کریم ذکر گردیده است: (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً)^۲

«هرکس چه مرد و چه زن کارهای شایسته انجام دهد و مؤمن باشد بدو در این دنیا زنده گی

پاکیزه و خوشایندی میبخشیم»

^۱ - تفسیر راستین ترجمه تیسیر الکلام الرحمن فی تفسیر کلام المنان ج ۲ ص ۳۰۵

^۲ سوره النحل آیت: ۹۷

اینکه مقصد از حیات طیبه در آیت مذکور عبارت از این است که حتما بدو زنده گی خوشایند و پاکیزه ای میبخشیم یعنی زنده گی فردی لبریز از قناعت، صبر بر مصائب، شکیبائی و شکر بر نعمت های یزدان و به تبع آن زنده گی جمعی قرین با آرامش و امنیت و رفاه و صلح و صفا و محبت و دوستی و تعاون و همکاری و دیگر مفاهیم سازنده انسانی است.^۱

بناء این وعده است از جانب الله-متعال- برای آنانیکه ایمان آورده اند و عمل صالح مطابق به کتاب الله و سنت رسول الله-صلی الله علیه وسلم- انجام میدهند، برابر است که مرد باشند یا زن، خداوند -متعال- برای ایشان زنده گی طیبه را در دنیا میدهد^۲

چنانچه در این مورد حدیثی از پیامبر-صلی الله علیه وسلم- نیز روایت شده: **«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: « قَدْ أَفْلَحَ مَنْ أَسْلَمَ، وَرَزِقَ كَفَافًا، وَقَنَّعَهُ اللَّهُ بِمَا آتَاهُ»**^۳

۲- روی آوردن به طیب باعث هدایت میگردد

علاوتاً باید اضافه شود اینکه استفاده از طیبات در روی زمین و روی آوردن به طیب باعث هدایت بشری نیز میگردد که انسانها را از ضلالت و گمراهی نجات و بسوی راه راست سوق میدهد. چنانچه که قرآن کریم در این مورد بیان کننده مطلب است: **(وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ)**^۴

«آنان بسوی گفتن سخنان زیبا و راه انجام کارهای پسندیده رهنمود میگرددند»

مقصود از قول طیب سخنان لبریز از صمیمیت و صفا و محبت است و یا مقصود از قول طیب ثنا و تقدیس و حمد پروردگار است، اما برخی مفسرین قول طیب را کلمه توحید و قرآن و تسبیح و اذکار مشروع و صراط حمید را به دین اسلام تفسیر نموده اند در این صورت این آیه اخبار از انعام الله تعالی بر مومنان در دنیا میباشد، و ترجمه آیه چنین میشود و آنان در دنیا به گفتن کلمه طیبه لا اله الا الله و محمد رسول الله رهنمائی شدند و به سوی راه ذات ستوده شده یعنی راه اسلام هدایت شدند که در این صورت قول طیب علت برای صراط حمید است.^۵

۳- روی آوردن به طیب باعث طهارت بدن میگردد

الله -سبحانه و تعالی- در این جا حکم بسیار بزرگی را بیان نموده که با بیان این حکم بر تمام امت منت نهاده که آن عبارت است از روی آوردن به طیب جهت پاکی یا طهارت بدن میباشد، و با استفاده از خاک طیب حاصل میگردد، طوری که الله -متعال- میفرماید: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا**

۱- تفسیر نور ص ۱۵۶

۲- تفسیر القرآن العظیم ج ۴ ص ۵۱۶

۳- سنن ترمذی ج ۴، ص ۶، ح ۲۴۵۲ ترمذی گفته است این حدیث (حسن صحیح) است.

۴- سوره الحج آیت: ۲۴

۵- تفسیر ازهر البیان ج ۵ ص ۶۹۷-۶۹۸

لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا
وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً
فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا^۱

«ای کسانی که ایمان آورده اید در حالیکه مست هستید به نماز نایستید تا آنگاه که میدانید چه میگوئید و به نماز نایستید در حالیکه جنب هستید تا آنگاه که غسل میکنید مگر اینکه مسافر باشید و اگر مسافر یا مریض بودید و یا اینکه از پیشاب برگشتید و یا اینکه با زنان نزدیکی کردید و در همه این احوال آبی نیافتید با خاک پاک تیمم کنید و برای این منظور با خاک چهره و دستهای خود را مسح کنید بی گمان خداوند عفو کننده و آمرزنده است»

این آیه پیش از حرمت شراب نازل شده بود هم چنان در حالت جنابت نماز نگذارید تا زمانی که غسل شرعی نماید و هر که از شما مسافر بود و آبی جهت غسل نیافت میتواند تیمم کند و آنکه مریض باشد و بر استفاده آب توان نداشته باشد او نیز میتواند به خاک پاک تیمم کند و بر اساس این تیمم بر روی و دستان خود مسح کند این امر نشانه رحمت الهی عفو و لطف او نسبت به امت اسلامی است زیرا بر آنها اسان گرفته و سختیها و مشکلاتی را که بر سایر امم بوده از این امت بر داشته از این روی حق - تعالی - این آیه را با بیان این امر پایان بخشیده است که او تعالی عفو کننده و بخشاینده است و او هیچگاه بعد از عفو و گذشت کسی را نمیگیرد و اشتباهات را میپوشاند و هیچگاه مرتکب آنرا بعد از گذشت نمیگیرد.^۲

پس مقصد از «صَعِيدًا طَيِّبًا» خاک پاک میباشد.^۳ بنا بر این الله - متعال - در قرآن کریم خاک را وسیله پاک کننده از نجاست برای انسانها معرفی میکند که در صورت عدم موجودیت آب و یا مرضی که نتوانید از آب استفاده کنید با هر آنچه که از سطح زمین ارتفاع پیدا میکند و پاک است تیمم کنید.

۴- روی آوردن به طیب باعث دوستی و اعتماد بین انسانها میگردد

بر علاوه سایر طیبات آنچه که در دنیا باعث محبت و دوستی میگردد و قرآن کریم نیز آن را وسیله اعتماد و سلامتی بین انسان گفته عبارت از سلام دادن به یکدیگر است. خاصتا در هنگام داخل شدن به خانه های همدیگر زیرا که سلام دادن به معنی و مفهوم سلامتی بوده باعث اعتماد

۱- سوره النساء آیت: ۴۳

۲- تفسیر میسر ج ۱ ص ۸۵

۳- أيسر التفسير ج ۱ ص ۲۶۴

بین انسانها و رفع احساس خطر در مقابل هم دیگر می‌گردد: (فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ)^۱

«پس چون به خانه‌ها درآیید بر خویشان به درود مبارک و پاکیزه که رسمی است الهی سلام گویند خداوند بدین سان آیات خود را برای تان روشن می‌سازد تا خرد ورزید»
الله - متعال - این سلام را ستود و فرمود: تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً سلام شما به هنگام ورود به خانه‌های که می‌گویید: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته " یا می‌گویید: السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين " تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ سلام با برکتی است که خداوند آن را از سوی خود برای تان مشروع نموده است. مُبَارَكَةً سلام با برکت و پاک است چون دوری از کمبود، و حصول رحمت و برکت و رشد و افزونی را در بر دارد. طَيِّبَةً پاک است چون از کلمه‌های پاکیزه و محبوب در نزد خدا تشکیل یافته است و باعث شادمانی فرد شده و محبت و دوستی را به بار می‌آورد.^۲

طوری که آیت دیگری از قرآن عظیم الشان در مورد سلام دادن نیز می‌فرماید: (وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا)^۳

" هرگاه شما را درودی دادند (اعم از سلام کردن و دعا نمودن و احترام گذاردن) به گونه زیباتر و بهتر از آن یا (دست کم) همانند آن ، آن را پاسخ گوئید . بیگمان خداوند حسابرس هر چیزی است (و حساب هر چیزی را دارد) .

و به همین ترتیب رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نیز به سلام دادن تشویق و ترغیب مینماید زیرا که سلام دادن اولین درجه نیکوکاری، و سبب الفت و محبت است طوری که فرموده است: « لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ تُوْمِنُوا وَلَا تُوْمِنُوا حَتَّىٰ تَحَابُّوا أَوْ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ » ؛^۴

" وارد بهشت نمی‌شوید تا اینکه ایمان داشته باشید، و ایمان نمی‌آوردید مگر زمانی که یکدیگر را دوست بدارید؛ آیا شما را به کاری راهنمایی نمایم که اگر انجامش دهید یکدیگر را دوست خواهید داشت؟ سلام گفتن را در میان خود رواج دهید".

۱- سوره النور آیت: ۶۱

۲- تیسیر الکلام الرحمن فی تفسیر کلام المنان ص ۵۷۵

۳- سوره النساء آیت: ۸۶

۴- صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب لا یدخل الجنة إلا المؤمن ح، ۹۳

مطلب دوم: آثار اخروی روی آوردن به طیب در قرآن کریم

طوری که در بخش آثار مرتب بر روی آوردن به طیب در دنیا ذکر گردید، روی آوردن به طیب دارای اثر اخروی نیز میباشد. اما آثار که بر روی آوردن به طیب در آخرت مرتب میگردد عبارت اند از: رضایت الله - متعال - و داخل شدن به جنت میباشد البته این کامیابی از آن آنانی است که در دنیا طیب (پاک) بوده اند، تقوی داشته و اعمال صالح را انجام میدادند، طوری که الله متعال میفرماید: (الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ)^۱

« آنان که فرشته گان در حالی جان شان را میگیرند که پاک اند میگویند: سلام بر شما باد به خاطر کارهایی که میکردید به بهشت وارد شوید»

در تفسیر المختصر فی تفسیر القرآن الکریم ذکر گردیده است: در این آیت قرآن عظیم الشان سرنوشت آنانی را بیان میکند که ملک الموت روح شان را در حالی قبض میکند که قلب های شان از شرک پاک باشد، و برای شان میگوید داخل شوید به جنت به سبب عقیده صحیح و اعمال صالح که در دنیا انجام میدادید.^۲

امام رازی هم چنان میگوید: (الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ) صفت متقین است و الله - متعال - آنها را پاداش میدهد طوری که طیبین ممکن در یک کلمه مختصر شده باشد اما معنی آن جامع است که مفاهیم زیاد را در بر دارد، یعنی این پیروزی داخل شدن به جنت به این دلیل است که آنها به تمام کارهای که در دنیا امر شده بودند انجام میدادند و از کار های که منع شده بودند اجتناب مینمودند آنها موصوف به اخلاق پسندیده و حمیده اند. در حالیکه از اخلاق مذموم و بد بیزاری میجویند. پس ملائکه در حالی به آنها داخل میشوند و آنها را قبض روح میکند که از گناه بیزار بوده اند و همیشه به طهارت و پاکی روی می آوردند و قبض روح نمیشوند مگر اینکه بشارت داخل شدن به بهشت برای شان داده میشود گویا اینکه آنجا را مشاهده میکنند.^۳

واینکه رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - نیز در مورد روح طیبیه و سرنوشت آن در آخرت میفرماید: إِذَا خَرَجَتْ رُوحُ الْمُؤْمِنِ تَلَقَّاهَا مَلَكَانِ يُصْعِدَانِهَا قَالَ حَمَّادٌ فَذَكَرَ مِنْ طَيِّبِ رِيحِهَا وَذَكَرَ الْمُسْكِ قَالَ وَيَقُولُ أَهْلُ السَّمَاءِ رُوحٌ طَيِّبَةٌ جَاءَتْ مِنْ قِبَلِ الْأَرْضِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَسَدِ كُنْتَ تَعْمُرِينَهِ فَيَنْطَلِقُ بِهِ إِلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ يَقُولُ انْطَلِفُوا بِهِ إِلَى آخِرِ الْأَجَلِ؛

۱- سوره النحل: ۳۲

۲- ج ۱ ص ۲۰۷

۳- مفاتیح الغیب ج ۲۰ ص ۲۰۲

۴- صحیح مسلم، کتاب الجنة وصفة نعيمها، باب عرض مقعد الميت من الجنة ح، ۲۸۷۲

هنگامی که روح از تن بنده مومن بیرون می آید، دو فرشته آن را به سوی آسمان می برند. از آن روح، بوی خوش و عطر آگینی منتشر می شود. اهل آسمان با دیدن آن می گویند: این روح پاکی است که از زمین آمده است. درود بر تو و بر جسدی که تو در آن قرار داشتی. سپس فرشتگان او را به بارگاه خدا می برند. حق تعالی می فرماید: او را نزد دیگر ارواح طیبه ببرید، تا روز موعود (قیامت) فرا رسد. اما وقتی که روح آدم کافر از بدنش جدا می شود، بسیار بدبو و متعفن است. هنگامی که فرشتگان او را به آسمان می برند، اهل آسمان با دیدنش می گویند: این روح پلیدی است که از زمین آمده است. و دستور می رسد که او را نزد ارواح پلید بگذارید تا روز موعود فرا رسد.

ابن قیم جوزی رحمة الله علیه می گوید^۱: «فرد خبیث و انسانی که در او چیزی از خبث وجود داشته باشد، وارد بهشت نمی گردد. اما کسی که در دنیا خود را پاک ساخت و خالی از نجاست ها به ملاقات الله متعال شتافت، حتما وارد بهشت می گردد. اما کسی که در دنیا خودش را پاک نگرداند، اگر نجاستش عینی باشد (مانند نجاست کافران) اصلا وارد جنت نمی گردد، و اگر نجاستش کسبی و عارضی باشد، پس از آنکه در دوزخ انداخته می شود، و نجاست هایش زایل می گردد، وارد بهشت می شود و هرگز از آن بیرون نمی گردد.»^۲

و هم چنان الله - سبحانه - در آیه دیگری نیز آثار اخروی روی آوردن به طیب را بیان نموده و آن همچنان داخل شدن بهشت است: (وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ)^۳

« و کسانی که از عذاب و خشم پروردگارشان می پرهیزند گروه گروه بسوی بهشت رهنمود می شوند تا بدان گاه که به بهشت میرسند بهشتی که در های آن برای احترام شان بروی شان باز است بدین هنگام نگهبانان بهشت بدیشان میگویند: دورود تان باد خوب بوده اید و به نیکی زیسته اید پس خوش باشید و داخل بهشت شوید و جاویدانه در آن بمانید.»

مقصد از آیت این است که الله - متعال - در روز قیامت از متقیان می خواهد. دسته دسته بسوی بهشت حرکت کنند تا اینکه به آن در های از قبل باز شده برسند که محفوظ و نگهداری شده است. برای ایشان گفته شود برای آنها دورود تان باد در امن و امان هستی زیرا که در دنیا خوب

^۱- ابو عبد الله شمس الدین محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد بن حریر الزرعی الدمشقی الحنبلی معروف به ابن قیم جوزی در سال ۶۹۱ هـ تولد شده و در سال ۷۵۱ هـ وفات نموده است آثار مشهور وی اجتماع الجیوش الاسلامیه علی غزوة المعطله والجهمیة، الاجتهاد وتقلید، احکام اهل الذمه، اغاثة اللهفان...

^۲- اغاثة اللهفان ج ۱ ص ۵۶

^۳- سوره الزمر: ۷۳

بوده اید و به نیکی زنده گی نموده اید و خود را از آغوشته شدند به معاصی بر حذر داشته اید. پس رسیدید به آن نعمتهای مقدر شده جاویدان داخل شوید به آنها^۱.

و این محبت، الفت و مهربانی بین دوستها در روز قیامت نیز باقی میماند قسمیکه آیت دیگری از قرآن عظیم الشان در مورد میفرماید: (الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ)^۲

«دوستان در آن روز دشمنان یک دیگر خواهند شد مگر پر هیز گاران»

زمانیکه برای یکی از آنها گفته شود بروید به سوی بهشت میگویند ما داخل نمیشویم مگر اینکه دوستان ما هم چنان با ما داخل شوند بناء تاخیر میکنند داخل شدن به بهشت را این بدین سبب سپس به طرف بهشت برده میشوند.

یعنی کسانی که از خداوند - متعال - میترسیدند و او را عبادت میکردند نه بخاطر جنت و دوزخ بلکه به مقصد شدت علاقه مندی آنان برای دیدار جمال و جلال خداوند - متعال - بوده که حتی مانع رغبت شان به بهشت میشود، اما این در حقیقت گناهی نیست پس ایشان به بهشت برده شده و به آنجا داخل میشوند. طوری که در این روز جنتیان بسوی جنت و دوزخیان بسوی دوزخ برده میشوند، اما دوزخیان به چنان سختی و مشکل برده میشوند گویا که زندانی بطرف زندان برده میشود لکن در مورد بهشتیان برعکس میباشد یعنی طوری بسوی بهشت میروند که گویا سوار در مرکبها اند و نمیروند بسوی بهشت مگر بوسیله مرکب ها^۳.

^۱ - المنتخب في تفسير القرآن الكريم المؤلف: لجنة من علماء الأزهر، ناشر: المجلس الأعلى للشئون الإسلامية مصر، طبع مؤسسة الأهرام طبع: ۱۸، ۱۴۱۶ هـ - ۱۹۹۵ م. ص ۶۹۳

^۲ - الزخرف: ۶۷

^۳ - مفاتيح الغيب ج ۲۷ ص ۴۷۹

فصل چهارم

انواع خبیث در قرآن کریم و اسلوب تحذیر از آنها با بیان آثار مرتبه بر آنها

مبحث اول: انواع خبیث در قرآن کریم

مطلب اول: خبیث از نوع مردم

مطلب دوم: خبیث از نوع اموال

مطلب سوم: خبیث از نوع خوردنی ها

مطلب چهارم: خبیث از نوع اماکن

مطلب پنجم: خبیث از نوع اقوال

مطلب ششم: خبیث از نوع اعمال

مطلب هفتم: خبیث از عموم مخلوقات

مبحث دوم: اسلوب قرآن کریم در تحذیر از خبیث

مطلب اول: اسلوب امر

مطلب دوم: اسلوب نهی

مطلب سوم: اسلوب نفی

مطلب چهارم: اسلوب ضرب المثل

مطلب پنجم: اسلوب ذم

مطلب ششم: اسلوب استفهام

مطلب هفتم: اسلوب وعد

مطلب هشتم: اسلوب وعید

مبحث سوم: آثار مرتب بر روی آوردن به خبیث

مطلب اول: آثار دنیوی بر روی آوردن به خبیث

مطلب دوم: آثار اخروی بر روی آوردن به خبیث

فصل چهارم

انواع خبیث در قرآن کریم و اسلوب تحذیر از آنها با بیان آثار مرتبه بر آنها

مبحث اول: انواع خبیث در قرآن کریم

طوری که در فصل گذشته در مورد انواع طیب و اسلوب تشویق بر آنها و بیان آثار مرتب بر آنها بیان گردید در این فصل میپردازیم به بحث در مورد انواع خبیث و اسلوب تحذیر از آنها و آثار مرتب بر آنها.

انواع خبیث در قرآن کریم عبارت اند از:

مطلب اول: خبیث از نوع مردم

قسمی که در بخش طیب از نوع مردم نیز ذکر گردید در این هیچ شک و ریب وجود ندارد که الله - متعال - خالق همه مردم یا انسانها است، پس مردم خبیث عبارت از مردمانی اند که حد شریعت را مراعات ننموده و به فسق و فجور روی آوردند، و آنها عبارت اند از:

کافران:

از جمله حکمتهای الهی این است که میان مردمان خبیث و طیب فرق نموده یکی را از دیگر جدا نموده است، چنانچه الله - متعال - در قرآن کریم میفرماید: (مَا كَانَ اللَّهُ لِيُدْرِيَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ)^۱

«این گونه نبوده است که خداوند شمارا به گونه که هستید رها کند بلکه خداوند پاک را از ناپاک جدا میسازد».

در این مورد صاحب اوضح التفسیر مینویسد: طوری نیست که الله - متعال - شما را ترک کند بلکه الله - سبحانه و تعالی - تفریق و جدایی می آورد بین مردمان منافق، کافر و مومنین که به الله - متعال - صادقانه ایمان آورده اند.^۲

و هم چنان امام سیوطی در تفسیر خود مینویسد: الله - عزوجل - فرق میکند یعنی جدا میسازد مردمان خوشبخت و سعید را از مردمان بد بخت و شقی.^۳

۱ - سوره آل عمران، آیت ۱۷۹

۲ - اوضح التفسیر ج ۱ ص ۱۸۵

۳ - الدر المنثور المؤلف: عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي، ناشر: دار الفكر - بيروت. ج ۲ ص ۳۹

یعنی الله - متعال- آن کافرانی را که مردم را از راه الله باز میدارد به دوزخ حشر مینماید پس در این تفسیر نیز مراد از خبیث همان مردمان کافر است.^۱

مردان خبیث و زنان خبیثه:

خبیث و خبیثه نوع از مردمانی اند که همیشه به خواسته های خبیث و حرام خود میلان دارند، و به حلال و چیزهای پاک اصلاً راضی نیستند جز به چیزهای حرام از همین جهت است که الله - متعال- این مردمان را مناسب هم دیگر دانسته طوری که قرآن کریم میفرماید: (الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ)^۲

«زنان ناپاک از آن مردان ناپاک اند، و مردان ناپاک از آن زنان ناپاکند»

بنا بر این فرموده الله-متعال- زنان پلید مردان پلید را لایق میباشند، و مردان پلید زنان پلید را لایق میباشند.

هم چنان از این آیت دانسته میشود که الله- متعال - در طبیعت ها اتصال پیدا کرده است که زنان پلید و بد کار بسوی مردان پلید و بد کار، و مردان پلید و بد کار بسوی زنان پلید و بد کار رغبت میکنند، طوری که الله متعال در این مورد فرموده است: (الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ)^۳،^۴.

«مرد زنا کار مگر با زن زنا کار و مشرک نکاح نمیکند و زن زناکار نیز جز با مرد زنا پیشه و مشرک ازدواج نمیکند این بر مومنان حرام شده است»

مقصد از خبیثات و خبیثین در این آیت همان زنا کاران اند.^۵

و همچنان شخص خبیث که در شأن آن فعل قبیح زنا است با زنان صالحه رغبت نکاح ندارند، و بر عکس به زنان مانند خود رغبت دارند، و هم چنان زنانی که دوستهای پنهانی دارند به مردان صالح برای نکاح گرفتن رغبت نداشته به مثل خود مانند فاسقان و مشرکان رغبت دارند. و این آیه دلیل است بر ترک ازدواج با زنان خبیثه (فاحشه) زیرا که عمل قبیح زنا معادل شرک است در قباحت و خبائثت خود.^۶

۱- جامع البیان فی تأویل القرآن ج ۱۳ ص ۵۳۴

۲- سوره النور آیت ۲۶

۳- سوره النور آیت ۱۳

۴- معارف القرآن ج ۳، ص ۱۳۵

۵- أوضح التفاسیر ج ۱ ص ۴۲۶

۶- مدارک التنزیل و حقائق التأویل ج ۲ ص ۴۸۷

مطلب دوم: خبیث از نوع اموال

مال به چیزی گفته میشود که در اختیار انسان باشد، و به طریقه معمول از آن استفاده کند، وانسانها نیز مال را خوش داشته و میپسندند و برای بدست آوردن، جمع آوری، و ذخیره نمودن آن جد و جهد زیاد مینمایند چنانچه در این مورد الله - عزوجل- میفرماید: (وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا)^۱

«ومال را دوست دارید به دوست داشتن بسیار»

یعنی شما مال را دوست دارید، دلباخته مال و متاع دنیا هستید لذا ملاحظه مشروع، نامشروع، حلال، و حرام را نمیکنید.^۲

در این مورد این حدیث پیامبر-صلی الله علیه وسلم نیز قابل ذکر است: عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: « يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبَالِي الْمَرْءُ مَا أَخَذَ مِنْهُ أَمِنَ الْحَلَالَ أَمْ مِنَ الْحَرَامِ »^۳.

«از ابوهریره -رضی الله عنه-روایت است که نبی اکرم- صلی الله علیه وسلم فرمود: " روزگاری فرا خواهد رسید که مردم اهمیت نمیدهند که آنچه که بدست شان میرسد از راه حلال است یا حرام" .

بناء الله - متعال - حاصل نمودن و بدست آوردن مال را از طریق غیر مشروع منع و آن را از اموال خبیث و حتی حرام میدانند که این اموال خبیث عبارت اند از:

خوردن مال یتیم:

مال یتیم عبارت از مالی است که الله - متعال- خوردن، استفاده کردن، تبدیل کردن، و ضایع نمودن آن را حرام و گناه بزرگ پنداشته و از آن منع نموده است، طوری که فرموده است: (وَأْتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا)؛ «وبه یتیمان مالهای شان را بدهید و اموال ناپاک را با اموال پاک جابجا نکنید و مالهای شان را با اموال خودتان نخورید زیرا آن گناه بزرگی است»

شیخ أسعد حومد میگوید: بنا بر این آیه، الله - متعال - دستور میدهد به اوصیاء و اولیاء یتیمان به این که در حفظ و نگهداشت مال یتیم باید کوشا باشند، و از آن استفاده سوء نبرند و آنگاه که یتیم به سن رشد یا بلوغ برسد، اموال ایشان را برای ایشان تسلیم کنند، و هم چنان از تبدیل کردن مال خوب یتیم به مال خراب خودش خود داری نماید، و مالهای آنان را با اموال شان

^۱ - سوره الفجر آیت ۲۰

^۲ - تفسیر نورص ۲۷ ۹۴

^۳ - صحیح البخاری، کتاب البیوع، باب لم یبال من حیث کسب المال ح، ۲۰۵۹

^۴ - سوره النساء آیت ۲

طوری خلط یا یکجا نکنند که امکان افتراق یا جدای وجود نداشته و در نتیجه همه مالهای یتیم را بخورند، و حتی گوسفند لاغر خود را با گوسفند چاق یتیم نباید عوض نمود؛ زیرا که این گناه بزرگ است و از آن باید اجتناب کنند^۱.

گاهی سرپرست یتیمان مالهای بی ارزش خود را به مالهای جيد آنها مخلوط ساخته دست به استفاده نا مشروع میزند، و خلط را وسیله خیانت میگرداند، و این هر دو صورت به نفع او و به ضرر یتیم است، طوری که به طریق تبدیل استفاده از مالهای یتیمان نا مشروع است به طرق خلط نیز حرام و ظلم است، و سپس به وخامت این امر اشاره نموده به طور تهدید میفرماید:

(إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا) «این کار گناه بزرگ است»^۲

و به همین ترتیب حدیث از رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- در مورد حرمت مال یتیم و اینکه استفاده نا مشروع از آن عواقب ناگوار دارد روایت است: **عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمَوْبِقَاتِ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: الشَّرْكَ بِاللَّهِ، وَالسَّحَرُ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ، وَأَكْلُ الرِّبَا، وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ، وَالتَّوَلَّى يَوْمَ الزَّحْفِ، وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ الْغَافِلَاتِ**^۳

ترجمه: از ابوهریره- رضی الله عنه - روایت است که پیامبر- صلی الله علیه وسلم- فرمود: پیر هیزید یا اجتناب کنید از هفت چیز هلاک کننده. صحابه - رضی الله عنهم - گفتند: یا رسول الله آنها چه چیزها هستند؟ پیامبر- صلی الله علیه وسلم فرمود: ۱- شریک آوردن به الله ۲- جادو کردن ۳- کشتن نفس که حرام گردانده آنرا مگر به حق آن (قصاص باشد) ۴- خوردن مال یتیم ۵- پشت گردانیدن به دشمن در روز قتال ۶- بهتان زدن به زنان مؤمنه پاک دامن.

و در آیت دیگر خوردن مال یتیم را موجب رفتن به دوزخ قرار داده فرموده اس: (إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا)^۴

«بی گمان کسانی که اموال یتیمان را به ناحق و ستم گرانه میخورند انگار آتش در شکم های خود میریزند و میخورند چرا که آنچه که میخورند سبب دخول ایشان به دوزخ میشود و در قیامت به آتش سوزانی خواند سوخت.»

یعنی کسیکه مال یتیم را ظالمانه بخورد (تصرف کند) درحقیقت آتش را بردهنش میگذارد و میسوزاند ایشان را آتش جهنم در روز قیامت.^۵

۱- ایسر التفاسیر ص ۴۹۵

۲- تفسیر ازهر البیان ص، ۲۹۲-۲۹۳، ج ۲

۳- صحیح البخاری، کتاب الحدود، باب رمی المحصنات ح، ۶۸۵۷

۴- سوره النساء آیت ۱۰

۵- ج ۱ ص ۷۸

قرآن کریم به کفیلان و سرپرست یتیمان توصیه میکند اینکه در نگهداری اموال یتیمان از احتیاط لازم کار بگیرند و از حرص و بی باکی در استفاده آن خود داری نمایند زیرا که اضرار و عواقب ناگوار را در دنیا و آخرت سبب میگردد.

نَفَقَه خَبِيثَه:

به همین ترتیب انفاق در راه الله از مال خبیث یا از آن مالی که برای انسان قابل استفاده نباشد نیز باید خوداری شود؛ زیرا که الله غنی است و انسان با انفاق از مال خبیث مستحق اجر و پاداش نمگردد، طوریکه الله متعال فرموده است: (وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ)^۱

« و به سراغ چیزهای ناپاک نروید تا از آن ببخشید در حالیکه شما از آن چیزهای ناپاک نمیگیرید مگر آنکه از بدی آن چشم بپوشید و بدانید که خداوند بی نیاز و ستوده است.»

در این قول الله - متعال - بیان گردیده که باید دارای های نا مرغوب را در راه خدا نفقه نکنند زیرا اگر آنان حقی را از دیگران طلبگار باشند و در مقابلش جنس نامرغوبی را به آنها بد هند آنرا نپسندیده و نمی پذیرند مگر اینکه چشم پوشی کنند پس واجب است آنچه که میانه است برای خدا داده شود و کمال در این است که عالی ترین چیز و بهترین چیز در راه خدا پرداخت گردد و پرداخت چیزهای نامرغوب ممنوع است.^۲

تفسیر منتخب در مورد این آیت بیان میدارد: اینکه مقصد از این فرموده الله-متعال- عبارت است از اینکه شما برای اداء نفقات اموال ردی و خبیث تانرا انتخاب نکنید در حالیکه خود آن اموال خبیث را نمی پسندید مگر اینکه اگر برای تان داده شود از خبائث و رداءت آن چشم پوشی کنید، و این را بدانید که الله - متعال - غنی است از این صدقات که شما میپردازید و باید شکر گذار باشید به اینکه شما را به اعمال خیر و فلاح رهنمائی میکند.^۳

مگر قابل ذکر است اینکه در قرآن کریم اموال دیگر نیز به عنوان اموال خبیث بیان گردیده اند. مانند مال مسروقه که در آیت ۳۸ سوره مائده بیان گردیده است، مال غلول^۴ که آیت ۱۶۱ سوره آل عمران آنرا بیان نموده است و هم چنان اموال ربوی که امروزه در میان مردم کسب و حاصل کردن این مال بسیار عادی شده و مردم در معاملات شان اصلاً به آن اهتمام نمی نمایند

۱- سوره البقره آیت ۲۶۷

۲- تیسیر الکلام الرحمن فی تفسیر کلام المنان ص ۱۱۵

۳- ج ۱ ص ۶۴

۴- غلول: آن است که انسان از مال مسلمین چیزی را که حقی در آن ندارد بخودش برگیرد خوا آن چیز از اموال غنیمت باشد یا از اموال زکات یا از اموال هدیه

بنا بر این ربا یا سود خواری از خبیث ترین طریقه بدست آوردن مال است که خداوند-متعال- آن را حرام دانسته طوری که میفرماید: (الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا)^۱

«کسانی که ربا میخورند از قبر بر نمیخیزند مگر مانند کسی که شیطان او را دچار دیوانه گی کرده است این بدان جهت است که گفتند خرید و فروش صرفاً مانند ربا است در حالیکه خداوند خرید و فروش را حلال نموده و ربا را حرام کرده است پس هر کسی که اندرز از جانب پروردگارش به او رسیده و از ربا خواری دست کشید آنچه در گذشته بدست آورده است از آن او میباید و کار او با خدا است و هر آن کس که به ربا خواری باز گردد پس ایشان اهل آتش اند و در آن جاویدانه خواهند بود.

علامه عبد الرحمن بن ناصر سعدی مینویسد: الله-عزوجل- در این آیه به بیان حال کسانی که مال را از طریق ربا بدست میاورند میپردازد، و کسانی که ربا خور هستند و معاملات ناشایسته ربوی انجام میدهند بر حسب کارهای شان مجازات میشوند، پس همانطوری که در دنیا مانند دیوانه ها به دنبال در آمد ناپاک بودند به سزای این کار در برزخ و قیامت از قبرهای شان بر نمیخیزند مگر مانند کسی که دچار دیوانگی شده اند^۲.

زیرا در ربا شر بسیار بزرگ و خطر عظیم وجود دارد و الله - متعال - منع مینماید از این خطر تا که انسان نه بر خود ظلم کند و نه بر فقراء. پس واجب است بر انسانها تا از این عمل خطیر پرهیز نموده و خود داری نمایند؛ زیرا مالی که از طریق عمل ربا حاصل میشود از جمله اموال خبیث میباشد.

و پیامبر- صلی الله علیه وسلم - نیز ربا خوار را ملعون قرار داده است، طوری که در حدیث جابر رضی الله عنه آمده است که میگوید: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَكِلَ الرِّبَا، وَمُوكَلَّهُ، وَكَاتِبَهُ، وَشَاهِدِيهِ، هُمْ سَوَاءٌ هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ^۳

ترجمه: رسول الله رباگیر و ربا ده و قرارداد نویس و شاهدان را لعنت نموده اند. چهار گروه بخاطر ربا مشمول لعنت الله شده اند، دسته اول سود خوارها، دسته دوم ربا دهنده ها و دسته سوم کاتبان یا عاملان ربا، و دسته چهارم شاهدان معامله ربا.

۱- سوره البقره آیت ۲۷۵

۲- تیسیرالکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان ج ۱ ص ۲۷۹

۳- شرح السنة للبعوی ح ۲۰۵۴ .

اموال خبیث در احادیث رسول اکرم-صلی الله علیه وسلم-

رسول اکرم-صلی الله علیه وسلم- نیز در مورد اموال خبیث ارشاداتی دارد که بعضی از احادیث ایشان -صلی الله علیه وسلم- در این مورد قابل بحث میباشد بطور مثال پیامبر-صلی الله علیه وسلم- در مورد بعضی از اموال خبیث فرموده است: «**ثَمَنُ الْكَلْبِ خَبِيثٌ وَمَهْرُ الْبَغِيِّ خَبِيثٌ وَكَسْبُ الْحَجَّامِ خَبِيثٌ**»^۱

ترجمه: رسول الله-صلی الله علیه وسلم- فرموده است: گرفتن ثمن و قیمت سگ پلید و یا خبیث است، پول زن زنا کار از درک زنا حرام است، پول علاج نمودن ذریعه حجامت حرام است. و هم چنان رشوت خبیث ترین مال است که پیامبر-صلی الله علیه وسلم- رشوت دهند و گیرنده ملعون قرار داده اند، طوریکه در حدیث ابو هریره رضی الله عنه آمده است که می گوید: **لَعْنُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّاشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ فِي الْحُكْمِ.**

یعنی رسول اکرم-صلی الله علیه وسلم- لعنت کرده است رشوت گیرنده و رشوت دهنده هر دو را یعنی هر در حکم شریک اند»^۲

بطور خلاصه میتوان در نتیجه بحث پیرامون این مطلب گفت که الله -متعال- دستور داده است که از اموال خبیث آنچه که برای تان حرام است استفاده نکنید؛ زیرا که عواقب ناگوار را چه در دنیا و چه در آخرت با خود دارد، و هم چنان استفاده نمودن از مال خبیث از هر جهتی که باشد و بر هر جهتی که مصرف شود برای انسان حرام میباشد چنانچه که الله -متعال- مال یتیم را مال خبیث دانسته و استفاده نمودن از آنرا حرام گفته است، و هم چنان پرداخت صدقات که از مال خبیث باشد از طریق غیر شرعی حاصل شده باشد نیز برای الله قابل قبول نمیشود زیرا که الله-متعال- غنی است و نیازی به پرداخت صدقه از مال خبیث ندارد.

مطلب سوم: خبیث از نوع خوردنی ها

غذا یا تغذیه یا آنچه که برای آن میتوان اصطلاح خوردنی را نیز بکار برد از جمله موارد مهم زنده گی زنده جانها است؛ زیرا که تغذیه یا استفاده از خوردنی ها باعث رشد انسانها و سایر زنده جانها میگردد، اما آنچه که در مسئله تغذیه یا خوردنی های انسانها مهم است این است که خوردنی یا غذا باید پاک و حلال باشند، والله-متعال- در آیات متعدد از غذای خبیث و نا پاک منع مینماید، و علوم و تحقیقات جدید نیز اثرات منفی را که ناشی از غذای خبیث و ناپاک باشد، و برای صحت مضر تمام شود را نیز ثابت نموده است. لذا قرآن کریم چهار ده صد سال قبل

^۱-صحیح مسلم ج، ۸، ص، ۲۱۵، ح، ۲۹۳۲

^۲-سنن ترمذی ج، ۵، ص، ۱۷۵، ح، ۱۲۵۶

به بیان حرمت غذاهای خبیث پرداخته و بنده گان را از خوردن آن منع مینماید، طوریکه در معرفی پیامبرش فرموده است: (وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ)^۱

«و ناپاک هارا براي آنان حرام مي سازد»

بعضی علما میگویند: هر آنچه که حرمت آن ثابت شده باشد خبیث و مضر است چه برای بدن باشد و چه برای دین.^۲

و یا اینکه مقصد از خبائث در آیت خمر، گوشت خوک، اموال ربوی، و سایر آنچه که در اسلام حرام است، میباشند.^۳

و همچنان قرآن عظیم الشان بعضی از خوردنی های خبیث را واضحاً بیان نموده معرفی نموده است، طوریکه فرموده است: (حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذُكِّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ)^۴

«بر شما حرام شده است خوردن حیوان مرده، و خون، و گوشت خوک، و حیوانی که بنام غیر خدا سر بریده شده، و حیوانی که خفه شده، و حیوانی بر اثر وارد شدن ضربه مرده، و حیوانی که بر اثر شاخ زدن حیوانی دیگر مرده، و حیوانی که از بالا پروت شده، و آنچه که درنده از آن خورده باشد مگر اینکه آنها را زنده یافته و سر بریده باشید و حیوانی که برای غیر خدا بر سنگ یا چیز دیگری که برای عبادت غیر خدا نصب میشود ذبح گردد و حرام است که به وسیله تیر های قرعه کشی به پیش گویی بپردازند این امر موجب فسق و بیرون رفتن از دایره ی اطاعت خداست»

و اشیای که در آیت فوق خبیث و حرام معرفی شده اند عبارت اند از:

المیته: یعنی مردار یا حیوان خود مرده که بدون ذبح شرعی بمیرد، و فلسفه حرمت آن از این قرار است:

۱- طبع سلیم آن را نجس پنداشته و از خوردن آن ابا میورزد.

۲- خوردن آن منافی عزت نفس و کرامت انسانی است.

۳- خوردن آن باعث امراض گوناگون میگردد.

۱- سوره الاعراف آیت ۱۵۷

۲- المختصر فی تفسیر القرآن الکریم ج ۲ ص ۵۶

۳- ایسر التفاسیر ج ۲ ص ۲۴۶

۴- سوره المائده آیت ۳

۴- خوردن آن به دین آدمی مضر است همان گونه که به دنیا زیان آور است از این جهت است که الله سبحانه آنرا حرام قرار داده است. اما دو نوع خود مرده از این حکم مستثنی قرار داده شده است که ماهی و ملخ میباشند که خوردن خود مرده آنها کاملاً حلال است.

الدم: (خون)

منظور از خون، خون ریزانده شده و یا مسفوح است که به سبب ذبح از وجود حیوان بیرون میشود، اما جگر و طحال، و همچنین خونیکه بعد از ذبح در گوشت باقی میماند حلال است. پس مراد از «الدم» خونی است که از رگها و شریانها به هنگام ذبح جاری میشود؛ طوریکه در خود قرآن کریم در جای دیگر تصریح نموده فرموده است: (أَوْدَمًا مَسْفُوحًا) " یا خونیکه ریزانده شده باشد" و آن همان خونی است که از رگها و شریانها بیرون میشود، پس سبب حرمت دم مسفوح خونی که از رگهای حیوان ذبح شده بیرون میریزد این است که این نوع خون محل جراثیم بوده، نجس و ناپاک است و خوردن آن موجب فساد اخلاقی انسان میگردد.

گوشت خوک:

این حرمت همه اجزای آن را شامل میگردد. و دلیل حرمت همه اجزای آن در آیه دیگر از قرآن کریم بیان گردیده است: (لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا) «یا گوشت خوک که آن پلید است» (وَمَا أَهْلٌ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ)

«و آنچه که غیر الله بر آن یاد کرده شود»، برابر است که نام غیر الله را بر آن چیز در هنگام ذبح گرفته شود و یا خیر؟ برابر است که غیر الله بتان باشند یا کواکب یا اولیاء و مقربین یا هر کس دیگری جز الله باشد، همانگونه که نام الله موجب طهارت ذبیحه میگردد ذکر نام غیر الله موجب خبث معنوی آن میگردد؛ زیرا که گرفتن نام الله بر اشیاء توحید بوده سبب طهارت آن میگردد، و یاد کردن نام غیر الله بر اشیاء و از جمله بر حیواناتی که ذبح میشوند شرک بوده، و سبب حرمت گوشت آن حیوانات میگردد.

(وَالْمُنْحَنِقَةُ): و به همین ترتیب حیوانی که در اثر بند شدن حلقومش مرده باشد یا به عبارت دیگر خفک شده باشد منخنقة نامیده شده و حرام میباشد.

(والموقوذة):

هرگاه حیوانی توسط چیزی مانند: چوب، سنگ، و یا سنگ ریزه ها مورد ضرب یا زدن قرار گرفته و از بین برود موقوذة گفته میشود خبیث بوده و هر نوع استفاده از آن حرام است.

(وَالْمُتْرَدِيَّةُ) حیوانی است که از بلندی کوه یا مکان بلند بیفتد، و یا در چاه سقوط کرده و از بین برود متردیه نامیده شده و استفاده از آن حرام میباشد.

(وَالنَّطِيحَةُ): و آن حیوانی است که حیوان دیگر او را توسط شاخ زدن از بین برده باشد.

(وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ): حیوانی است که حیوانات درنده دیگر مانند شیر، پلنگ، و گرگ از بدن آنها بخورند یا پرنده گان دیگری که شکار را میخورند از آن بخورند پس چنین حیوانی که به سبب خوردن پرنده گان مرده باشد حلال نیست.

(وَمَا دُبِحَ عَلَى النَّصْبِ): آن حیوانی که بنام بت‌های سنگی که در دیوار کعبه نصب شده بودند ذبح میشد حرام است زیرا که بنام غیر الله ذبح صورت می‌گرفت. پس این است خوردنی‌های خبیث یا حرامی که الله - عز و جل- هر نوع استفاده و خوردن آنها را منع نموده است.^۱

(ذَلِكُمْ فَسْقٌ): اشاره به تمام امور حرامی است که از آن سخن رفت و خداوند به منظور حفاظت بنده گانش آنها را حرام نمود زیرا که این امور موجب فسق و خارج شدن از دایره اطاعت خدا و وارد شدن به اطاعت شیطان میشود.

بر علاوه اشیاى فوق الله -متعال- مشروبات حرام و خبیث را نیز منع قرار داده و بنده گانش را به اجتناب یا دوری نمودن از آنها دستور داده فرموده است: (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ)^۲

«میپرسند ای محمد ترا از شراب و قمار بگو در هر دو گناه بزرگ است»

خمر یا شراب: نوشیدنی است که از عصاره انگور، خرما، و جو ساخته شده که با نوشیدن آن انسان عقل و قوت تمیز خود را از دست میدهد.^۳

وبه عباره دیگر هر مسکری که عقل را مغلوب گرداند شراب نامیده میشود^۴

یعنی ای محمد از تو در مورد شراب نوشیدن و خرید و فروش آن میپرسند بگو در آن گناه بزرگ است؛ زیرا که باعث از بین رفتن عقل شده عداوت و دشمنی را به بار می آورد و هم چنان اضرار و مفساد دینی و دنیوی آن نسبت به آن فایده که از آن حاصل میگردد بیشتر است بنابراین انسانهای عاقل از آن خودداری مینمایند.^۵

و در مورد شراب و حرمت آن قول رسول- صلی الله علیه وسلم - نیز قابل ذکر است طوری

که فرموده است: اجْتَنِبُوا الْخَمْرَ فَإِنَّهَا أُمُّ الْخَبَائِثِ^۶

از نوشیدن شراب پرهیز نمایید زیرا که اساس همه بدی ها است.

۱- معالم التنزیل المؤلف: محیی السنة، أبو محمد الحسین بن مسعود البغوی المتوفی ۵۱۶ هـ محقق: محمد عبد الله النمر - عثمان جمعة ضمیریة - سلیمان مسلم الحرش ناشر: دار طیبة للنشر والتوزیع طبع: الرابعة، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م. ج ۲ ص ۱۰

۲- سوره البقره آیت ۲۱۹

۳- ایسر التفاسیر ج ۱ ص ۲۰۰

۴- تفسیر ازهر البیان ج ۲ ص ۲۲۰

۵- المختصر فی تفسیر القرآن الکریم ج ۱ ص ۳۴

۶- سنن نسائی، باب: ذکر الآثام المتولده عن الشرب کتاب الاشربه ح، ۵۱۵۶ حکم البانی صحیح: سلسله احادیث صحیحه ج ۴ ص ۴۶۹ ح ۱۸۵۴ مکتبة المعارف للنشر وتوضیح الرياض.

و به همین ترتیب آیه دیگر از قرآن عظیم الشان بعد از دستور به استفاده از اشیای طیب متعاقبا به ذکر حرمت این اشیای خبیث پرداخته طوریکه میفرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ* إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنِزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ)^۱

«ای کسانی که ایمان آورده اید از پاکیزه هایکه بشما روزی داده ایم بخورید و شکر خدا را بجا آورید اگر شما فقط او را میپرستید* بیگمان خداوند مردار خون و گوشت خوک و آنچه که در هنگام سر بریدن نام غیر خدا بر آن برده شده باشد حرام کرده است»

در نتیجه این مطلب بطور خلاصه باید گفت که الله-متعال - در قرآن کریم برای خوردنی ها و نوشیدنی ها معیارهای را بیان نموده که چگونه خوردنی ها و نوشیدنی هارا میتوان خبیث دانسته و از استفاده نمودن آن خود داری نمود پس با استدلال بر آیات قرآن کریم پیرامون خوردنی ها و نوشیدنی های خبیث میتوان گفت که خوردنی ها و نوشیدنی های خبیث باعث امراض مختلف در بدن انسانها گردیده و هم چنان زیانها و مشکلات جسمی، روحی، و اخلاقی رابه وجود می آورند پس هر نوع خوردنی و نوشیدنی را که قرآن کریم از آن منع نموده باشد و یا آن را خبیث دانسته باشد حرام بوده و نباید از آن استفاده شود زیرا که استفاده نمودن از خوردنی ها و نوشیدنی های خبیث باعث هلاکت انسان در دنیا و آخرت گردیده، دین و دنیای انسان را نا بود میسازد.

مطلب چهارم: خبیث از نوع اماکن

قسمی که دربخش طیب از نوع اماکن بیان گردید الله -متعال- زمین را بشکل مختلف خلق نموده که بعضی از قسمتهای آن برای کشت و زراعت مساعد بوده اما بعضی از قسمتهای آن برای کشت و زراعت مساعد نیست بناء اماکن حیات هم در آن مشکل و حتی ناممکن است زیرا که نباتات و کشت و زراعت منبع حیات زنده جانها بوده و بدون آن حیات ناممکن است پس بنا بر اهمیتی که نباتات در زنده گی انسانها و حیوانات دارد و باعث بقای حیات آنها میگردد الله-متعال- میفرماید: (وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجْرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ)^۲

«و در زمین باغهای خرما انگور و سایر درختان پدیدار کردیم و چشمه سارانی از آن بیرون آوردیم»

^۱ - سوره البقره آیت ۱۷۲-۱۷۳

^۲ - سوره یونس آیت ۳۴

بنابر این الله -متعال- آن قسمت از مکانهای زمین را که در آن زراعت به آسانی صورت گرفته و امکان حیات هم وجود دارد به عنوان بلد طیب معرفی نموده طوری که میفرماید:

(وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ)¹

«وزمین خوب به فرمان پروردگارش گیاهش میروید»

اما برعکس آنچه که هدف بحث در این مطلب است عبارت است از مکان خبیث میباشد و قرآن عظیم الشان بعضی از مکانها را به عنوان بلد خبیث نام برده طوری که گفته است: **(وَالَّذِي**

خَبِيثٌ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ)²

«وآن زمینی که خوب نیست جز گیاه ناچیز و کم بیرون نمی آورد این چنین آیات را برای قومی که سپاس گذار است بیان میکنیم»

پس مقصد از زمینی که خوب نیست عبارت از زمینی است که شوره زار یا نمکی باشد و امکان کشت و زراعت در آن وجود نداشته باشد، و آن زمینی است که از آن انسانها مستفید نشده و هیچ خیری در آن نهفته نباشد ³

و یا اینکه مکان یا زمین خبیث آن زمین شوره زاری است که حاصل برداری و نفع گرفتن از آن ناممکن است.

نسفی در تفسیر این آیه میگوید: مقصد از (والذی خبیث) عبارت است از مکان یازمین خبیثی است که در آن نباتات نمیرویند مگر به بسیار مشکل.⁴

و همچنان بعضی از اماکن را رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- مکان خبیث گفته که آن عبارت است از بیت الخلاء میباشد زیرا که موجودات خبیث (شیطانها) اکثرا در آنجاها جمع مینمایند بناء رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- جهت رهایی از شر خبائث در هنگام داخل شدن به بیت الخلاء دعاء مینمود و امتش را نیز رهنمایی نموده است، طوری که در حدیث انس رضی الله عنه آمده است که می گوید: **كان النبي -صلی الله علیه وسلم- إذا دخل الخلاء قال اللهم إني أعوذ بك من الخبث والخبائث.⁵**

۱- سوره الاعراف آیت ۵۸

۲- سوره الاعراف آیت ۵۸

۳- المختصر فی تفسیر القرآن الکریم ج ۱ ص ۵۸

۴- تفسیر نسفی ج ۱ ص ۵۷۵

۵- صحیح البخاری باب الدعاء عند الخلاء ح ۵۸۴۷

نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم- در هنگام داخل شدن به بیت الخلاء چنین دعاء میکرد خدا یا از شر شیاطین نر و ماده و یاهر پلیدی و ناپاکی دیگر به تو پناه میبرم.

خلاصه اینکه با استدلال بر آیات قرآن کریم پیرامون اماکن خبیث گفته میتوانیم الله-متعال- آن اماکنی را که امکان کشت و زراعت در آنها میسر نباشد و یا امکان نداشته باشد مکانهای خبیث دانسته میشود، اماکنی که نباتات در آنها نمیروید مگر به بسیار مشکل در حالیکه نباتات مهمترین منبع حیاتی بوده، حیات زنده جانها با آن وابسته میباشد. مخصوصا حیوانات که نباتات مهمترین منبع غذایی آنها میباشد، اما در زنده گی انسانها هر دو حائز اهمیت است. بنا بر آن اماکن خبیث همان اماکنی است که زمینهای آن خشک و نمکی و شوره زار بوده هیچ نوع استفاده از آن صورت گرفته نمیتواند.

مطلب پنجم: خبیث از نوع اقوال

از دیگاه قرآن عظیم الشان کلام خبیث آن کلامی کفری یا کلام ناجایزی است که انسانهای بد آن را به زبان می آورند، والله -متعال- اینگونه کلام های خبیث را به درخت خبیث نموده که اصلا آن را در زمین قرار نمیست بلکه غیر متمر نیز میباشد چنانچه که الله متعال میفرماید:

(وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ)^۱

«وسخن پلید به درخت پلیدی می ماند که از روی زمین کنده شده و او را هیچ قراری نباشد» علامه عبد الرحمن بن ناصر السعدی میگوید: سخن پلید به درخت ناپاکی میماند و طعم و مزه بد دارد و آن درخت هندوانه ابوجهل و امثال آن است. این درخت ناپاک ضمن این که میوه اش طعم و مزه بد دارد از روی زمین برکنده شده و آنرا نیز قراری نباشد یعنی ریشه ندارد که آن را نگهدارد، و میوه خوبی هم ندارد بلکه فقط میوه بد میدهد پس کفر و گناهان نیز متین و استوار نبوده و فایده برای قلب ندارند، فقط سخن و عمل به بار می آورد و صاحبش را معذب میسازد، و کسی که درخت کفر و عصیان در قلبش ریشه روانیده است عمل شایسته اش بسوی خدا بالا نمیرود و به خود او نیز فایده نمیرساند و کسی هم از او بهره مند نمیشود.^۲

صاحب تفسیر المختصر فی تفسیر القرآن الکریم مینویسد: کلمه شرک کلام خبیث است و مانند درخت خبیث حنظل میباشد که در زمین استوار نمیشود بلکه با اندکی باد از زمین کنده

^۱ - سوره ابراهیم آیت ۲۶

^۲ - تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان ج ۲ ص ۳۰۶

میشود. هم چنان کلام یا اقوال کفری نیز مانند درخت حنظل محو وفانی شدنی است که گوینده یا قایلش را بسوی الله بلند نمیرد.^۱

درخت کفر مانند درخت بدی است که اگر چیزی از آن خورده شود طعم آن مشابه به خربوزه تلخ است بناء این درخت به نسبت نداشتن ریشه های مقاوم در زمین استوار و محکم نیست و نه ثمره یا میوه مفید از آن حاصل میشود. مانند آن اگر در قلب کلمه کفر و گناه باشد ثمره یا نتیجه مفید از آن حاصل نمیشود بناء نتیجه گفتار و اقوال خبیث نیست مگر اینکه به گوینده خود زیان رساند نه سودی، پس انجام دادن اعمال صالح همراه با گفتار خبیث یا بد انسان را به الله - عزوجل - نزدیک نمی نماید یا اینکه برای الله - متعال - غیر قابل قبول میباشد.^۲

پس کلمه خبیثه همان کلام شرکی است که باعث گمراهی گوینده، شنونده، و انتقال دهنده خود میگردد، و کلمه خبیثه همان کلمه ای است که در آن هیچ خیر نهفته نبوده مانند همان درخت خبیث که در زمین محکم نبوده بلکه میوه آن مزه تلخ داشته و حتی دیدن آن باعث شادمانی انسان نمیگردد.

مطلب ششم: خبیث از نوع اعمال

یکی از نشانه های فضل و مرحمت الله - متعال - در حق بنده گانش این است که بین طیب و خبیث، خوب و بد فرق گذاشته است، و یا به عبارت دیگر نیک و بد را چه در انسانها باشد و یا اعمال آنها و یا در سایر موجودات مشخص نموده است، حکمت و فائده نهفته در این تفریق این است که روی آوردن به طبیات و عمل نمودن مطابق آنها آن باعث فلاح انسانها گردیده و برعکس روی آوردن به خبائث و عمل کردن مطابق آنها باعث هلاکت انسان میگردد، طوریکه قرآن کریم در مورد لوط - علیه السلام - و عمل خبیث قومش گفته است: (وَلَوْطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغُرَيَّةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوِيًّا فَاسِقِينَ)^۳

«و به لوط حکمت و دانش اعطا کردیم و او را از شهر و دیاری که مردمانش کارهای زشت میکردند رهایی بخشیدیم بیگمان آنان مردمانی گنهگاری بودند»

علامه بن عبد الرحمن بن ناصر السعدی میگوید: در اینجا خداوند پیامبرش لوط را ستایش مینماید که دارای علم شرعی، حکم و داوری درست در میان مردم بود، خداوند او را بسوی قومش فرستاد و آنها را به عبادت پروردگار فرا خواند و از کارهای زشتی که انجام میدادند نهی

۱-المختصر فی تفسیر القرآن الکریم ج ۱ ص ۲۵۹

۲- موسوعة فقه القلوب مؤلف: محمد بن ابراهیم بن عبدالله التویجری، ج ۵ ص ۳۲

۳- سوره الانبیاء آیت ۷۴

نمود و در میان آنها ماند و آنها را دعوت کرد اما دعوتش را نپذیرفتند بنا بر این خداوند سرزمین آنها را زیر و رو کرد، و همه آنان را عذاب داد. زیرا که آنها قوم بد و گنهگار بودند، خبث و بدی شان در این بود که دعوتگر را تکذیب نموده و او را به اخراج از شهر تهدید نمودند، و خداوند لوط علیه السلام و خانواده اش را نجات داد و او را فرمان داد تا به همراه خانواده اش شب هنگام حرکت نماید تا از آبادی دور شوند پس لوط و خانواده اش شب هنگام بیرون رفته نجات پیدا کردند و این از فضل خداوند و منت وی بر آنها بود.^۱

لوط - علیه السلام - دارای علم نافع و قوت استقامت در قضاوت میان مردم بود، و الله-متعال- او را نجات داد از قریه که ساکنین آن عمل بسیار زشت و خبیث (هم جنس بازی) را که در دنیا کسی انجام نداده بود، انجام میدادند.^۲

بنابر آن نتیجه این میشود که هر عمل خبیث را که انسانها مرتکب شوند از نظر الله-متعال- مخفی نمانده بلکه آنها را عذاب میکند، چه در دنیا باشد و چه در آخرت؛ زیرا که انجام اعمال خبیث باعث خشم و غضب الله-متعال- میگردد، چنانچه عذاب الهی بر قوم لوط - علیه السلام- به سبب عمل خبیث که انجام میداند نازل گردید، و الله - متعال - این قوم سرکش بدکاره را به شدیدترین نوع مجازات جزا داد. زیرا که این قوم بدترین مردم بودند، و خبیثترین اعمال را انجام میدادند که در روی زمین کسی انجام نداده بود بناء عمل کرد و سرکشی خودشان باعث شد که عذاب الهی بر آنها نازل شود و همه هلاک و نابود گردند

مطلب هفتم: خبیث از عموم مخلوقات

علاوه بر اینکه در عالم هستی انواع مختلف از اشیایی خبیث وجود دارد و بحث پیرامون آنها طی مطالب مختلف صورت گرفت، در این مطلب بصورت عام میپردازیم به بحث در مورد خبیثترین مخلوقات که عبارت از شیاطین میباشد، شیاطین از خبیثترین مخلوقات در زمین است.

خداوند در آیات مختلف شیاطین را معرفی نموده و بنده گانش را از اطاعت آنها منع نموده است زیرا که شیطان بزرگترین دشمن انسانها بوده و همواره آنها را به کارهای زشت و پلید سوق داده و از اطاعت الله دور نگاه میدارد. قسمی که قرآن -عظیم الشان- در این مورد میفرماید:

^۱ - تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان ص ۵۲۷

^۲ - تفسیر منتخب ص ۴۸۱

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ .
 إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ^۱

«ای مردم از آنچه که در زمین حلال و پاکیزه است بخورید و از گامهای شیطان پیروی نکنید همانا او دشمن آشکار شماست. همانا شیطان شما را به بدی و زشتی فرمان میدهد و اینکه آنچه را که نمیدانید به خدا نسبت دهید»

الله – متعال - در این آیه دستور به خوردن از چیز های حلال داده و از پیروی نمودن شیاطین که خبیث ترین مخلوقات اند منع مینماید یعنی راه هایی را که شیطان به در پیش گرفتن آن امر میکند و آن راه گناهان و کفر و فسق و ستم میباشد زیرا که او دشمن آشکار شما است یعنی دشمنی اش آشکار است، و از فرمان دادن شما هدفی جز فریب دادن و اینک اهل جهنم باشید ندارد، و پروردگار - جل علی شان - فقط به این بسنده نکرد که ما را از پیروی نمودن از گامهای شیاطین نهی کند، بلکه ما را از دشمنی او مطلع نمود تا از وی بپرهیزیم سپس به این اکتفا نکرد و ما را از آنچه شیطان به آن فرمان میدهد مطلع نمود و بیان داشت که آنچه که شیطان به آن فرمان میدهد زشت ترین و بزرگ ترین فساد را در پی دارد به همین جهت فرمود: همانا شیطان شما را به بدی فرمان میدهد و انجام دهنده آنرا دچار شر و بدی میکند و همه گناهان در این داخل است.

مقصد از آیت این است که گامها و وسوس شیطان را متابعت نکنید زیرا که شما را دستور به ترک اعمال حسنه یا پسندیده داده و به انجام اعمال زشت امر مینماید. پس مقصد از شیاطین در اینجا شیاطین انسی است که دشمنی، خباثت و قباحت شان شدید تر از شیاطین جنی است. چنانچه که آیه {سوره الأعراف} نیز به بیان این مطلب اشاره نموده است.^۲

و به همین ترتیب الله – متعال - در آیه دیگری نیز این مخلوقات خبیث را بیان داشته است طوری که میفرماید: (الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ)^۳

«شیطان شما را در هنگام انفاق میترساند و وعده تهی دستی میدهد ولی خداوند به شما وعده ارزش خویش و فزونی نعمت میدهد، و خداوند فضل و مرحمتش وسیع و از همه چیز آگاه است»

۱- سوره البقره آیت ۱۶۸-۱۶۹

۲- اوضح التفاسیر ج ۱ ص ۳۰

۳- سوره البقره آیت ۲۶۸

مقصد از «فحشاء» گناهی که قبح وزشتی آن زیاد باشد از قبیل: زنا، قتل، ندادن زکات، ترک نماز، بخل... و غیره^۱

و یا اینکه شیطان به فقر بیم میدهد تا در راه خدا انفاق نکنید و به ناشایستی و گناهان و هزینه نمودن اموال در راه آنها و بخل ورزیدن از انفاق در راه های خیر فرمان میدهد اعراب به بخل فاحش میگویند از بس که بخل در نزد آنان زشت و ناپسند است ولی خداوند از جانب خود به شما وعده مغفرت و مغفرت: پوشاندن گناهان بنده گان در دنیا و آخرت است و فضل و بخشش را وعده میدهد و فضل وی آن است که بهتر از آنچه را که انفاق کرده اند به آنان عوض دهد و در روزیشان گشایش و فراخی پدید آورد در آخرت هم به آنان بهتر و برتر بیشتر و زیباتر از آنچه که انفاق کرده اند ارزانی نماید و خداوند واسع است در فضل و رحمت خویش دانا است به آنچه که انفاق میکنید پس شما را در برابر آن پاداش مناسب عطا می نماید.^۲

مبحث دوم: اسلوب قرآن کریم در تحذیر از خبیث

طوری که قرآن کریم روی آوردن به طیب را به شیوه و اسالیب مختلف بیان نموده است خود داری نمودن و دوری از خبیث را نیز به اسالیب و شیوه های مختلف بیان نموده که عبارت اند از:

مطلب اول: اسلوب امر

الله -متعال- در قرآن کریم بنده گانش را امر مینماید تا اینکه از خبائث اجتناب و دوری نمایند:
(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)^۳

«ای کسانی که ایمان آورده اید همانا شراب قمار و بت ها و تیر های فالگیری پلید اند و از کار شیطان میباشند پس از آن بپرهیزید تا رستگار شوید»

(فَاجْتَنِبُوهُ) یعنی از خبائث دوری و اجتناب کنید، و از هر نوع استفاده نمودن از آن دست بردار باشید؛ زیرا که الله - متعال - امر میکند به اینکه از تمام خبائث اجتناب و دوری نماید.^۴

^۱ - تفسیر نور ص ۱۵۸

^۲ - تفسیر انوار القرآن نویسنده عبد الرؤف مخلص هروی ص ۲۶۲

^۳ - سوره المائده آیت ۹۰

^۴ - تفسیر قرطبی ص ۱۷۹۷

شیخ ابوبکر جزایری در تفسیر آیت منویسد: (فَاجْتَنِبُوهُ): آنها (شراب قمار و بت ها و تیر های فالگیری) را ترک کنید، به آنها نزدیک نشوید و خود را از آنها دور نگهدارید.^۱

و هم چنان مقصد از (فَاجْتَنِبُوهُ) یعنی ترک کنید آن خبائث را زیرا که انسان فلاح و رستگار نمیشود مگر با ترک آن خبائث و فواحش.^۲

شیخ عبد الکریم میگوید: این از فضل و مرحمت خداوند متعال است که فرستاد پیغمبرش را مژده دهنده و ترساننده برای مردم تا اصلاح بسازند اعمال خراب شان را و تصحیح کنند آن اعمال بدی را که انجام میدادند. به همین سبب است که الله - عزوجل - میفرماید (فَاجْتَنِبُوهُ) یعنی ترک کنید آن خبائث را. و این پاسخ است برای کشف حقائق شراب قمار، بت ها و تیرهای فالگیری با اینکه همه نجس و از اعمال شیاطین میباشند پس امر در اینجا به سبب اجتناب و خود داری از این منکرات است.^۳

مطلب دوم: اسلوب نهی

قرآن عظیم الشان با بکار گیری از این اسلوب مردم را از هر نوع استفاده از اشیای خبیث بر حذر داشته فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ)^۴

«ای کسانی که ایمان آورده اید از قسمت های پاکیزه اموالی که از طریق تجارت بدست آورده اید و از آنچه از زمین برای شما بیرون آورده ایم از قبیل منابع و معادن زیر زمینی ببخشید و به دنبال چیز های ناپاک نروید تا از آن ببخشید در حالیکه خود شما حاضر نیستید آن چیز های پلید را در یافت کنید مگر با اغماض و چشم پوشی در آن وبدانید که خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است.»

«لا» در «وَلَا تَيَمَّمُوا» ناهیه است «تیمموا» فعل مضارع مجزوم به حذف نون «واو» فاعل آن میباشد.^۵

۱- ایسر التفاسیر ج ۱ ص ۳۷۴

۲- تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام الرحمن ۲۴۳

۳- عبد الکریم: عبد الکریم یونس الخطیب (المتوفی: بعد ۱۳۹۰هـ) التفسیر القرآنی للقرآن ج ۴ ص ۲۰ ناشر: دار الفكر العربي - القاهرة.

۴- سوره البقره آیت ۲۶۷

۵- اعراب القرآن ج ۱ ص ۱۱۴

یعنی شما قصد و اختیار نکنید اموال خبیث تان را که مراد از آن چیز های بی ارزش و به درد نخور است.^۱

یعنی الله -متعال- بنده گانش را تنبیه میکند که بپرهیزید و برحذر باشید از خواهشات نفسانی که بر شما غلبه میکند تا برای ادای نفقه اختیار نکنید مگر اموال خبیث تان را.^۲
و به همین ترتیب قرآن کریم بعضی از اعمال خبیث دیگری را نیز بیان نموده و انسانها را از ارتکاب یا عملکرد به آنها نهی مینماید، طوریکه فرموده است: (قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا)

«بگو بیاید آنچه را که خدا بر شما حرام کرده برای تان بخوانم اینکه چیزی را شریک او قرار ند دهید و با پدر و مادر نیکی کنید»

«أَلَّا تُشْرِكُوا» «لا» ناهیه است تشرکوا فعل مضارع مجزوم به آن میباشد.

(وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ)

«و فرزندان تان را از ترس فقر نکشید ما شما و ایشان را روزی مید هیم»

«وَلَا تَقْتُلُوا»، «لا» ناهیه است و تقتلوا نیز فعل مضارع مجزوم به آن میباشد.

(وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ)

«و به گناهان کبیره نزدیک نشوید خواه آشکار باشد خواه پنهان»

وَلَا تَقْرَبُوا، «لا» ناهیه بوده تقربوا فعل مضارع مجزوم به آن است.

(وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ)

«و انسانی را نکشید که خداوند کشتن وی را حرام نموده است مگر به حق»

وَلَا تَقْتُلُوا «لا» ناهیه است تقتلوا فعل مضارع مجزوم است

(ذَلِكَ وَمَا كَانَ لَكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ)^۳

«این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش مینماید باشد که بیندیشید»^۴

۱-تفسیر نور ص ۱۵۸

۲- التفسیر القرآنی للقرآن ج ۲ ص ۳۴۲

۳- سوره الانعام آیت ۱۵۱

۴- إعراب القرآن وبیانه المؤلف محبی الدین بن أحمد مصطفى درویش ناشر: دار الإرشاد للشئون الجامعية - حمص - سورية، (دار الیمامة - دمشق - بیروت)، (دار ابن کثیر - دمشق - بیروت) طبع: الرابعة، ۱۴۱۵ هـ عدد المجلدات ۱۰: ج ۳ ص ۲۶۸

مطلب سوم: اسلوب نفی

قسمیکه الله - متعال - با اسلوب نفی اشیای طیب را از خبیث جدا نموده هم چنان با همان اسلوب اشیای خبیث را نیز از طیب نفی نموده و آن را جدا دانسته است.

(قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ)^۱

«ای پیامبر به مردم بگو ناپاک و پاک و حلال و حرام مساوی نیستند هرچند که فراوانی ناپاک و حرام ترا در شگفت اندازد»

یعنی ای محمد بگو برای مردم که یکسان و برابر نیست میان آنچه که خبیث باشد از قبیل انسانها مانند: کافرین، گنهکاران، مبتدعین، و مال (مالهای حرام ولو که زیاد هم باشند) با آنچه که طیب باشند.

صاحب المختصر فی تفسیر القرآن در مورد این آیت مینگارد: ای محمد به مردم بگو که برابر نیست اشیای خبیث با طیب ولو که خبیث زیاد و کثیر باشد زیرا که کثرت آن دلالت بر پاک و طیب بودن آن نمیکند، و شما کسانی که صاحب عقل و خرد هستید بترسید از خداوند و اجتناب نمائید از خبیث تا باشد که کامیابی آخرت را که همانا نایل شدن به جنت است حاصل نماید.^۲

مطلب چهارم: اسلوب ضرب المثل

الله متعال در قرآن کریم همانطوریکه اسلوب رسا و مؤثر ضرب المثل را در توضیح کلمه طیبه بکار برده بود، هم چنان از همین اسلوب در توضیح کلمه خبیثه کار گرفته فرموده است: (وَمَثَلُ

كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ)^۳

« و سخن پلید به درخت پلید میماند که از روی زمین کنده شده و آنرا هیچ قراری نباشد»

در این مثال برای کلمه خبیثه سه وصف بیان شده است:

وصف اول: خبیثه یعنی اصل و فرعش ناپاک، شکل و منظرش ناپاک، میوه آن ناپاک، طعم و مزه و بوی آن ناپاک، مکان و اثرش همه ناپاک است.

وصف دوم: اجتننت برکنده شده یعنی هیچ اصل و ثبات ندارد، از زمین بر کندهش سهل است به وسایل ضرورت ندارد؛ زیرا نه تنه استوار دارد و نه ریشه راسخ.

۱- سوره المائده آیت ۱۰۰

۲- ج ۱ ص ۱۲۴

۳- سوره ابراهیم آیت ۲۴-۲۶

وصف سوم: ما لها من قرار ثبات ندارد، یعنی حادثه وتند باد اندکی او را از بیخ وبر میکند پس شرک در نا پایداری اش همانند جره خبیثه ناپایدار است، وشرکان نیز همانند شجره خبیثه بر یک عقیده ثابت وپا بر جا نیستند، در برابر اندک حادثه اعتمادش از معبود باطلش دور میشود و دست به دامن معبود دیگری میزند.^۱

و یا اینکه خداوند-متعال- مثال میدهد درخت خبیث را به کافر یعنی همان گونه که درخت خبیث در زمین استوار نبوده به آسانی کنده میشود، پس از کافر هم چنان اعمالش نزد الله قبول نمیشود؛ زیرا که اساس آن نه در زمین پذیرفتنی است و نه در آسمان، بناء اعمال کافر در دنیا و آخرت من حیث عمل صالح پذیرفته نمیشود.^۲

مطلب پنجم: اسلوب ذم

الذَّمُّ نَقِيضُ الْمَدْحِ «ذم در لغت به معنی ضد مدح است»^۳

بنا بر این اسلوب قرآن کریم اشیای خبیث را مورد مذمت قرار داده است تا انسانها از استفاده آنها خود داری نمایند، طوری که فرموده است: **(وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ)**؛ «و نا پاک ها را برای آنان حرام میسازد»

یعنی خداوند -متعال- خوردنی ها نوشیدنی ها و ازدواجها و گفتار ها و کردار های ناپاک را بر آنان حرام میگرداند.^۴

و یا اینکه مقصد از خبائث در اینجا خون، گوشت خوک، اموال ربوی (سود) ورشوت و غیره میباشد.^۵

مطلب ششم: اسلوب استفهام

طوری که قرآن کریم در مورد اشیای طیب سوال نموده تا انسانها متوجه آنها گردند و برای ایشان واضح تر بیان گردد و به آنها بنگرند، همانگونه اشیای خبیث را نیز باهم مقایسه نموده و از آن سوال میکند تا باشد که مردم به شناخت دقیق تر آنها نیز پی ببرند.

۱- تفسیر ازهر البیان ص ۷۵۹ ج، ۴

۲- الدرر المنتور ج ۵ ص ۲۰

۳- لسان العرب ص ۲۲۰

۴- سوره الأعراف آیت ۱۵۷

۵- تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر الکلام المنان ج ۱ ص ۹۳۸

۶- ارشاد عقل سلیم إلى مزایا الكتاب الکریم ج ۳ ص ۲۷۹

چنانچه که الله متعال میفرماید: (أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ)^۱.

«آیا نمیدانی که خداوند چگونه مثال میزند که سخن خوب و زیبا به درخت پاک و زیبایی میماند که ریشه اش استوار و شاخه در آسمان است»

تفسیر این آیه در بخش اسلوب استفهام در ترغیب به طیب گذشت.

(تَوْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ)^۲.

«به حکم پروردگارش در هر وقت میوه خود را میدهد و خداوند این مثالها را برای مردم بیان میدارد تا پند پذیرند»

اما آنچه قابل بحث در این مطلب است همان استفهام در مورد عکس کلمه طیبه که آن عبارت از کلمه خبیثه است میباشد. (وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ)^۳

«وسخن پلید به درخت پلید میماند که از روی زمین کنده شده و آنرا هیچ قراری نباشد»

یعنی مقصد آیت بنابر اسلوب استفهام طوری است که خداوند-متعال-همان گونه که در مورد کلمه طیبه سوال نموده که مگر نمیبینی؟ که کلمه طیبه مانند درخت طیبه است بناء این استفهام ضد کلمه طیبه را که کلمه خبیثه یعنی کلمه کفر و فرع آن است نیز در بر دارد یعنی سخن پلید نیز به درخت ناپاکی میماند که طعم و مزه بد دارد. زیرا که این کلمه خبیثه عطف است به کلمه طیبه.

مطلب هفتم: اسلوب وعد

طوری که الله-متعال- در برابر طیبات وعده بهشت و رستگاری را داده است برای خبائث نیز وعده دوزخ و بد بختی را داده است.

(نَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُخْشَرُونَ)^۴

۱- سوره ابراهیم آیت ۲۴

۲- سوره ابراهیم آیت ۲۵

۳- سوره ابراهیم آیت ۲۶

۴- سوره الأنفال آیت ۳۶

«کافران اموال خود را خرج میکنند تا مردمان را از راه خدا و ایمان به الله باز دارند آنان اموال شانرا خرچ خواهند کرد اما بعدا مایه حسرت و ندامت شان خواهد گشت و شکست هم خواهند خورد، بیگمان کافران همه گی بسوی دوزخ رانده میگردند و در آن گرد آورده میشوند.»

خداوند - سبحان - کسانی را که مالهای خود را جهت جلوگیری مردم از راه خدا مصرف میکنند تهدید نموده و بیم میدهد به اینکه کار شان مایه حسرت و ندامت خود شان میگردد آنان اموال و دارای خود را مصرف میکنند تا در پایان هدر رود و ضایع شود و در این دنیا آنان شکست بخورند و حق پیروز شود و در آخرت هم در دوزخ گرد آورده خواهند شد. و این شکست در دنیا عذاب و در آخرت همه به خاطر آن است که.

(لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ)^۱

«تا خداوند ناپاک را از پاک معلوم بدارد و بر خی از ناپاکان را بر برخی بیافزاید آنگاه همه ایشان را روی هم انباشته کند و آنگاه بدوزخ بیاندازد اینان اند که زیانکارانند»^۲

از این آیت مسائل ذیل نیز استنباط میگردد اینکه.

۱- هر آنچه را که کافران برای باز داشتن مردم از راه خدا مصرف میکنند جز ندامت و پشیمانی چیزی را در قبال نخواهد داشت.

۲- تمام کافران خبیث اند و مومنان طیب.

۳- این وعده الله - متعال - است برای پیغمبرش و سایر مومنان بر اینکه مشرکین مغلوب و شکست خورده اند، و به آنچه که برای جنگ و محاربه برای باز داشتن مردم از راه الله مصرف میکنند جز نا میدی و پشیمانی و زیان چیزی را برای شان به همراه نخواهد داشت.^۳

مطلب هشتم: اسلوب و عید

و عید از کلمه و عد گرفته شده و وعده کلمه است که برای خیر و شر استعمال میگردد اما و عید کلمه است فقط برای شر استعمال میگردد.^۴

۱- سوره الأنفال آیت ۳۷

۲- ترجمه فارسی فی ظلال القرآن مولف سید قطب، ج ۳، ص ۳۰۱

۳- أیسر التفاسیر ج ۲ ص ۴۱

۴- مقایس اللغة ج ۶ ص ۹۵

بناء طوری که در الفاظ مرادف و شبیه خبیث بیان گردید نجس از واژه های است که مرادف واژه خبیث میباشد، و قرآن عظیم الشان مشرکین را نجس خطاب نموده پس الله-متعال- برای این ناپاکان (مشرکین) وعید سخت را بیان نموده طوری که میفرماید:

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاستَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ﴾^۱

«بگو من فقط و فقط مثل شما هستملا و به من وحی میشود که خداوند گار شما خداوند یگانه ای بیش نمیباشدلا پس راست بسوی او رو کنید و روید و پندار گفتار و کردار در مسیر رضای وی باشدلا و از او آمرزش بخواهید وای به حال مشرکان»

الله-سبحانه و تعالی- در این آیه حالت مشرکین را به کلمه «ویل» بیان میکند یعنی وای بر حال شان.

مقصد از کلمه «ویل» کلمه است که برای بیان وقوع ابتلا و مصیبت بکار میرود. (وَيْلٌ لَّكَ، وَوَيْلٌ عَلَيْكَ) وای بر تو، و وای بر تو^۲.

صاحب تفسیر مختصر مینویسد: بگو ای محمد به آن دشمنان الله اینکه من بشر هستم و برایم وحی میشود و الله واحد و لا شریک و یگانه است، پس شما اختیار کنید راهی را که بسوی او یعنی الله منتهی میشود، و از گناهان تان توبه نمایید، و هلاکت و عذاب باد برحال آن مشرکینی که به الله شریک قرار میدهند و غیر الله را عبادت میکنند^۳.

و آنچه که آیت به آن رهنمائی مینماید این است که اسالیب قرآن در معرفی خبیث شامل اسلوب ترغیب (تشویق) و ترهیب (تذییر) میباشد که آن عبارت است از مزده دادن و ترساندن است. پس الله-سبحانه و تعالی- بنابر اسلوب وعید میفرماید: (وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ) یعنی عذاب شدید باد برحال آن مشرکینی که با الهه های باطله شان به الله شریک قرار میدهند که سخت باعث غضب الله -متعال- میگردد.^۴

۱- سوره فصلت آیت ۶

۲- مفاتیح الغیب تفسیر کبیر ج ۳۱ ص ۸۲

۳- ج ۱ ص ۴۴۷

۴- أیسر التفاسیر ج ۴ ص ۵۶۱

مبحث سوم: آثار مرتب بر روی آوردن به خبیث

طوری که در فصل گذشته آثار مرتب بر روی آوردن به طیب بیان گردید در این مبحث آثار مرتب بر روی آوردن به خبائث همچنان میتوان بیان داشت که این آثار را نیز میتوان به دو مطلب تقسیم نمود

مطلب اول: آثار دنیوی بر روی آوردن به خبیث

این آثار عبارت اند از:

۱- روی آوردن به خبیث باعث هلاکت و بربادی انسان میگردد.

الله -متعال- اشیای خبیث را بیان نمود و هر نوع استفاده از آن را منع نمود و آثار مرتب بر آن را با ذکر پیامد های ناگوار آن در دنیا که همانا نازل شدن عذاب الهی بوده و در آخرت باعث داخل شدن به جهنم میگردد بیان نموده است. چنانچه که خداوند -متعال- در مورد عمل خبیث قوم لوط -علیه السلام- و اینکه بالآخره به چه سرنوشتی مبتلا شدند میفرماید: (وَلَوْطًا أَتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَاقِطِينَ)^۱

«وبه لوط حکمت و دانش اعطا کردیم و او را از شهر و دیاری که مردمانش کارهای زشت میکردند رهایی بخشیدیم بیگمان آنان مردمانی گنهگاری بودند»

تفسیر این آیت در بخش خبیث از نوع اعمال بیان گردید. اما آنچه در این مطلب مورد بحث است آثار مرتب بر آن اعمال خبیثی میباشد که این قوم فاسق انجام میدادند، و خداوند -متعال- آنها را به سرنوشت هلاکت بار مواجه نمود که در این مورد آیات دیگری از قرآن کریم به بیان کیفیت هلاکت قوم لوط -علیه السلام- پرداخته. چنانچه هنگامیکه شب فرا رسید طبق دستور فرشته گان لوط -علیه السلام- همراه با اهلش در قسمتی از شب شهر را ترک نموده و رهسپار سر زمین شام (عموریه) شدند و با فرا رسیدن صبح لحظات هلاکت و عذاب آنها نیز فرا رسید. الله -سبحانه- سه نوع عقوبتی شدید را بر آنها فرود آورد:

(فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ مُشْرِقِينَ)^۲ «پس آواز هولناک هنگام طلوع آفتاب آنها را فرا گرفت»

(فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا)^۳ «پس ما این شهرها را سرا زیر کردیم»

(وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ)^۴ «وبارانی از سنگ گلی بر آنها بارانیدیم»^۴

۱- سوره الانبیا آیت ۷۴

۲- سوره حجر آیت ۷۳

۳- سوره حجر آیت ۷۴

۴- تفسیر ازهر البیان ج ۵ ص ۳۵

الله-متعال- این قوم سرکش را که به خبیث ترین عمل چون لواطت روی آورده بودند و دعوت لوط -علیه السلام- را هم نپذیرفتند به سرنوشت سخت مبتلا نمود و آن آواز هولناک بود که در هنگام صبح وهم چنان زیر وزبر نمودن همان سر زمین و باران از سنگ بود که این قوم سرکش به آن هلاک گردیدند^۱

بناء عبرتی که از این داستان آموخته میشود و آثاری که بر روی آوردن به خبیث مرتب میشود این است که خداوند وقتی بخواهد شهری را هلاک و نابود نماید شر و گردن کشی ساکنانش را زیاد میگرداند، و چون آنها به نهایت شرارت و طغیان برسند عذابی را که سزاوار آن میباشند بر آنها میفرستد.

۲- تقوی و دوری از خبائث سبب فلاح انسان میگردد.

هرگاه بنده گان الله -عزوجل- پرهیز گاری نمایند و خود را از آغوشته شدن به آنچه که الله- سبحانه و تعالی- منع نموده نگهدارند این جاست که بنده تقوی پیشه کرده و این تقوی سبب فلاح و رستگاری وی میگردد طوری که الله-متعال- در مورد از خبائث و پرهیز نمودن از آنها میفرماید:

(قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)^۲

«بگو ناپاک و پاک برابر نیستند گرچه زیادی ناپاک ترا به شگفتی بیاندارد پس ای خرد مندان از خدا بترسید که رستگار شوید»

(قُلْ) مردم را از بدی بر حذر و بر انجام اعمال نیک تشویق کن و به آنان بگو: (لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ) هیچ ناپاک و پاکی برابر نیست پس ایمان و کفر و طاعت و نافرمانی برابر نیستند و اعمال زشت و کارهای پاک و مال حلال و حرام باهم برابر نیستند (وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ) گرچه زیادی ناپاک ترا شگفت زده کند زیرا ناپاک هرچند زیاد باشد به صاحب خود فائده ای نمی دهد بلکه او را دردین و دنیایش دچار زیان میکند (فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) پس ای خردمنان از خدا بترسید تا رستگار شوید خداوند صاحبان خرد و اندیشه کامل را مورد خطاب قرار داده است چرا که آنها مورد اهتمام هستند و امید خیر و خوبی از آنها میرود سپس خداوند -متعال- خبر داد که رستگاری مبتنی بر پرهیزگاری است و پرهیز گاری به معنی موافقت و همراهی با امر و نهی خدا است پس هرکس از او بترسد و پرهیز گاری را پیشه نماید

۱- تفسیر ابن کثیر ج ۵ ص ۳۵

۲- سوره المائده آیت ۱۰۰

کاملاً به رستگاری دست میابد و هرکس تقوی الهی را ترک نماید دچار زیان میشود و فایده و سود فراوانی را از دست میدهد. طوری در آیت دیگر از کلام الله اجتناب و دوری از خبائث هم چنان سبب فلاح و رستگاری دانسته:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)^۲

«ای کسانی که ایمان آورده اید همانا شراب قمار و بت ها و تیر های فالگیری پلید اند و از کار شیطان میباشند پس از آن بپرهیزید تا رستگار شوید»

مطلب دوم: آثار اخروی بر روی آوردن به خبیث

۱- روی آوردن به خبیث سبب داخل شدن به جهنم میگردد.

این یکی از نشانه های فضل و مرحمت الله - متعال - است که هر نوع خبیث را برای بنده گانش با اسالیب مختلف بیان نموده، و آثار مرتب بر آن را نیز بیان داشته است تا بندگان از روی آوردن به هر نوع خبیث باز بایستند؛ زیرا علاوه اینکه روی آوردن به خبیث پیامد و آثار ناگوار دنیوی داشته، پیامد و آثار ناگوار اخروی را نیز در پی دارد که بدترین اثر آن آثار آن همانا داخل شدن در جهنم است طوری که الله متعال میفرماید: (لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ)^۳

« تا خداوند ناپاک را از پاک معلوم بدارد و بر خی از ناپاکان را بر برخی بیافزاید آنگاه همه ایشان را روی هم انباشته کند و آنگاه بدوزخ بیاندازد اینان اند که زیانکارانند»

صاحب المختصر فی تفسیر القرآن کریم مینویسد: مقصد از خبیث در این قول خداوند همان کافرانی اند که در دنیا اعمال خبیث و زشت را انجام میدهند یعنی مالهای شان را بخاطر بستن راه الله مصرف مینمایند، در آخرت به آتش جهنم انداخته میشوند و خداوند - متعال - جدا نماید این گروه کفار خبیث را از مومن طیب تا خداوند - متعال - این گروه های خبیث و ستمگار را که اعمال خبیث را در دنیا انجام میدادند و پولهای شان را که بخاطر بستن راه الله - متعال - مصرف

۱ - تیسیر الکریم الرحمن ج ۱ ص ۷۰۳

۲ - سوره المائده آیت ۹۰

۳ - سوره الأنفال آیت ۳۷

میکردند باهم یکجا نموده و به آتش دوزخ بیندازد پس این گروه زیانکاران اند؛ زیرا که زیان نموده اند خود شان و همچنان پیروان شان در روز جزا^۱.

تفسیرمنتخب نیز در مورد این آیه مینویسد: خداوند -متعال- آنانی را که مرتکب خبائث میشدند مانند اعمال خبیث و اقوال خبیث از آنانی که مرتکب طیبات میشدند چون اعمال و اقوال طیب از هم جدا میسازد زیرا که عاقبت خبیث شکست در دنیا و آتش جهنم در آخرت است، یعنی الله -متعال- این مشرکین و مفسدین و زیانکاران را که همه در دنیا خبیث بودند در آخرت باهم یکجا کرده و به آتش جهنم می افکند.^۲

بنابر این هر آن عمل خبیث را که انسان در دنیا انجام میدهد به سرنوشت ناگوار و عاقبت بد اعمال خود در آخرت روبرو میشود که در آن روز جز حسرت و پشیمانی چیزی دیگری را همراه نخواهد داشت.

^۱ ج ۱ ص ۱۸۱
^۲ ص ۲۴۸

نتیجه گیری

در پایان این رساله آنچه را که به عنوان نتایج بدست آمده از آن بطور فشرده میتوان متذکر شد، امور ذیل اند:

۱- قرآن عظیم الشان کتابی است که میتوان آن را به عنوان قانون اساسی مسلمانها تلقی نمود؛ زیرا که هیچ جنبه حیات بشری از آن مستثنی نگردیده است، بلکه در مورد تمام ابعاد حیات انسانها دستورات و احکام را بیان نموده است که از جمله آنها هم یکی دستوراتی در مورد اشیای طیب و خبیث است.

۲- طیب و خبیث دو پدیده مهمی اند که الله - متعال - در قرآن کریم نحوه استفاده از طیبیات و اجتناب از خبائث را بیان نموده است.

۳- در قرآن کریم طیب به آنچه گفته میشود که حلال و پاک باشد، و برعکس خبیث آنچه را گویند که حرام و پلید باشد.

۴- خداوند-متعال- در قرآن کریم اشیای طیبی مانند: طعام، مردم، اقوال، اعمال، اموال، اماکن، خاک را بیان نموده درحالیکه اشیای خبیثی چون: مردم، طعام، اقوال، اعمال، اماکن و غیره را نیز بیان نموده تا باشد که انسانها به معرفت هرچه کامل تر آنها و بیشتر آنها پی ببرند.

۵- قرآن کریم اشیای طیب را به اسالیب مختلفی مانند: امر، نهی، نفی، مدح، استفهام، وعد، و ضرب المثل بیان نموده است.

۶- همچنان قرآن کریم در بیان اشیای خبیث نیز اسالیبی: چون امر، نهی، نفی، استفهام، ذم، وعد، وعید و ضرب المثل دارد.

۶- خداوند-متعال- در قرآن کریم آثار و حکمتهای استفاده از اشیای طیب را بیان نموده زیرا که روی آوردن به اشیای طیب باعث فلاح، رستگاری، عزت، و برکت انسانها در دنیا گردیده و هم چنان سبب داخل شدن بهشت در آخرت میگردد.

۷- و هم چنان قرآن عظیم الشان از بیان آثار و پیامد های اشیای خبیث نیز فرو گذاشت نموده بلکه آنها را واضحا بیان نموده؛ زیرا که روی آوردن به اشیای خبیث باعث ذلت، و خواری انسانها در دنیا گردیده، و در آخرت نیز سبب داخل شدن به جهنم میگردد.

۸- هم چنان نباید فراموش کرد که پیامبر گرامی ما محمد- صلی الله علیه وسلم - نیز در بیان اشای طیب و خبیث ارشادات یا رهنمائی های دارد که از خلال استدلال به احادیث ایشان – صلی الله علیه وسلم- ثابت گردیده است.

پشنهادات

- ۱- طوريكه هويدا است طيب و خبيث از ديد گاه قرآن كريم دو پديده مهم اند بناء بهتر است كه علماء در اين مورد جهت آگاهي دهی مردم تحقيقات و تأليفات نمايند.
- ۲- تنها تأليفات و ارائه نظريات در اين مورد بسنده نبوده بلكه بايد جوانب عملي نيز جدا مراعات گردد.
- ۳- هم چنان علماء دين و دعوت گران بايد از طريق مساجد، حلقات درسي، ودائر نمودن سيمينارها مردم را در مورد اين دو پديده مهم آگاهي دهند.
- ۴- در نهايت بايد افزود اينكه نهاد های مسؤول در قسمت وارد نمودن اشياء و بخصوص مواد خوردني در کشورهاي اسلامي توجه و اهتمام زيادي را در مورد طيب و خبيث بودن آنها نمايند.

فهرست آیات قرآن کریم

شماره	جزء آیت	سوره	آیه	صفحه
۱	﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ﴾	البقره	۲۱۹	۱۳
۲	﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾	البقره	۲۵	۲۱
۳	﴿قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ﴾	البقره	۶۱	۲۳
۴	﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ﴾	البقره	۲۲۱	۳۱
۵	﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا﴾	البقره	۱۶۸	۳۲
۶	﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ﴾	البقره	۲۷۵	۳۴
۷	﴿وَلَا تَيْمَمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ﴾	البقره	۲۶۷	۶۱
۸	﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي﴾	البقره	۲۷۵	۶۳
۹	﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ﴾	البقره	۲۱۹	۶۷
۱۰	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾	البقره	۱۷۲-۱۷۳	۶۸
۱۱	﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا﴾	البقره	-۱۶۸ ۱۶۹	۷۳
۱۲	﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ﴾	البقره	۳۶۸	۷۳
۱۳	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ﴾	البقره	۲۶۷	۷۵
۱۴	﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيُذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ﴾	آل عمران	۱۷۹	۲۸-۱۷-۱۱-۹
۱۵	﴿هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ﴾	آل عمران	۳۸	۳۰
۱۶	﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيُذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ﴾	آل عمران	۱۷۹	۵۸
۱۷	﴿وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ﴾	آل عمران	۱۴	۲۲
۱۸	﴿وَلَا تَتَّبِعُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ﴾	النساء	۲	۴۴-۱۶-۷
۱۹	﴿إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ﴾	النساء	۱۷	۲۵
۲۰	﴿فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَتْنَىٰ وَثَلَاثَ﴾	النساء	۳	۳۰

٣٧-٣٦	٤	النساء	﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً﴾	٢١
٥٢	٤٣	النساء	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ﴾	٢٢
٥٣	٨٦	النساء	﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا﴾	٢٣
٦٠	٢	النساء	﴿وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ﴾	٢٤
٦١	١٠	النساء	﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ﴾	٢٥
١٤	٩٠	المائدة	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ﴾	٢٦
١٧	٤	المائدة	﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ﴾	٢٧
١٩	١٠٠	المائدة	﴿قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ﴾	٢٨
٢٦	٩٠	المائدة	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ﴾	٢٩
٤٣	٨٨	المائدة	﴿وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا﴾	٣٠
٤٥	٨٧	المائدة	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ﴾	٣١
٤٥	١٠٠	المائدة	﴿قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ﴾	٣٢
٤٦	٤	المائدة	﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ﴾	٣٣
٦٥	٣	المائدة	﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ﴾	٣٤
٨٤-٧٤	٩٠	المائدة	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ﴾	٣٥
٨٣-٧٧	١٠٠	المائدة	﴿قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةً﴾	٣٦
٧٦	١٥١	الأنعام	﴿ذَلِكُمْ وَصَّكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾	٣٧
١٢-٩	١٥٧	الاعراف	﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي﴾	٣٨
٧٨-٦٥-١٧	١٥٧	الاعراف	﴿وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ﴾	٣٩
٣٢	٣١	الاعراف	﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾	٤٠
٣٨	٥٨	الاعراف	﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ﴾	٤١
٦٩	٥٨	الاعراف	﴿وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَلِكَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ﴾	٤٢
٢٩	٣٧	الانفال	﴿لِيُمَيِّزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾	٤٣

٣٤	٦٩	الانفال	﴿فَكُلُوا مِمَّا عَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا﴾	٤٤
٣٥	٤١	الانفال	﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا عَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ﴾	٤٥
٣٥	١	الانفال	﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ﴾	٤٦
٧٩	٣٦	الأنفال	﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا﴾	٤٧
٨٠	٣٧	الأنفال	﴿لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ﴾	٤٨
٨٤	٣٧	الأنفال	﴿لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ﴾	٤٩
٢٢	١٠٣	التوبة	﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ﴾	٥٠
٢٤	٢٨	التوبة	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ﴾	٥١
٣٨	٧٢	التوبة	﴿وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ﴾	٥٢
٤٧	٧٢	التوبة	﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي﴾	٥٣
٤٢	٢٢	يونس	﴿هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ﴾	٥٤
٦٨	٣٤	يونس	﴿وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا﴾	٥٥
١٨	٢٩	الرعد	﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ﴾	٥٦
٢٠	٢٦	ابراهيم	﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ﴾	٥٧
٤٩-٤٦	٢٤	ابراهيم	﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ﴾	٥٨
٧٠	٢٦	ابراهيم	﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ﴾	٥٩
٧٧	٢٦-٢٤	ابراهيم	﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ﴾	٦٠
٧٩	٢٤	ابراهيم	﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ﴾	٦١
٧٩	٢٥	ابراهيم	﴿تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ﴾	٦٢
٧٩	٢٦	ابراهيم	﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ﴾	٦٣
٨٢	٧٣	الحجر	﴿فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ﴾	٦٤
٨٢	٧٤	الحجر	﴿وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ﴾	٦٥
٤١-١٢	٩٧	النحل	﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ﴾	٦٦

٤٣	٩٠	النحل	﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ﴾	٦٧
٥٠	٩٧	النحل	﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ﴾	٦٨
٥٤	٣٢	النحل	﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ﴾	٦٩
٣٣	١٩	الكهف	﴿فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ﴾	٧٠
٤٣-٣٣	٨١	طه	﴿كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا﴾	٧١
١٠-٩	٧٤	الأنبياء	﴿وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ﴾	٧٢
٨٢-٧١	٧٤	الأنبياء	﴿وَلَوْطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ﴾	٧٣
٥١	٢٤	الحج	﴿وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطٍ﴾	٧٤
١	٥١	مومنون	﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا﴾	٧٥
١١	٥١	مومنون	﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾	٧٦
٢٩-١٨	٢٦	النور	﴿وَالطَّيِّبَاتُ لَطَيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ﴾	٧٧
٥٩-٤٨	٢٦	النور	﴿وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ﴾	٧٨
٥٣	٦١	النور	﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً﴾	٧٩
٥٩	١٣	النور	﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةَ﴾	٨٠
٤٩	٤٣	العنكبوت	﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا﴾	٨١
٤٩	٥٨	الروم	﴿وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ﴾	٨٢
٢٩	١٨	السجده	﴿أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ﴾	٨٣
٣٩	١٠	الفاطر	﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا﴾	٨٤
٥٥	٧٣	الزمر	﴿وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا﴾	٨٥
٨١	٦	فصلت	﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ﴾	٨٦
٥٦	٦٧	الزخرف	﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾	٨٧
٣٩	١٢	الصف	﴿وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ﴾	٨٨
٢٤	١	الطلاق	﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ﴾	٨٩

٤٨	٤	قلم	﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾	٩٠
٣٢	٢٤	عبس	﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ﴾	٩١
٦٠	٢٠	الفجر	﴿وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا﴾	٩٢

فهرست احاديث

صفحه	درجه حديث	راوي حديث	طرف حديث
۱۶	صحيح مسلم	أبو هريرة <small>رضي الله عنه</small>	«مَا تَصَدَّقَ أَحَدٌ بِصَدَقَةٍ مِنْ طَيِّبٍ وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ»
۱۹	سنن ابن ماجه	عَبْدُ اللَّهِ بْنِ بُسْرِ <small>رضي الله عنه</small>	«طُوبَى لِمَنْ وَجَدَ فِي صَحِيفَتِهِ اسْتِغْفَارًا كَثِيرًا»
۳۳	صحيح البخارى	رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ <small>رضي الله عنه</small>	«إِنَّا نَلْقَى الْعَدُوَّ عَدَاً وَلَيْسَ مَعَنَا مُدَى»
۳۶	صحيح البخارى	جابر بن عبد الله <small>رضي الله عنه</small>	«قال أعطيت خمسا لم يعطهن أحد قبلي نصرت»
۳۶	صحيح البخارى	جابر بن عبد الله <small>رضي الله عنه</small>	«أحلت لي الغنائم»
۳۸	صحيح البخارى	أبي حميد <small>رضي الله عنه</small>	« من تبوك حتى أشرفنا على المدينة »
۴۰	صحيح البخارى	أبي هريرة <small>رضي الله عنه</small>	« الكلمة الطيبة صدقة»
۴۷	صحيح البخارى		«جنتان من فضة أنيتهما وما فيهما»
۵۱	سنن الترمذى		«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ أَسْلَمَ، وَرَزَقَ كَفَافًا، وَقَنَّعَهُ اللَّهُ بِمَا آتَاهُ»
۵۳	صحيح المسلم	أبي هريرة <small>رضي الله عنه</small>	« لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا»
۵۴	صحيح مسلم		« حَمَادٌ فَذَكَرَ مِنْ طِيبٍ رِيحِهَا وَذَكَرَ الْمِسْكَ »

٦٠	صحيح البخارى	أبى هريرة <small>رضي الله عنه</small>	«يأتي على الناس زمان لا يبالي المرء ما أخذ منه أمن الحلال أم من الحرام»
٦١	صحيح البخارى	أبى هريرة <small>رضي الله عنه</small>	« اجتنبوا السبع الموبقات قالوا يا رسول الله وما هن قال الشرك بالله»
٦٣	صحيح مسلم	جابر بن عبد الله <small>رضي الله عنه</small>	« أَكَلَ الرَّبَّاءِ، وَمُوكَلَّهُ، وَكَاتِبَهُ، وَشَاهِدِيهِ، هُمْ سِوَاءَ هَذَا»
٦٤	صحيح مسلم		« تَمَنُّ الْكَلْبِ خَبِيثٌ وَمَهْرُ الْبَيْعِ خَبِيثٌ وَكَسْبُ الْحَجَّامِ خَبِيثٌ»
٦٤	سنن الترمذى	أبى هريرة <small>رضي الله عنه</small>	« لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّاشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ فِي الْحُكْمِ»
٦٧	سنن نسائى		« اجْتَنِبُوا الْخَمْرَ فَإِنَّهَا أُمُّ الْخَبَائِثِ»
٦٩	صحيح البخارى	انس <small>رضي الله عنه</small>	« إذا دخل الخلاء قال اللهم إني أعوذ بك من الخبث والخبائث»

فهرست اعلام

شماره	اعلام	صفحه
١	شيخ ابو عبد الله عبد الرحمن بن ناصر السعدى الناصرى التميمى	٧
٢	ابو الحسين احمد بن فارس بن زكريا بن حبيب	٨
٣	أبو البقاء أيوب بن موسى حسيني كفوي	٩
٤	محمد عبد الرؤوف بن تاج العارفين ابن علي بن زين العابدين مناوي	٩
٥	أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالراغب الأصفهاني	٩
٦	محمد عبد اللطيف بن خطيب	١٨
٧	محمد بن عبد الله، ابن العربي الاندلسي الاشبيلي المالكي	٢٠
٨	محمد بن محمد بن مصطفى العمادي	20
٩	شيخ محمد على صابوني	٣٥
١٠	حافظ الدين ابو البركات عبد الله بن احمد بن محمود	٤٢
١١	ابو عبد الله محمد بن عمر بن الحسين بن الحسن بن علي. مشهور به فخرالدين رازي	٤٢
١٢	حافظ الدين ابو البركات عبد الله بن احمد بن محمود النسفي	٤٢
١٣	شيخ اكرام الدين بدخشاني	٤٥
١٤	ابو عبد الله شمس الدين محمد بن أبي بكر بن معروف به ابن قيم الجوزي	٥٥
١٥	عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي	٥٨

فهرست منابع

١. قرآن كريم.
٢. ابن الجوزي: جمال الدين ابو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد: زاد المسيرفي علم التفسير محقق: عبد الرزاق المهدي، ناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، طبع: اول - ١٤٢٢ هـ.
٣. ابن الجوزي، جمال الدين ابو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي: نزهة الأعين النواظر، في علم الوجوه والنظائر، تحقيق: محمد عبد الكريم الراضي، بيروت، مؤسسة الرسالة، ط ٢، ١٤٠٥ هـ.
٤. ابن الخطيب، محمد محمد عبد اللطيف بن الخطيب (المتوفى: ١٤٠٢هـ): أوضح التفاسير. الناشر: المطبعة المصرية ومكتبتها الطبعة: السادسة، رمضان ١٣٨٣ هـ - فبراير ١٩٦٤ م.
٥. ابن خلكان، أبو العباس شمس الدين أحمد بن محمد بن أبي بكر بن خلكان: وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، تحقيق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بيروت.
٦. ابن عاشور: محمد الطاهر بن محمد الشاذلي بن عبد القادر بن محمد بن، التحرير والتنوير، ناشر: الدار التونسية للنشر - تونس.
٧. ابن العربي: محمد بن عبد الله، ابن العربي الاندلسي الاشبيلي المالكي، أحكام القرآن لابن العربي محقق: محمد عبدالقادر عطا، ناشر دارالكتب العلميه، (١٤٢٤هـ- ٢٠٠٣م) طبع سوم.
٨. ابن فارس: ابو الحسين أحمد بن زكريّا، مقاييس اللغة، تحقيق: عبد السلام محمد هارون الناشر: اتحاد الكتاب العربي، الطبعة: (١٤٢٣هـ - ٢٠٠٢م).
٩. ابن كثير، عمادالدين عمر بن كثير البصرى الدمشقى، تفسير القرآن العظيم، محقق سامى بن محمد سلامه ناشر دار طيبة للنشر والتوزيع.
١٠. ابن ماجه، أبو عبد الله محمد بن يزيد بن ماجه قزوينى: سنن ابن ماجه. رياض: بيت الأفكار الدولية. چاپ اول ٢٠٠٢م.
١١. ابن منظور، محمد بن مكرم بن على، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الانصاري الرويفعى: لسان العرب، ناشر: دار صادر بيروت، طبع: اول.
١٢. أبو زهرة: محمد بن أحمد بن مصطفى، زهرة التفاسير، ناشر: دار الفكر العربي.

١٣. ابوسعود: محمد بن محمد بن مصطفى العمادي، إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم، محقق: عبد القادر احمد، ناشر كتاب خانه رياض.
١٤. اصفهاني: حسن بن محمد بن مفضل معروف به راغب، المفردات في غريب القرآن، تحقيق: صفوان عدنان داودي ناشر: دارالعلم الدار الشامية، الطبع: دمشق بيروت، (١٤١٢هـ).
١٥. الأنباري، محمد الانباري المتوفى سنة ٥٧٧هـ ١١٨١م: نزهة الألباء في طبقة الأدبا طبع على الحجر طبعا متقنا سنة ١٢٩٤هـ.
١٦. بخارى، ابو عبد الله محمد بن إسماعيل بخارى: صحيح البخارى. رياض: دار السلام ، ١٩٩٧م.
١٧. بدخشاني: محمد اكرام الدين. ازهر البيان في تفسير كلام الرحمن. تحقيق وتخريج: معتصم بالله اكرامى. نشر: انتشارات عاصم، كابل - افغانستان، سال چاپ: ١٤٠٠ش.
١٨. البغوي: محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود البغوي المتوفى ٥١٦ هـ معالم التنزيل ، محقق : محمد عبد الله النمر - عثمان جمعة ضميرية - سليمان مسلم الحرش ناشر : دار طيبة للنشر والتوزيع طبع: الرابعة، ١٤١٧هـ - ١٩٩٧م.
١٩. البغوي، محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود البغوي المتوفى ٥١٦ هـ شرح السنة. تحقيق: شعيب الأرنؤوط، وزهير الشاويش، بيروت، المكتب الإسلامي، ١٤٠٠ هـ.
٢٠. ترمذى، أبو عيسى محمد بن عيسى: جامع ترمذى. رياض: بيت الأفكار الدولية. چاپ اول ٢٠٠٢م.
٢١. التويرى: محمد بن ابراهيم بن عبدالله، موسوعة فقه القلوب، الناشر بيت الأفكار الدولية، طبع: اول (١٤٣٠هـ-٢٠٠٩م).
٢٢. تهانوي: محمد بن علي بن قاضي محمد حامد بن محمد صابر فاروقى حنفي، موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، تحقيق: د على د حروج، ناشر: مكتبة لبنان ناشرون بيروت، طبع: اول (١٩٩٦م).
٢٣. الجزائرى، جابر بن موسى بن عبد القادر بن جابر أبوبكر الجزائرى، أيسر التفاسير، ناشر مكتبة العلوم والحكم المدينة المنوره، طبع: ٥ (١٤٢٤هـ-٢٠٠٣م).
٢٤. جماعة جماعة من علماء التفسير: المختصر في تفسير القرآن الكريم، إشراف: مركز تفسير للدراسات القرآنية الطبع: الثالثة، ١٤٣٦ هـ.

٢٥. الحلبي: أبو العباس، شهاب الدين، أحمد بن يوسف بن عبد الدائم المعروف بالسمين،
الدر المصون في علوم الكتاب المكنون محقق: الدكتور أحمد محمد الخراط، ناشر: دار
القلم، دمشق.
٢٦. الحموي، ياقوت: معجم الأدباء، نشر: موقع الوراق.
٢٧. خرم دل: مصطفى، تفسير نور، تاريخ نشر: حوت (١٣٩٤ شمسي جمادى الاول
١٤٣٧ هجري) www.aqeedeh.co.
٢٨. الخطيب، عبد الكريم: عبد الكريم يونس الخطيب (المتوفى: بعد ١٣٩٠ هـ): التفسير
القرآني للقرآن. ناشر: دار الفكر العربي - القاهرة
٢٩. درويش: محيي الدين بن أحمد مصطفى، إعراب القرآن وبيانه، ناشر: دار الإرشاد
للشئون الجامعية - حمص - سورية، (دار اليمامة - دمشق - بيروت)، (دار ابن كثير -
دمشق - بيروت) طبع: الرابعة، ١٤١٥ هـ.
٣٠. الدعاس: أحمد عبيد - أحمد محمد حميدان - إسماعيل محمود القاسم، إعراب القرآن
الكريم ج ١، ناشر: دار المنير ودار الفارابي - دمشق، طبع: الأولى، ١٤٢٥ هـ.
٣١. الذهبي، شمس الدين الذهبي (ت ٧٤٨ هـ): سير أعلام النبلاء، تحقيق: شعيب الأرنؤوط
وآخرين، مؤسسة الرسالة ١٤٠٩ هـ.
٣٢. الرازي: أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي، مفاتيح الغيب =
التفسير الكبير، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت طبع: سوم - ١٤٢٠ هـ.
٣٣. الزبيدي: محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني أبو الفيض الملقب بمرتضى، تاج
العروس من جوامع القاموس، تحقيق: مجموعة من المحققين، ناشر دار الهداية.
٣٤. الزركلي، خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الزركلي الدمشقي
(المتوفى: ١٣٩٦ هـ): الأعلام. الناشر: دار العلم للملايين، الطبعة: الخامسة عشرة -
أيار / مايو ٢٠٠٢ م.
٣٥. السعدي: الشيخ ابو عبد الله عبد الرحمن بن ناصر السعدي الناصري التيمي، تيسير
الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، محقق: عبد الرحمن بن معلا اللويحق، ناشر:
مؤسسة الرسالة، طبع: الأولى ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م.
٣٦. السيوطي: عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين، الدر المنثور، ناشر: دار الفكر -
بيروت.
٣٧. السيوطي، جلال الدين محمد بن أحمد المحلي وجلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر
السيوطي، تفسير الجلالين، ناشر: دار الحديث القاهرة طبع: الأولى.

٣٨. السيوطي : جلال الدين ، عبد الرحمن بن أبي بكر (ت : ٩١١ هـ) : بُغْيَةُ الوعاة في طبقات اللغويين والنحاة. تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم ، بيروت ، المكتبة العصرية .
٣٩. سيد قطب، ترجمه فارسى فى ظلال القرآن.
٤٠. الصابوني: محمد علي، صفوة التفاسير، الناشر، دار الصابوني للطباعة والنشر والتوزيع - القاهرة طبع: الأولى، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م .
٤١. الطبري: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر، جامع البيان في تأويل القرآن، المحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر مؤسسة الرسالة، الطبع: الأولى (١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م).
٤٢. عبد الباقي، محمد فؤاد: المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الكريم. بيروت: دار المعرفة. الطبعة الرابعة ١٤١٤ هـ - ١٩٩٤ م.
٤٣. عثمانى، مفتى محمد شفيع عثمانى: تفسير معارف القرآن، مترجم: محمد يوسف حسين پور. تربت جام، ١٣٧٧ .
٤٤. عدد من عدد من أساتذة التفسير تحت إشراف الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي: التفسير الميسر الناشر: موقع مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
٤٥. عمر، احمد مختار عبد الحميد، معجم اللغة العربية المعاصرة، ناشر المكتبة القاهره طبع اول (١٤٢٩-٢٠٠٨م).
٤٦. عميد، حسن: فرهنگ عميد، مؤسسه انتشارات مركزى تهران.
٤٧. الفراهيدي: ابو عبد الرحمن، خليل بن احمد بن عمرو بن تميم الازدى اليعمدي، العين.
٤٨. قرطبي، أبو بكر ابن العربي: أحكام القرآن ، تحقيق: علي محمد البجاوي، القاهرة، ١٩٥٧ م.
٤٩. القشيري: عبد الكريم بن هوازن بن عبد الملك، لطائف الإشارات، ناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، طبع: ٣ (ب ت).
٥٠. القشيري، أبو الحسين مسلم بن حجاج بن مسلم القشيري: صحيح مسلم. رياض: بيت الأفكار الدولية. چاپ اول ٢٠٠٢ م.
٥١. القفطي، جمال الدين أبي الحسن، علي بن يوسف بن إبراهيم القفطي: إنباء الرواة على أبناء النحاة ، تحقيق محمد أبي الفضل إبراهيم طبع دار الكتب المصرية ١٣٩٦ هـ - ١٩٥٠ م .

٥٢. الكفوى، أبو البقاء الكفوي: الكليات، معجم المصطلحات والفروق اللغوية، تحقيق: عدنان درويش، ومحمد المصري، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٩٩٣ م.
٥٣. لجنة من علماء الأزهر، المنتخب في تفسير القرآن الكريم، ناشر: المجلس الأعلى للشئون الإسلامية - مصر، طبع مؤسسة الأهرام طبع: ١٨، ١٤١٦ هـ - ١٩٩٥.
٥٤. معين، دكتور: فرهنج معين. انتشارات: امير كبير.
٥٥. المناوى، محمد عبد الرؤوف المناوي: التوقيف على مهمات التعاريف، تحقيق: عبد الحميد صالح حمدان، القاهرة، ١٤١٠ هـ.
٥٦. النَّحَّاس: أبو جعفر أحمد بن محمد بن إسماعيل بن يونس المرادي النحوي، الناسخ والمنسوخ، الناشر: منشورات محمد علي بيضون، دار الكتب العلمية، بيروت، طبع: الأولى، ١٤٢١ هـ.
٥٧. نسائي، أبو عبد الرحمن أحمد بن علي بن شعيب النسائي: سنن نسائي. رياض: بيت الأفكار الدولية. چاپ اول ٢٠٠٢ م.
٥٨. النسفي، أحمد بن محمود النسفي (ت ٧٠١ هـ): مدارك التنزيل وحقائق التأويل، دار الكتاب العربي - بيروت.
٥٩. النيسابوري: علي بن أحمد بن محمد بن علي بن متويه الإمام أبو الحسن الواحدي: الوجيز في تفسير الكتاب العزيز. الناشر دار اقليم دمشق، طبع اول (١٤١٥ هـ - ١٩٩٥ م).

Summary

The difference between Tayyab and Khabaith are two important things that all human affairs both in this world and in the hereafter belong to them. It is necessary to know the pure and impure, and the difference between them is essential, that is, from what I have researched about the Tayyab and Khabaith from the perspective of the Qur'an, it can be summarized as follows: Tayyab and Khabaith are two words in the Holy Quran, Tayyab means good, pure, and halal, while Khabit means dirty, impure, and forbidden, and thus Tayyab had many types, and all pure and halal things remain: Tayyabat is the type of people, eatables, property, and wealth. Places, words, actions, and the general creations are said to be permitted to be used by the Holy Qur'an and there is no prohibition in using them, but humans can use any kind of good things according to the rules of the verses of the Holy Qur'an and the hadiths of the Holy Prophet - peace and blessings be upon him. - They should use it, while it is the opposite in the case of evil, and evil also has many types, such as: evils of the type of people, edibles, wealth, places, words, actions, and general creatures that the Holy Quran considers rejected objects and using them is prohibited and haram. is contracted and should not be left to forget that Allah-Azhu Jal-Darbyan of evil and good things has different styles and methods, as he has expressed good things with styles such as command, prohibition, negation, questioning, promise, praise, and proverbs, but also bad things with different styles and methods such as: command, prohibition, negation, proverbs, dhim, questioning, promises, and promises, and so Allah - the Exalted - has also mentioned the effects of turning to good things and avoiding evil things, even though using good things and avoiding and avoiding evil things cause what consequences Therefore, this is one of the wisdoms of Allah, the Exalted, who stated in the Holy Qur'an the rulings and issues related to good and evil, and ordered his servant to use good and bad things and forbid evil, because good and evil are the same. They are not, and there is a difference between them, and there is no evil, except that which has an unfortunate end in this world and the hereafter, and causes misery and misfortune, and good is that which has a good end, and in this world and the next, it causes prosperity and salvation for humans, so it is one of the needs and necessities of humans to know the truth of good and evil. slave and implement it in their lives, especially in the current era when relationships Social relations between people have become very close and Muslim people who are obliged to observe the difference between good and bad things have come close to non-Muslims who do not observe the limits of Sharia and do not pay attention to things in terms of being good or bad. Good and bad in the Holy Quran) is necessary in Islamic societies and among Muslims and has a special importance and position.



Salam University

Faculty of Sharia and Law

Master Program in Tafseer and Hadith



Islamic Emirate of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

Tayyab and Khabaith according to the Qur'an

A Master's thesis

Student: Shahla "faizi"

Supervisor: Dr. Abdul Bari "Hamidi"

Year: 2022



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Tafseer and Hadith



Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

Tayyab and Khabaith according to the Qur'an

A Master's thesis

Student: Shahla "faizi"
Supervisor: Dr. Abdul Bari "Hamidi"

Year: 2022